

در پاکستان یک مامای ماهر می تواند سلامتی را برای مادر و کودک به ارمغان آورد

«کند. سلامت مادر و کودک من را بسیار شادمان می»، مامای محلی در پاکستان: شاگوفتا شهزادی

نوشته سامی مالک

ترجمه فرخ نیک مرام

مامای ماهری که شاگوفتا شهزادی های بهداشتی قبل و بعد از تولد در مناطق روستایی پاکستان، با همت زنانی مانند مراقبت ای با حمایت یونیسیف تعلیم دیده، به سرعت پیشرفت کرده است. در برنامه

بزرگترین» گوید:) است می SBA شاگوفتا شهزادی 30 ساله که مامای متخصص (- پاکستان قصور سوم دسامبر سال 2014 در منطقه در ایالت قصور در منطقه ناندا/نیپورا . او در روستای «لذت زندگی من زمانی است که مادر و کودک هر دو پس از زایمان سالم باشند کند. پاکستان زندگی و کار می پنجاب



مامای کند. بر علامت روی دیوار نوشته شده است شاگوفتا شهزادی در ایالت پنجاب پاکستان خانه خود را ترک می» توضیح عکس: «محلی

داندهای بسیار زیادی وجود دارد. افراد تعلیم دیده می بین خدمات یک مامای آموزش دیده و یک قابله سنتی تفاوت» گوید: شاگوفتا می که چگونه از پیچیدگی های دوران بارداری جلوگیری کنند و در صورت بروز آنان را اداره کنند. آنها در زمان وضع حمل و خدمات پس از «تحت کنترل خود قرار دهند. ها جلوگیری کرده و توانند از این پیچیدگی تولد برای نوزاد و مادر نیز می

یک روز کاری شاگوفتا ممکن است شامل یک وضع حمل باشد. او می تواند در یک روز کاری به مادران در مورد مراقبت های پیش از شده و نوزادش، خدمات پس از زایمان ارائه رود که به مادری تازه فارغ زایمان آموزش دهد. او همچنین قدم زنان به روستای کناری می دهد. او به کار خود افتخار و احساس موفقیت می کند، چرا که در یک سال اخیر به دلیل خدمات او حتی یک مورد مرگ نوزاد یا مادر در است. منطقه دیده نشده

من دو ماهه بودم که پدرم فوت کرد. مادرم، من و خواهرم را» کند: شاگوفتا به زندگی دشوارش در گذشته نگاهی می اندازد و تعریف می با پول بسیار اندکی که با کوک زدن پارچه در می آورد بزرگ کرد. منابعی که مادرم در اختیار داشت بسیار اندک بودند، ولی او ما را به «هر شکل که بود به کنکور رساند و ما درسمان را خواندیم. خواهرم یک مددکار اجتماعی زنان شد و من هم ماما.



ای خود کمک‌های کلی دوره‌معاینه شاگوفتا در حین گفتگو با یک بیمار، یادداشت بر می‌دارد تا به ایجاد پرونده» توضیح عکس: «کند»

ای که به وسیله یونیسف برنامه ریزی شده بود را به اتمام رساند. های منطقه 18 ماهه آموزشی برای ماما در سال 2012 شاگوفتا یک دوره این دوره در بیمارستان مرکز منطقه قصور انجام یافت.

از آنجایی که دختر کوچکترش تنها چند ماهه بود، شرکت در این آموزش‌ها برای شاگوفتا کار ساده‌ای به حساب نمی‌آمد. او با حمایت همسرش و سایر اعضای خانواده توانست دوره را به پایان برساند. حمایت آنان همچنان زمانی که او به عنوان مامای آموزش دیده فعالیت می‌کند ادامه دارد.

«همه چیز تغییر کرده است»

بین کار مامایان تعلیم ندیده‌ای که 25 یا 30 سال پیش فعالیت می‌کردند و خدمات کنونی این ماماها تعلیم دیده، از دید شاگوفتا تفاوت بسیار زیادی وجود دارد.

مادرم برایم تعریف کرد، زمانی که من به دنیا آمدم یک مامای سنتی به خانه ما آمد تا بر زایمان نظارت کند. او کلا از» گوید: او می‌بهداشت چیزی سرش نمی‌شده و حتی برای معاینه مادرم دست خود را نشسته بود. کمی خاکستر از بخاری بیرون آورده و روی زمین می‌ریزد و من را آنجا به دنیا می‌آورد. همه چیز امروز تغییر کرده است. تمامی زندگی‌هایی که بر اثر خدمات ضعیف از دست می‌رفت «کنند. امروزه نجات پیدا می‌



«کند. شاگوفتا زنی که به مطب خانگی مامایی او آمده است را معاینه می‌» توضیح عکس:

شاگوفتا به زنان و کودکان 10 روستا در منطقه قصور خدمات پیش از تولد و پس از تولد ارائه می‌دهد.

ای محبوب‌اش، در منطقه چهره‌منطقه است و هم به دلیل رفتار خوب و دوستانه شاگوفتا هم به این دلیل این که تنها مامای آموزش دیده است و زنان مسائل خود را به راحتی برای او تعریف می‌کنند.

ای از وضعیت فشار خون، ضربان قلب، حرارت بدن و التهابات آنان کنم و سابقه‌ای زنان باردار را معاینه می‌من به طور دوره» گوید: او می‌را جمع آوری می‌کنم. باید رابطه را از اول بارداری تا زمان وضع حمل خوب نگاه‌داشت که به سادگی بتوان خدمات پس از زایمان را به

مادر و نوزاد ارائه داد.

نتایج مثبت

آمار مرگ و میر مادران و نوزادان در هنگام بارداری و وضع حمل بسیار بالاست. یکی از دلایل اصلی این مشکل، کمبود ماماها و آموزش دیده در مناطق دور افتاده و روستایی است. یونیسف در سال 2005 با همکاری وزارت بهداشت ایالت پنجاب و شرکای آن در ایجاد توسعه کلاس‌هایی برای تعلیم این گونه ماماها در بیمارستان‌های روستاهای دور افتاده برگزار کرد. هدف بر این بود که این زنان جوان، کار را یاد گرفته و در مناطق خود، کار را برای مردم آن منطقه شروع کنند.



«شاگوفتا در کنار بارداری با نوزادش که چند روز پیش به دنیا آمده است نشسته است.» توضیح عکس:

با توجه به نتایج مثبت این برنامه، دولت پاکستان آن را به سر» کارشناس بهداشت دفتر یونیسف در پاکستان، دکتر طاهر منظور می گوید: تا سر کشور گسترش داده است. در ایالت پنجاب بیش از 5000 زن، تعلیم داده شده‌اند و اکنون در مناطق خود در حال ارائه خدمات بسیار مهم هستند. از هم اکنون موفقیت این برنامه قابل مشاهده است و امید می‌رود که این برنامه مشکل مرگ و میر بالای کودکان و «مادران در حین بارداری و پس از آن را حل کند.»

شاگوفتا بر این باور است که تضمین بهداشت و امنیت برای مادر و نوزاد بسیار مهم است.

های آینده نیز سالم بار خواهند آمد. ما اگر مادران و کودکان سالم باشند، تمامی اجتماع در سلامت زندگی خواهد نمود. نسل» گوید: او می «شود. باید تلاش کنیم که جان مادران و کودکان را نجات دهیم، به این دلیل که زندگی ارزشمند است و تنها یک بار به فرد داده می

منبع: http://www.unicef.org/infobycountry/pakistan_78038.html

قوانین اجتماعی و خانوادگی در اسلام



عکس: جم نیوز

سنن و قوانین اسلام

ترجمه فرخ نیک‌مرام

1. قوانین مربوط به ازدواج در اسلام

یا پیوند نام «میثاق» شود. قرآن از آن به عنوان ازدواج در اسلام مراسمی الهی نیست، بلکه قرار دادی است که بین مرد و زنش بسته می‌شود. در بسیاری موارد تنها داماد محلی اداره می‌«قاضی» مراسمی است که به وسیله یک «نکاح» برد (نسا 4.4). ازدواج اسلامی یامی دارند. سپس در مراسم حضور دارند و رضایت خود را از انجام این ازدواج ابراز می‌عروس و دو شاهد خانواده ای از سوی به همراه نمایندند. قاضی اعلام می‌کند که آن قرارداد معتبر است.

اند، شوهرتر شده‌کنند. در جوامع اسلامی مدرن که غربی و شام شرکت می‌«ولیمه» در میهمانی پیوند و با هم بعد از آن شوهر به زنش می‌مرد را قبول نکنند. ها بیشتر بر سر مراسم خواهد بود. زن حق دارد که پیشنهاد اجازه دارد خود، زن خود را برگزیند و مذاکرات بین خانواده شوند، بدون آن که زن و شوهر پیش از قرار دادریزی می‌ها برنامه‌ها از سوی خانواده هم ازدواج های اسلامی دیگر، همین امروز در سرزمین حتی یک بار یکدیگر را دیده باشند.

یک میانجی ازدواج، که معمولاً یک زن سالخورده است که به خانواده دخترها دسترسی دارد معمولاً استخدام می‌شود که دخترهای قابل ازدواج را پیدا کند. اولین گام‌ها توسط خانواده مرد برداشته می‌شوند. اگر این حس وجود داشته باشد که خانواده‌ها از نظر اجتماعی با ها، مذاکره با اشتیاق یکدیگر هم خوانی دارند، این سنت وجود دارد که از دوستی خواهش کنند تا با پدر دختر گفتگو کند. پس از این انجام می‌گیرد.

(131، ص. اسلام (تریتون،

یک بار دیگر باید گفت که سنن در بخش‌های مختلف دنیای اسلام تفاوت دارند. شوهر همچنین باید در هنگام ازدواج به همسر خود کند. در صورت‌ها با یکدیگر بر سر این میزان توافق می‌است. خانواده مهریه بدهد (نسا 4.4). میران مشخصی برای مهریه مشخص نشده اطلاق، مرد نمی‌تواند مهریه را پس بخواهد.

و اگر خواستید زنی را به جای زن دیگری به همسری بگیرید، حتی اگر به این زن گنجی به عنوان مهریه بدهید، آن را پس نگیرید. آیا (نسا 4.20) توان آن را با تهمت و اعمال غلط پس گرفت؟ می

هستند مجاز بت پرست شان بر اساس قرآن، مسلمانان اجازه دارند با سایر مسلمانان ازدواج کنند ولی ازدواجشان با دخترانی که خانواده نیست؛ مگر آن که به اسلام ایمان بیاورند. (البقره 2.221)

اما ازدواج آنان با زنان اهل کتاب مجاز است. اهل کتاب به معنای یهودی‌ها، مسیحی‌ها یا هر دین دیگری می‌شود که پیرو کتاب آسمانی بدون شناخته شده باشند. (سوره المائده 5.6)

پرست مجاز نیست، به صورت مشخص عنوان شد که ازدواج با افرادی که به پس همانطور که بیان شد که ازدواج با مردان و زنان بت عرب بت پرست و همانگونه که در قرآن آمده است، این قاعده تنها محدود به زنان مجاز است. های معین مومن هستند (اهل کتاب) دین

(506 ، ص. دین/اسلام توانند در سر تا سر دنیا با زنان اهل کتاب ازدواج کنند. (علی، نیست. افراد می

با این وجود حدیثی وجود دارد که در آن مردانی که زنان مسیحی را، پیش از مسلمان شدن، به همسری می‌گیرند مورد تمسخر قرار می‌دهد:

الله به مردان اجازه گفت: شد، او همیشه می‌نویسد: هر بار که از ابن عمر در مورد ازدواج با یک زن مسیحی یا یهودی پرسش می‌نافی می‌داد تا با زنانی ازدواج کنند که در هنگام عبادت او به همسر خود استناد کند و هیچ چیز بهتر از استناد به همسر در هنگام دعا نیست. (155 صحیح البخاری، ج 7 ص. «گوید که مسیح خداست، در حالی که شوهر تنها غلام الله است. در دعا؛ زن می‌بعد؛

در هر حال، زنان مسلمان مجاز نیستند که با مرد غیر مسلمان ازدواج کنند، این اختیار تنها به مردان مسلمان داده شده است. اگر زنی مسیحی مسلمان شود و شوهرش همچنان مسیحی بماند ریال آن زن می‌تواند شوهر خود را طلاق دهد. این یکی از موارد اندکی است که در اسلام زن می‌تواند شوهر خود را طلاق دهد.

قرآن همچنین مانند انجیل، ازدواج با خانواده نزدیک را ممنوع نموده است. (النساء 4.23) همین سوره شوهر را رئیس خانواده قرار می‌دهد و از زن می‌خواهد که در نگهداری از خانواده و غیره به مرد تمکین نماید.

مردان محافظان و نگهداران زنانند، چرا که خداوند به مردان بیشتر از زنان (قدرت) داده است و (مردان) آنان را در مایحتاج زندگی مورد حمایت قرار می‌دهند. (نسا 4.34)

متعه (صیقه) یا قوانین ازدواج موقت 2.

یکی از موارد موجود در اسلام که امروزه موجب خجالت مدافعان اسلام می‌شود، ازدواج موقت یا متعه است. این عمل در اسلام شیعه قرن‌هاست که مجاز است اما در اسلام سنی سال‌هاست که ممنوع شده است.

این قانون منسوخ شده است. البته شود که این‌ای محدود از سوی پیامبر مجاز بوده است. با این حال گفته می‌شود دوره موقت ازدواج گذاری اخلاقی بدون شک بزرگترین لکه بر روی قانون «متعه» های موقت به نام همچنان پا بر جاست. این ازدواج شیعیان میان در عمل (119 ، ص.هایی بر دین محمدیادداشت آیند. (هیوز، محمد به حساب می

قانونی کهن ظاهراً به مردانی که از خانه پدر و مادر خود خارج می‌شدند این اجازه را می‌داد که برای باب دل خودشان قرار داد ازدواج موقت بنویسند. به نظر می‌رسد که قرآن آن را مجاز می‌داند و محمد نیز آن را برای جنگجویان خود آزاد کرده بود. اما ظاهراً عمر این عمل ، ص. بنیادهای اسلامی دموکراتیک، - دانست، در حالی که شیعیان به قانونی بودن آن همچنان اعتقاد دارند. (گادفریو را فساد اخلاقی می 133)

ای کسانی که ایمان آوردید، کارهایی که مجاز است را غیر» شود که در آن آمده است که سنن مربوط به این مسئله مربوط به سوره مائده می‌هاجا اشاره مستقیمی به متعه نشده است و آزادی در این (5.90) «مجاز نکنید، اما افراط نکنید زیرا خدا افراط کاران را دوست ندارد دهد که محمد در ابتدا به شفافیت است باشد. اما حدیث به روشنی نشان می‌ممكن است در مورد هر چیز دیگری که خدا مجاز دانسته اجازه این کار را داده است.

ج. 2، صحیح مسلم پیامبر خدا (ص) نزد من آمد و به ما اجازه داد تا قرار ازدواج موقت بگذاریم. («سلامه، الاکوا و جابر. عبدالله گفت: ص.706).

رابی صبرا گفت که» دهد این است برد و اجازه ازدواج موقت را نمی‌یک حدیث دیگر که ظاهراً حدیث پیشین را کاملاً زیر سوال می‌ (صحیح مسلم ج. 2، «پدرش که از نزدیکان پیامبر خدا (ص) بود، از وی شنید که ازدواج موقت بر خلاف ازدواج معمول مجاز نیست «اند ولی بعداً ممنوع شدند.هایی در طول زندگی محمد مجاز بوده‌توان این گونه توضیح داد که چنین ازدواج ص.707) این تفاوت را می‌ به نظر این بهترین توضیح است و چنین توضیحاتی در حدیث نیز آمده است:

ای مردم، من به شما اجازه ازدواج موقت را داده» به قول پیامبر : صبرا الجوهانی به قول پدرش، زمانی که با پیامبر خدا (ص) بود گفت بودم اما الله آن را ممنوع کرده است، تا روز قیامت. پس هر کدام از شما که چنین زنانی دارید، آنان را رها کنید و آنچه به آنها داده‌اید ج.2، ص.707) صحیح مسلم. «(مهریه) را از آنان نگیرید

ص. موطا امام مالک) «کرد. ممنوع خیر پیامبر خدا (ص) متعه و خوردن گوشت خر را در روز جنگ» گوید: علی بن علی طلیب می (240)

را نیز نباید نادیده «دموباینز - گادفریو» به گفته رسد که متعه در اوایل ظهور اسلام مجاز بوده است. نقل قول عمر، پس به نظر می

داستانی نیز وجود دارد که در دوران خلافت عمر، زنی نزد او رفت و گفت فلان مُعَرَّب زنی را موقتی به همسری گرفته است و گرفت. این ازدواج موقت است و اگر من قبلاً آن را حرام کرده بودم، اکنون دستور سنگسارش را صادر» حالا زن باردار است. عمر گفت اند تاهایی در عربستان مجاز بوده‌های این چنینی افرادی را به این فکر انداخته است که چنین ازدواج (موطا امام مال). داستان «کردم می دهد که محمد این عمل آید. به هر حال حدیث دیگر نشان می‌را ممنوع کرد، اما این به نظر درست نمی‌این گونه از ازدواج زمانی که عمر را تا نبرد خیبر مجاز می‌دانسته است.

3. قوانین و عمل طلاق در اسلام

در بخش‌های قبلی این کتاب خواندیم که ابو داود حدیثی را نقل کرده است که در کل به این معناست که از تمامی چیزهایی که خداوند برای مردان آزاد گذاشته است، طلاق ناراحت کننده‌تر است.

، (ص. 191) دین اسلام طلاق مباح است و در صورت امکان باید از آن خودداری کرد. (کلاین،

هایی در سر راه داند، مانع طلاق را کاملاً مجاز می‌قرآن کند. با وجود این که قرآن در دو بخش به طور مشخص در مورد طلاق صحبت می‌گفته شده است: صورت الطلاق آن قرار داده است. در

ای پیامبر. اگر زنی را طلاق می‌دهی، او را در دوره مشخص خود طلاق بده و این دوره را با دقت حساب کن. و از خداوند بترس. و آنان را فحشای عمومی از آنان سر زده باشد. خدا شان بیرون روند، مگر این که هایشان بیرون نکن و خود آنان نیز نباید از خانه از خانه محدودیت‌هایی گذارده است. و هر کس محدودیت‌های خدا را بشکند به راستی به روح خود ظلم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خدا شرایط دیگری را به میان آورد. (الطلاق 65.1)

ای مشخص وجود اما موانع قابل توجهی دارد. باید دوره (9-8-19). پس طلاق در اسلام آنگونه که در مسیحیت است، گناه نیست (متی پیش از آن که طلاق نهایی شود. شوهر گیرد (البقره 2. 228) های سه ماهه صورت می‌شود، که در دوره گفته می‌عده داشته باشد که به آن برای طلاق زن اعلام کرده باشد، باید سه ماه صبر کند تا بتواند در عمل جدا شود. زن نیز در این را پس از آن که در سه نوبت برنامه خود مدت باید در خانه بماند که مشخص شود که آیا او باردار است و یا شاید راه حلی برای مسئله پیدا شود.

طلاق روندیست که با جدایی فیزیکی شروع می‌شود و پس از پایان دوران عده به نهایت می‌رسد. این دوره باید به درستی محاسبه شود و طلاق تا پایان واقعی این دوره کامل نشده است. در این هنگام نیاز به هیچ حرکت عمومی نیست. در این دوره زن نباید از خانه شوهر خارج شود و مرد نیز نمی‌تواند او را بیرون کند، مگر این که در این دوره، زن دچار یک ننگ عمومی شود. و گرنه در ظاهر زن و مرد باید و امید داشته باشند که راه حلی برای مشکلاتشان پیدا شود، یا به گفته قرآن، الله راه جدیدی پیش مانند گذشته با یکدیگر زندگی کند (ج. 29، ص. 62) دنیای اسلامی، «محمد و طلاق در اسلام در قرآن» رویشان بگذارد. (بل

و زنان خود را در موقعیت مناسب و مساوی رها کنند. (البقره خواهد که در دوران طلاق بسیار دقت کنند قرآن همچنین از مردان می‌خواهد (2.231) آن‌ها نباید آنان را آزار بدهند و زخمی کنند یا اجازه ازدواج با همسر پیشینشان را به آن‌ها ندهند. (البقره 2.232). با وجود این شود که متارکه یا زنا باید اول صورت بگیرد یا در هیچ کجا ذکر نمی‌گیرد. نصایح دقیق، قرآن هیچ گونه شرایطی برای طلاق در نظر نمی‌انداخته است شوهر نیاز به ارائه هیچ گونه دلیلی برای طلاق دادن دارد. سکوت قرآن در این زمینه بسیاری از اندیش گران را به این فکر که مرد می‌تواند هر وقت که دلش خواست زن را طلاق دهد.

با توجه به این که از مرد توضیحی برای طلاق خواسته نشده است، مرد می‌تواند به دلخواه خود زنش را طلاق دهد. چنین حقی اما به زن انجامیده است که عواقب شدیدی در پایین آوردن مرتبه زن در اسلام داشته است. عدالتی به دوگانگی و بی داده نشده است و همین مسئله، (ص. 121) چارچوب اجتماعی اسلام (لیوای،

به دلخواه خود تواند تصور این که یک شوهر می‌« عالمان اسلام بلافاصله از این مسئله دفاع می‌کنند. یکی از نویسندگان نوشته است: (ص. 551) دین اسلام بگذارد، تحریف بزرگی از قوانین طلاق در اسلام است. (علی، زنش را کنار

نویسنده در ادامه شرایطی را بیان می‌کند که در آن زن می‌تواند شوهر خود را طلاق دهد، مثلاً زمانی که شوهر گم شده و پیدا نمی‌شود، که در آن حال باید مهریه را برگرداند، یا زمانی که زن به اسلام می‌گردد و شوهرش غیر مسلمان است.

مطالعه عادلانه و بی‌طرفانه قوانین اسلام شما را به این نتیجه می‌رساند که اگرچه مردان به هر دلیلی می‌توانند زن خود را طلاق دهند، این قانون کلی اسلام این است که طلاق حق مرد است. قوانین باید با احتیاط دست به آن زد. با این همه، است و حساس برای مردان هم مسئله هستند: واپس گرایانه مورد بسیار حنفی بخصوص در این

است، زیرا که آنان به زن هیچ گونه حقی گرایانه تر از دیگران واپس در این مسئله پایان دادن به ازدواج، قوانین حنفی سخت تر و

مرد برای یک تنه کنار تمایل ها، از هر راه دیگر. همانگونه که مانند سایر سنی یا چه از راه قضایی دهند، هیچ گونه طلاق را نمی برای حتی بیان این که مرد اند، از آن هم پیشتر رفته اند و ازدواج برای مرد هیچ گونه پایبندی و رسمیتی ندارد. کافی دانسته گذاشتن زن خود را می خواهد زن خود را طلاق دهد تاثیر خاصی ندارد. پس زن نه می تواند شوهر خود را طلاق دهد و نه می تواند طلاق خود را از او بگیرد مگر در زمانی که خود مرد اجازه آن (تفویض الطلاق) را به زن بدهد. زن از نظر مالی کاملا وابسته به مرد است. زن حتی اجازه طلاق از دادگاه را هم ندارد، هر چقدر هم که کتک خورده باشد و برای هر مدتی که رها شده باشد. حتی اگر زن متوجه شود که با مردی که ج.41، تغییرات جدید در قانون شریعت 5 تواند طلاق بگیرد. (اندرسون ازدواج کرده است، نمی بیماری وحشتناک و واگیرداری دارد ص.271).

به طور مشخص، تنها جایی که به وضوح از طلاق صحبت می کند این حق را به مرد داده است و نصایحش متوجه مردان است و اسمی از زنان نمی رود.

قرآن یک قانون در مورد طلاق دارد که به سختی می توان آن را درک و توجیه کرد. این قانون در این جمله پیداست:

پس اگر یک مرد زن خود را طلاق داد (بدون برگشت) (سه طلاقه)، دیگر نمی تواند با آن زن ازدواج کند، مگر این که آن زن با مرد تواند دوهای پیش از آن آمده است که مرد تنها می در آیه دیگری ازدواج کرده باشد و مرد دوم نیز او را طلاق داده باشد. (البقره 2.230) اند که تنها راه ازدواج برای بار سوم، این است که با او ازدواج کند. علما از این آیات به این نتیجه رسیده بار با زن خود ازدواج کند و باز هدف این آموزه به روشنی این است که مردان نتوانند دائما زن یک بار با مرد دیگری ازدواج کند و پس از آن با شوهر قبلی ازدواج کند. امنیت بیشتری داشته باشند. اما تا زنان ایجاد کردن برای زن استفاده کنند زن خود را طلاق دهند، از طلاق به عنوان تهدید یا برای مشکل حدیثی در این شود که زن مجبور شود وارد ازدواج دیگری شود تا بتواند همان ازدواج اول را دوباره از سر بگیرد. در عمل این موجب می مورد، این قانون را مسخره و نگران کننده تر از آن می کند که تا به حال بود:

عایشه گفت: مردی زنش را با گفتن این که می خواهد او را طلاق دهد، سه بار طلاق داد. زن ازدواج دیگری کرد و او نیز او را طلاق داد. تواند به شوهر اول می در صورتی خیر، او تنها» تواند با همسر اولش ازدواج کند یا خیر. پیامبر جواب داد: شد که آیا او می از پیامبر پرسیده ج.7، ص.136) صحیح بخاری). «برگردد که شوهر دوم عمل ازدواج را با او انجام داده باشد، همانگونه که شوهر اول انجام داده بود

در عین حال جالب است بدانید که یک مرد نباید حتما سه بار ازدواج کرده باشد و زنش را طلاق داده باشد تا چنین موقعیتی پیش آید، یکی از دانشمندان غربی و برای ازدواج مجدد، زن باید با مرد دیگری ازدواج کند. تواند در طلاق اول زنش را سه طلاقه کند تنها مرد می راه بازگشت به و بلافاصله «تورا طلاق دادم» نام این را طلاق مطلق گذاشته است که در آن مرد تنها باید سه بار این کلمات را تکرار کند: ص.122) به هر حال دشوار هایی بر دین محمدیادداشت مگر این که مرد دیگری اول با زن ازدواج کند. (هیوز، شوهر، ازدواج بسته می است که از شنیدن این نکته کسی جا نخورد. در واقع اینجا قانون هیچ جایی برای دوباره اندیشیدن، سوء ظن یا تاسف هر دو طرف دانست. (متی 5.32) دیگر مهم نیست که می «زنا» کند که مسیح آن رارسد که زن را وادار به انجام کاری می نگذاشته است و به نظر می های دیگر همین در کتاب ای که تنها با او تجربه کرده بود. او تمایل دارد به همسر واقعی باز گردد، بدون زیر پا گذاشتن رابطه صمیمانه نه تا زمانی که شوهر دوم» (ج.2، ص.730) نوشته است که پیامبر گفت: صحیح المسلم حدیث نیز آمده است با این تفاوت که در ، اگرچه شوهر دوم او را طلاق داده بود. این به نظر بی عدالتی وحشتناکیست که قرار بوده است «شیرینیش را مانند مرد اول نجشیده باشد را بگیرد. دهد هر روز فکر خود را تغییر این که شوهر اول را تنبیه کند و جلوی

هایی که تک در جاهای دیگر، مثلا در مکان در بسیاری از مناطق مسلمان نشین، مثلا در شمال آفریقا، طلاق مسئله اجتماعی معمولیست. همسری به صورت حالت عادی ازدواج تبدیل شده است، آمار کاهش چشمگیری دارد.

4. قوانین جزایی اسلام - حدود

در سال های اخیر اخبار زیادی به گوش می رسد که در کشورهای مسلمان قوانین شرع را به کار می برند. این به این معناست که قوانین قرآن از این پس قوانین آن کشور است. و این به این معناست که مجازات های قرآنی مانند شلاق برای زنا یا بریدن دست و پا برای دزدی دوباره قابل اجرا شده اند. اخبار انجام این مجازات ها در جاهای مختلف مانند سودان، پاکستان، عربستان سعودی و غیره به گوش می رسد. در با این که این ولی در عربستان سعودی چنین قانونی وجود ندارد. موریتانی دزد این حق را دارد که دستش را قبل از بریدن بی حس کنند ذهن خود، برای اجرای فرامین قرآن همه تلاش خود را آیند، اسلامگرایان بنیادگرا، در اعمال برای سایر افراد دنیا وحشیانه به حساب می می کنند. با این عمل اعتبار اسلام زیر سوال می رود. یک نویسنده در مورد تغییرات اخیر در پاکستان نوشته است:

دزدی حالا با بریدن دست تنبیه می شود، زنا ی مسلمانان با سنگسار، مشروب خوردن با 80 ضربه شلاق و غیره. قوانین اسلامی و حدود بدون هیچ کم و کاستی با فشار علما اجرا می شوند. و این علما حاضر به هیچ گونه سازشی با دیگران برای تطبیق اسلام با دنیای مدرن ص.126) اسلام: از دید مسیحیت نکردند. (نظیر علی؛

شود که مجردان این اجرای سنت، دیده می باید 100 ضربه شلاق بخورند (النور 24.2) و در دهد که زناکاران قرآن با شفافیت توضیح می مجازات را دریافت می کنند و کسانی که ازدواج کرده باشند سنگسار می شوند. در عربستان، مجازات معمول برای زنا، سر بریدن است. در مورد دزدی، قرآن به روشنی بریدن دست و پا را آموزش می دهد:

همچنین دزد، چه زن و چه مرد، در راه خدا مثلا (دست) او را ببرید، مجازاتی با عبرت از سوی خدا برای جرم آنان، و خدا تواناست. (المائده 5.41)

در حدیث این مجازات تنها برای اشیای قیمتی اختصاص داده شده است.

(صحیح مسلم، «نباید بریده شود مگر برای دزدی به اندازه ربع دینار یا بیشتر. دست دزد» که پیامبر خدا (ص) گفت: گوید عایشه می ج.3، ص.907)

نباید دست خود را از دست اگر برده مال اربابش را بدزد نیز و دست در هنگام دزدی گیاه یا میوه نباید بریده شود. گویند که سایر سنن می نیز بریدن دست جایز یا زمانی که مال دزدی کمتر از ربع دینار ارزش داشته باشد چرا که برده و تمامی دارایی اش مال ارباب است. بدهد نیست. به هر حال این تشبیه بیش از اندازه خشن است و بیشتر برای انسانها و دولت‌های اولیه مناسب است. دست کم یک مورد سنت در آورده شد و دزدی نزد پیامبر خدا (ص) «کند. قربانی را حتی بیشتر تحقیر می چرا که کند حدیث طبیعت وحشیانه این عمل را تشدید می دستش را بریدند. سپس او دستور داد که دست بریده را از گردن او آویزان کنند. (سنن ابوداود، ج.3، ص.1230) او برای مدتی مجبور مجازاتی عصبانی کننده. بیش از 2000 سال پیش، یک عالم غربی نوشت: در حالی که دست به گردنش آویزان بود دوره بگردد. بود

(یا بدنه قوانین «قوانین ژوستینین» رسد ولی شود، بریدن دست، که در نگاه اول کافی به نظر می دزدی با بریدن اعضای بدن مجازات می مدنی) که اجازه نمی دهد مجرم معلول شود منطقی تر است، چرا که دزدی، که دلیل نخستش فقر است، در اثر معلول شدن فرد تشدید می (ص.150) گفتگوی ابتدایی قرآن تواند کار صادقانه انجام دهد. (سیل شود و فرد نمی می

تر و با مدنیت قرن بیستمی در کشورهای اسلامی نگران کننده است. امید به آن است که افرادی عاقل «حدود» به این دلیل است که ظهور در سال‌های آینده، در برابر تفکرات پس گرد که می خواهند ساعت را به عقب باز گردانند پیروز شوند.

5. های ممنوع در اسلام غذاها و نوشیدنی

اکثریت مردم می دانند که مسلمین مانند یهودیان بین غذاهای حلال (به معنای آزاد از منع) و حرام (به معنای جداسازی شده) تفاوت قائل می شوند. در مورد غذا، حلال و حرام بین مسلمانان و یهودیان بسیار شباهت وجود دارد:

او تنها گوشت مردار، خون و گوشت خوک و هر چیزی که بر آن نام خدا نباشد را برای تو حرام کرده است. اما اگر کسی ناچار شد و بدون ترین است. (البقره 2.173) او گناهکار نیست. زیرا خداوند بخشنده [این موارد را بخورد] نافرمانی، خواست خود و بدون تلاش برای

تمامی انواع ماهی و غذاهای دریایی برای مسلمانان مجاز است. (المائده 5.99) غذاهای حرام برای مسلمانان برای یهودیان و حتی (16-10 9 ممنوع بوده است (اعمال رسولان مسیحیان اولیه، پیش از نگاه آزادی

اندازد که آیا است و این فرد را به فکر می «اعمال رسولان 15.18» مشکوک است که جدای از گوشت خوک، سایر لیست دقیقا شبیه محمد در تفکرات در شبه جزیره عربستان تا این حد به هم شباهت داشته اند که یهودیت، مسیحیت و اسلام اینقدر شباهت دارند؟ (وات ص.200) حتی گوشت برای مسلمانان زمانی حلال است که در حین کشتن حیوان نام خدا به زبان آورده شود. (مائده 5.5) تسمیه مدینه (بسم الله الرحمن رحیم) باید بالای سر حیوان انجام گیرد. با این وجود قرآن می گوید که غذای سایر اهل کتاب برای مسلمانان نیز حلال است و هر دو می توانند دور میز یکدیگر غذا بخورند. بعید است که بین یهودیان و مسلمانان در زمینه غذا تفاوت‌های زیادی وجود داشته باشد.

گوید که این قوانین بر غذای یهودیان آشنایی داشته است. و البته محمد می دهد که پیامبر اسلام با قوانین به ما نشان می های بالانقل قول یهودیان به دلیل شرارتشان تحمیل شده اند. با این وجود، حتی اگر هم می خواست، نتوانست که تمامی این مشخصات را از بین ببرد و بگوید که همان غذا کاملا پاکیزه است و خوردن آن حلال. به این دلیل که در بسیاری موارد او نیز مسائلی را حرام می داند که در میان (ص.113) قانون اجتماعی قرآن یهودیان هم مجاز نیستند؛ مانند مردار، خون و گوشت خوک. (رابرتس

و یک مسلمان معتقد باید پس از خوردن غذا نیز خدا را شکر گیرد قرار می حتی تسمیه نیز برای برکت بخشیدن به غذا مورد استفاده بگوید.

«الحمد لله» بگوید و با «بسم الله» هر گاه شخصی شروع به خورد کرد ها پیش و پس از غذا شسته شوند و شده است که دست پیشنهاد

ص. 601) دین اسلام غذای خود را به پایان برساند. (علی

«آیند نوعی سایه است از چیزهای خوبی که می» ولی در مسیحیت وجود ندارد. غسل و سواس در مورد شستن دست به عنوان نوعی (متی 15.2) مشروبات الکلی همه شود. می منتهی و قضاوت کردن دیگران ای که همواره به حق به جانب بودن (عبریان 10.1) و سایه برای مسلمانان حرامند. با آن که قرآن در ابتدا با آن مخالف نبود و فوایدی در اندکی شراب می دید، در پایان به این نتیجه رسید که زیان هایش به فوایدش می چربد. (البقره 2.219). در سایر سوره ها مومنان از آمدن به نماز در هنگام مستی منع شدند. (الحاقه 4.43) و (94 - 93. 5. بعدها شراب کلا ممنوع شد. (مائده

در تمام دنیا برای مسلمانان حالت اجباری دارند و زندگی افراد مسلمان تحت تاثیر آن قرار دارد. این در حالیست قوانین اجتماعی اسلام که بسیاری از قوانین اسلام قابل ستایش هستند ولی بسیاری دیگر باید مورد انتقاد قابل توجهی قرار گیرند.

منبع: <http://answering-islam.org/Gilchrist/Vol1/8b.html>

پشت سر گذاشته شده: قوانین ارث در آفریقای غربی برای زنان هیچ چیزی در نظر نمی گیرند



Africa Renewal عکس:

الیزابت کوهر نوشته :

5 نوامبر 2014

مرام فرخ نیک ترجمه :

را از در آفریقای غربی، در دسامبر سال 2012 ناگهان تمام زندگی خود بورکینافاسو، یک بانوی توانمند و خوش گفتار از بیمباتا نیامی در حال مراقبت از وی بود، بیمباتا دست داد و ناچار شد آن را از صفر دوباره بسازد. پس از مرگ شوهرش بر اثر بیماری کبدی، زمانی که خانواده شوهرش تمامی پس انداز او را تخلیه کردند.

گوید: زندگی کند. این زن 35 ساله که مادر سه کودک است با ناراحتی می «خانه شوهر» تواند در خانواده شوهر به او گفتند که او نمی «توانم نگه دارم. به من گفتند که هیچ چیز را نمی»

دریافت توگوست، تماسی تلفنی از یک زن در جولای او در غرب بورکینافاسو است و زبان مادری ددوگو تنها چند هفته بعد، نیامی که اهل کرد که می گفت از شوهر فقیدش باردار است. او به آن زن نیز گفت که همسرش مرده است.

بدون مسکن، پول یا وسیله حمل و نقل، نیامی وحشت کرد که چگونه از سه کودکش نگهداری کند. هیچ کس پیشنهاد نکرد که از نظر من از خودم» گوید: مالی به او کمک کرده یا از کودکانش نگهداری کند تا او بتواند یک کار تمام وقت برای خودش پیدا کند. او می «توانم بکنم؟ پرسیدم که چه می

ضربه دو جانبه از دست دادن شوهر و دارایی که او تجربه کرد مدام در بورکینافاسو و در آفریقای شمالی و غربی اتفاق می‌افتد. مطالعه ای نشان داد که نیمی از این زنان «های مربوط به خوراک موسسه بین المللی تحقیقات در مورد سیاست» در سال 2011 برای امبر پیترومن از مشکلی به» کنند. این گزارش که تبعیض جنسی در گرفتن ارث را در شمال و غرب آفریقا پس از مرگ شوهر هیچ چیز دریافت نمی‌ای که در آن به دنیا آمده است‌های مرد متوفی به خانواده‌کند، نشان می‌دهد که بیشتر اوقات، تمامی دارایی معرفی می «وضوح جنسیتی می‌رسد.

در سال 2002 بر دنور از دانشگاه ماری انتوانت سوسو ای ریشه در رفتارهای قانونی و فرهنگی دارد. مطالعات چنین تبعیض تثبیت شده نیجریه، سواحل عاج و غنا به این نتیجه رسید که زنان، که زیر دست مردان هستند، معمولاً توان نگهداری زمین‌های شوهر خود را، حتی به صورت قانونی ندارند. این یعنی که آنان نمی‌توانند از کشاورزی سودی ببرند یا زمین را بفروشند. این واقعیت، زنان را در برابر مردان به صورت مداوم در موضع ضعف قرار می‌دهد.

فرهنگ بالاتر از قانون است

های جنسی فرهنگی و مردسالاری در بیشتر حتی زمانی که قانونی برای حفاظت از حقوق زن وجود داشته باشد، نقش سوسو به گفته کشورهای آفریقای غربی بر آن غلبه می‌کند.

در سال 2012 در ایمیلی نوشت: «طبقه بندی خانواده» و یکی از نویسندگان مطالعه اوگادوگو، استاد دانشگاه بیلامپو نوموتیامبیاو بورکینا فاسو در واقع قانونی برای حمایت از زنان بیوه وجود دارد، ولی چون ازدواج به ثبت نرسیده، یا زن به اندازه کافی قدرت اجتماعی «آید. ندارد یا با کارکرد قانون آشنا نیست، آن قانون به مورد اجرا در نمی‌آید.

انتشار یافت، آمده است که با این وجود همچنان در بورکینافاسو «مطالعات کانادا در مورد جمعیت» که در مجله نومو در گزارش 2012 نامه در آن کشور رایج نیست. به جای آن، داد که نوشتن وصیت برای زنان وجود ندارد. این تحقیق نشان می «نظام حمایت اجتماعی» هیچ خانواده اول شوهر این قدرت اجتماعی را دارند که پس از مرگ وی، تمامی دارایی او را مالک شوند و هیچ چیزی برای زنی که همچنان زنده است باقی نگذارند.

بر اساس این گزارش، 80 درصد از زنان بورکینافاسو به کمک اقوام، به خصوص فرزندانشان، برای ادامه زندگی نیازمند هستند. با این وجود زنان جوانی که بچه دارند، مانند نیامی، ناچارند به تنهایی برای خود و کودکانشان زندگی را بگردانند. این زنان پس از مرگ شوهرانشان، حتی نمی‌دانند چگونه باید از پول خود نگهداری کنند.

«داند که باید با که حرف بزند. هیچ کس نمی» گوید: نیامی می

ریچل اسنو، استاد دانشگاه میشیگان که برای توانمندسازی زنان در سازمان ملل کار می‌کند می‌گوید که در غرب آفریقا با توجه به تفاوت های قومی، حقوق زنان می‌تواند کم و زیاد شود، ولی به طور کلی زنان در آن منطقه مورد سرکوب قرار دارند.

«شرایط زنان در بورکینافاسو بسیار بد است. زنان منابع مستقلی ندارند و تمامی پول را مردان نگهداری می‌کنند.» گوید: او می

های قومی مختلف هستند، تحمل می‌ها و گروه‌بر این باور است که بیشترین فشار را، زنان در مناطق فرانسه زبان منطقه که دارای قبیله اسنو تواند ویران کننده باشد. آمار و اطلاعات در مورد این زنان، کودکانشان و بد رفتاری برای زنان و کودکانشان می «کند: کنند. او اضافه می‌تاثیر نابرابری جنسیتی بسیار اندک است چرا که مطالعه کافی در این منطقه فقیر انجام نگرفته است.

به گفته اسنو، 75 مایل در شرق بورکینافاسو، نیجریه با وجود مشکلاتش با تقسیم زمین، در مسیر برابری جنسیتی پیشرفت‌های بسیار خوبی نوشت که این کشور دارای قوانین ارث و قانون اساسی است که از زنان محافظت می «گزارش آفریقا» داشته است. در سال 2013 مجله کند. با این وجود همچنان زنانی وجود دارند که به حکم فرهنگ تمامی دارایی خود را به خانواده شوهر می‌بخشند.

پیدا کردن راهی رو به جلو

امروزه، برای در آوردن نان شب، نیامی خانه اروپاییان ثروتمند را تمیز می‌کند؛ کاری که در بورکینافاسو باب است. مراقبت از کودکان هم با توجه به این که دو تن از کودکانش به مدرسه می‌روند و کوچک ترین کودک را نیز یا با خود به سر کار می‌برد یا به خواهرش می‌سپارد، مشکل بزرگی نیست.

شود. او نان، کلوچه، آب میوه و برای کسب بیشتر، نیامی پارسال کار دومی نیز گرفت. این کسب و کار یک نفره در خانه انجام می‌توفوهایی را که در زمان آزادش در بعد از ظهر آماده می‌کند به مردم می‌فروشد.

«این کار زیادی نیست» گوید: نیامی در مورد دو کارش و نقشش به عنوان یک مادر مجرد می

اما همچنان نیامی که به گفته مشتریان خاکی و تودار است از کسی کمک نمی‌گیرد. او داستان گذشته سخت خود و موانع بر سر راهش را با افراد زیادی در میان نگذاشته است.

من گاهی به او اس ام» گوید: یکی از حامیان و مشتریان او که تا مدتی پس از شناختن او از داستان زندگی خبر نداشت می‌راشد/ ساویر فعالیت داوطلبانه «سپاه صلح» های 2010 تا 2012 در برنامه توانمندسازی دختران. راشدا که بین سال «داددم و او جواب نمی‌اس می گوید، بعد (یک قابلمه) را برای جمع آوری پول برای کمک به زنان بورکینافاسوای تاسیس کرد. او می «وانپات» داشت و سپس سازمان از یک سال که نیامی را می‌شناخت از او پرسید که چرا جواب اس ام اس هایش را نمی‌دهد و او آن موقع داستانش را برای راشدا تعریف کرده بود.

نیامی سواد خواندن ندارد؛ ولی ساویر می‌گوید که او از ابتدا اراده کرده بود که خانواده خود را اداره کرده، به زنان بیوه دیگر نیز کمک کند تا آنان بتوانند شکم کودکان خود را سیر نگه دارند. نیامی سویا و توفو به همسایگانش اهدا می «وانپات» برساند. در چارچوب برنامه او گاهی سایر زنان بیوه را هم استخدام می‌کند که در کار به او کمک کنند.

با این که تلاش مداوم یکی از بخش‌های زندگانی زنانی مانند نیامی است، دست کم خبر خوبی برای او و سایرین در شرایط او وجود دارد. به صورت «دهد که در پنج ساله اخیر تاثیرات منفی بیوه شدن در این کشوری بر روی ترکیب خانواده در سال 2012 نشان می‌مطالعه ای را ایفا کرده گوید که تحصیلات در توانمند سازی و بازتوانمندسازی زنان نقش عمده‌گاهش پیدا کرده است. خانم اسنو می «چشمگیر با دیگران [برای خود و کودکانشان] توانند به شکل بهتری شود و می‌وقتی با سواد هستند، اعتماد به نفسشان زیادتر می» گوید: است. او می ارتباط برقرار کنند.

هم اکنون نیامی در حال تلاش است که کار آسپیزی‌اش را به سطحی بالاتر از 10 نفر مشتری فعلی گسترش دهد. از این ماه هم او به کلاس‌های شبانه می‌رود تا بتواند خواندن و نوشتن بیاموزد و مدرک ابتدایی را بگیرد. آینده اگرچه آسان به نظر نمی‌آید، سرشار از امید است.

منبع: [women media center](http://womenmediacenter.org)

به فرزند خواندگی گرفتن کودکان اوکراینی به وسیله خارجی‌ها



Julay Cat عکس:

و شرکا کیدالوف نوشته:

ترجمه: فرخ نیک مرام

و والدینی ای حامی خواهند که خانواده‌ها می‌کنند. همه آن‌ها زندگی می‌بیش از 25000 کودک در اوکراین در نوانخانه مهربان داشته باشند. نه تنها ساکنان اوکراین می‌توانند این آرزوی آنان را برآورده کنند، که ساکنان سایر نقاط جهان نیز می‌توانند این کودکان را به سرپرستی بگیرند. خوشبختانه اوکراین اجازه به سرپرستی گرفتن کودکان این کشور به وسیله خارجی‌ها را می‌دهد.

به سرپرستی گرفتن این کودکان کار ساده‌ای نیست و زمان و پول فراوان برای انجام آن لازم است. اگر شهروندان کشورهای دیگر بخواهند که در آن تمامی مدارک لازم را ارائه می‌دهند. کودکی را از اوکراین به فرزندخواندگی بگیرند، باید روندی را طی کنند

خارجی‌ها باید بدانند که تنها یک زوج رسماً ازدواج کرده می‌توانند این کار را انجام دهند. علاوه بر آن، این زوج باید دگرجنس‌گرا باشند چرا که هم جنس‌گرایان در این کشور اجازه سرپرستی این کودکان را ندارند. بر اساس قانون، تنها کودکانی می‌توانند از سوی خارجی‌ها به فرزندخواندگی گرفته شوند که یافتن سرپرست در خود اوکراین موجود نباشد. این کودکان همچنین باید کمتر از 5 سال سن داشته باشند. البته استثناهایی نیز وجود دارد. اگر کودکی مبتلا به بیماری جدی باشد، درخواست کننده با کودک نسبت خانوادگی داشته باشد، اگر زوج بخواهند آن کودک را به همراه خواهر و برادرانش به فرزندگی بگیرند، دولت اوکراین استثناء قائل می‌شود؛ چرا که از نظر قانون جدا کردن خواهران و برادران از یکدیگر مجاز نیست. تنها کودکان دارای بیماری جدی می‌توانند از برادران و خواهرانشان جدا شوند.

لازم به ذکر است که این گونه سرپرستی از سال 2012 و بین کشورهایی که با اوکراین قرارداد مخصوص را امضاء کرده باشند ممکن شده است. سرنوشت پرونده‌های این چنینی در دادگاه مشخص می‌شود. دادگاه ممکن است رای مثبت یا منفی صادر کند. سلامت زوج متقاضی های آنان بر روی نظر دادگاه تاثیر خواهد داشت. داشتن و گزارش بانکی از دارایی آنها باید با مدرک ثابت شود، اسناد مربوط به اشتغال و کیلی که بتواند در برابر دادگاه زوج متقاضی را به خوبی نمایندگی کند بسیار مهم است. در بیشتر موارد موفقیت آمیز، انتخاب وکیل مناسب نقش عمده‌ای ایفا کرده است.

جمله: ای از مدارک مورد نیاز را تهیه کنند. در کنار درخواست، مدارک سلامت کامل زوج نیز باید ارائه شود. از متقاضیان باید بسته

- ها امکان به سرپرستی گرفتن فرزند را دارند. مجوز از سازمان مورد نظر در کشور خود متقاضیان که نشان دهد آن -

- تواند به آن کشور برود و در آن کشور اقامت دائمی داشته باشد. مجوز از سوی کشور متقاضیان که نشان دهد کودک می -

- توان متقاضیان در ارائه تمامی اطلاعات لازم در مورد کودک و توان آنان در برقراری ارتباط با او. (تمامی مدارک باید مورد تایید قرار - بگیرند.)

(کنوانسیون لاهه در سال 1961 م). نوعی تایید قراردادی بین امضاء کنندگان «اپاستل» سند ازدواج متقاضیان، تضمین شده به وسیله - یا از سوی کنسولگری کشور در اوکراین.

- مدارک مربوط به سلامت متقاضیان -

- مدارک سوء پیشینه متقاضیان -

علاوه بر تلاش فراوان، این روند زمان زیادی نیز می‌برد؛ معمولاً بین یک ماه و نیم تا یک سال. همکاری با یک وکیل به شما این امکان را می‌دهد که با قوانین اوکراین آشنایی بیشتر پیدا کنید و در گرد آوردن مدارک مورد نیاز موفق تر باشید. یک شهروند خارجی که به زبان این کشور آشنایی ندارد باید برای مطالعه قوانین این کشور و ترجمه اسناد تلاش بسیار زیادی به خرج دهد. در اکثر موارد به نفع متقاضیان است که از وکلای محلی، که در این رشته بخصوص فعالیت دارند کمک بگیرند. این وکلا می‌توانند تمامی کارها را انجام دهند.

منبع: [HG منابع حقوقی](#)

عدالت برای زنان روس، روسیه مقابله با خشونت خانگی را آغاز می‌کند



عکس: [Liga Eglite](#)

جوی زیگوید نوشته:

دوم نوامبر 2014

ترجمه: فرخ نیک‌مرام

معرفی

در مارچ 2014 به روسیه سفر کردم. هدف در «کارگاه تبادل تخصص برابری جنسی ایالات متحده و روسیه» من به عنوان یک عضو میان گذاشتن تجربیات و راه‌های مقابله با خشونت علیه زنان بود. در طول این سفر یک ماهه، ملاقات‌هایی داشتم با نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی، دانشگاه‌ها، دانشجویان کارشناسی، سازمان‌های مذهبی، سرپناه‌هایی که با سرمایه خصوصی و دولت محلی اداره می‌شدند و نیژنی نووگورود و مسکو، دونا - نا - روستوف ای درهای محلی و منطقه‌مقاماتی از بدنه دولت.

در گفتگو با رهبران جوامع، موضوعات متعددی در مورد پاسخ روسیه به خشونت خانگی مطرح شد. نخست این که دولت روسیه به خوبی از کاستی‌های پلیس و سازمان‌های دولتی در پاسخ به خشونت خانگی آگاه است. دوم این که با وجود این کوتاهی‌ها موضوع خشونت خانگی در اجتماع در حال مطرح شدن است و منابع بیشتری در حال تخصیص برای حل این مشکل هستند. و در پایان این که،

گیرند. در نتیجه‌ای زن ستیزی و نظام پدر سالاری را نادیده می‌محور نیستند و به شکل گسترده - های دولت به هیچ عنوان زن‌فعالیت در روسیه، نسبت به آمریکا بسیار منفرتر است و بسیاری از فعالان زنان بر این باورند که یک زن فمینیست به صورت فعال فمینیسم مفهوم با مردان ضدیت دارد. چنین مقاومتی در مقابل مفهوم برابری بین زن و مرد، کمک رساندن به قربانیان خشونت خانگی را بسیار دشوار کرده است. گام‌هایی که اکنون سیاست‌گذاران و فعالان در حال برداشتن آنها هستند باید در چارچوب نظام موجود یا به عبارتی غیبت هر گونه نظامی برای محافظت از زنان مورد بررسی قرار گیرند. این گام‌ها همچنین باید در چارچوب مسئولیت‌های روسیه در مقابل قوانین بین‌المللی دیده شوند. خشونت خانگی عزت انسانی را زیر پا می‌گذارد و تأثیرات ویرانگر فیزیکی، روانی و اجتماعی را برای قربانیان و خانواده به بار می‌آورد. حق زندگی و سلامت بدنی، حقوقی بنیادی هستند که از سوی قوانین بین‌المللی و قوانین حقوق بشری مورد حمایت قرار دارند. بر اساس این قوانین، دولت‌ها باید تمامی ابزار مثبت و منفی خود را به کار گیرند تا با خشونت خانگی در زندگی کنوانسیون امحای کلیه اشکال» خصوصی زنان مقابله نموده، امنیت و عزت انسانی آنان را مورد احترام و حمایت قرار دهند. روسیه به تواند، روسیه نمی‌«قوانین معاهدات کنوانسیون وین» آن پیوسته است. در نتیجه، بر اساس بند 18 و پروتوکل داوطلبانه «تبعیض علیه زنان کند که عنوان می‌«کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به شکلی عمل کند که هدف این معاهده زیر پا قرار بگیرد. بند دوم کمیته امحای» ها را محکوم کرده، از میان بردارند. علاوه بر این، پیشنهاد عمومی شماره 19ها باید تبعیض از سوی افراد و دولت‌دولت کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض» داند. بند سوم، خشونت بر اساس جنسیت را یکی از انواع جدی تبعیض می‌«تبعیض علیه زنان های لازم، از جمله قانون گذاری را برای اطمینان از توسعه و تمامی گام» ها باید کند که دولت مسئله را به این شکل خلاصه می‌«علیه زنان . بند پنجم این کنوانسیون»های بنیادی بر اساس برابری زن و مرد را بردارند پیشرفت اجتماعی زنان، با هدف تضمین حقوق بشر و آزادی نیز دولت‌ها را در مورد الگوهای اجتماعی و فرهنگی غلط مسئول می‌داند و از آنان انتظار دارد که برای مبارزه با آنان راه حل‌هایی بیابند. در نتیجه، روسیه بر اساس تعهدات بین‌المللی خود مسئول است که نه تنها از زنان در اجتماع، که در خلوت خانه، که خشونت خانگی در آن رخ می‌دهد حفاظت کند.

گسترده‌گی مشکل

دولت روسیه اطلاعات کاملی در مورد خشونت خانگی جمع‌آوری نمی‌کند. در نتیجه پیدا کردن میزان خشونت خانگی و خشونت جنسی که زنان روس از آن رنج می‌برند کار ساده‌ای نیست. با وجود همین کمبود اطلاعات، گزارش منتشر شده از سوی وزارت کشور روسیه نشان می‌دهد که دست کم یک نوع از خشونت در یک چهارم خانه‌های این کشور وجود دارد. مطالعات دیگر آمار را بسیار بالاتر نشان می‌دهند. در یک مطالعه که بر روی 2200 نفر در 50 شهر و شهرستان در روسیه انجام شد، 70 درصد زنان عنوان کردند که از سوی همسرانشان دست کم، مورد یکی از انواع خشونت (فیزیکی، جنسی، اقتصادی یا روانی) قرار دارند. 36 درصد از این زنان هم از آزار فیزیکی و هم از آزار روحی رنج می‌بردند. هر ساله حدود 1400 زن به دست شوهران خود به قتل می‌رسند که این آمار دو سوم قتل عمد در روسیه را **حدوداً 36000 زن روس به صورت روزمره از گیرند.** دهد. نزدیک به 40 درصد از جرایم خشونت آمیز در خانواده انجام می‌تکلی می‌شود. **شوهرا نشان کتک می‌خورند. احتمال کشته شدن زنان روس به دست همسرانشان 2.5 برابر بیشتر از این احتمال در آمریکا و 5** ، روسیه هفتمین «گروه بیست» در مورد کشورهای «رویترز - بنیاد تامپسون» در گزارش سال 2012 برابر بیشتر از اروپای غربی است. کشور نامناسب برای زنان بود. این مقام، روسیه را پایین تر از ترکیه و اندکی بالاتر از چین قرار می‌داد. قربانیان خشونت خانگی گزارش می‌دهند که با مشکلات زیادی برای دریافت کمک از پلیس رو به رو هستند. پلیس در بسیاری از موارد شکایت را نمی‌پذیرد، بررسی نمی‌کند یا بدون دلیل قانع کننده، از زدن اتهام به ضارب خودداری می‌کند، حتی اگر جرم به صورت واضح انجام شده باشد. پلیس معمولاً در این مسائل که از نظر آنان مسائل خانگی هستند مداخله نمی‌کنند و از زنان می‌خواهند که شکایت نکنند. کمیته ضد شکنجه سازمان ملل عنوان کرده است که بسیاری از افسران پلیس، پس از شنیدن شکایت زنان، از آنان می‌خواهند که با همسرانشان سازش کنند. اگر قربانی سازش کند، یا به نظر برسد که در حال سازش کردن است، شکایت باید بلافاصله کنار گذاشته شود. زمانی که تصمیم برای شکایت کردن و پیگیری قانونی تنها بر شانه‌های زن باشد، شوهر به زن بیشتر فشار می‌آورد که از شکایت صرف نظر کند. زنان نه تنها از سوی مردان مورد فشار قرار می‌گیرند، که در بیشتر موارد از نظر مالی نیز به آنان وابسته هستند و به جز خانه همسر جایی برای رفتن ندارند. اجتماع بر روی زنان فشار شدیدی وارد می‌کند که کیان خانواده را به هر قیمتی که شده حفظ کنند. در چنین شرایطی است که از هر 10 پرونده، 9 پرونده با سازش صوری بسته می‌شوند. احکام محافظت برای دور نگه داشتن ضارب از قربانی در سر تا سر جهان موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند، اما در قوانین روسیه هیچ ماده‌ای وجود ندارد که بر اساس آن قاضی بتواند مرد را از نزدیک شدن به زن منع کند. شاید نبودن چنین قوانینی دلیل این باشد که در روسیه خشونت خانگی به صورت مشخص در قانون تعریف و جرم انگاری نشده است. در روسیه دادگاه‌ها با استفاده از قوانین مربوط به ضرب و جرح پرونده‌های خشونت خانگی را مورد بررسی قرار می‌دهند. در عین حال، بسیاری از انواع خشونت در حوزه اختیارات دادستان قرار نمی‌گیرد. به این دلیل که خشونت خانگی معمولاً در چارچوب بند 112 (وارد کردن عمدی آسیب محدود)؛ بند 115 (وارد کردن عمدی آسیب‌های جزئی) و بند 116 (ضرب و جرح) در قوانین روسیه مورد دادرسی قرار می‌گیرند. تمامی این جرایم باید به صورت فردی مورد دادرسی قرار گیرند و برای دادرسی فردی لازم است که قربانی خود به دادگاه شکایت کند. در آن مرحله، قربانی خود باید نقش دادستان را بازی کند، چه دانش آن را داشته باشد و چه دانش آن را نداشته باشد و وکیل تسخیری برای این افراد در نظر گرفته نمی‌شود. همه این‌ها سبب می‌شوند که تعداد پرونده‌های خشونت خانگی که به دادرسی مناسب های خشونت خانگی به دادگاه ارجاع داده بر اساس آمار خود وزارت کشور روسیه 97 درصد پرونده رسد بسیار اندک باشند. می نمی‌شوند.

در روسیه حدود چهل پناهگاه اضطراری برای زنان وجود دارد که اکثراً با بودجه دولت‌های محلی اداره می‌شوند. 97 درصد این پناهگاه‌ها بودجه خود را از شهرداری‌ها دریافت می‌کنند، پس بر اساس قوانین شهرداری‌ها تنها زنانی می‌توانند از این سرپناه‌ها استفاده کنند که باشند. تعداد اندکی از این اماکن تنها برای قربانیان خشونت خانگی طراحی شده‌اند و در «مهر ثبت سکونت» یا «پروپیسکا» دارای تعداد اندکی از آنان کارکنان آموزش‌های لازم را برای برخورد با قربانیان خشونت خانگی دریافت کرده‌اند. متأسفانه این سرپناه‌ها که تنها خواب دارند برای جمعیت 140 میلیونی این کشور کافی نیستند. چند صد تخت

ها پره‌ای خود برای جمعیت 8 میلیونی شهر دارد، و هر شب تمامی این تخت‌خواب در سرپناه برای مقایسه، شهر نیویورک 2200 تخت هستند. با این که ممکن است تعدادی از کارکنان این سرپناه‌ها در روسیه، زنانی را بدون داشتن مهر لازم به مرکز خود راه دهند، سرپناه داشتن این زنان تنها به تصمیم این مسئولان بر می‌گردد، که در صورت لو رفتن موجب قطع بودجه از شهرداری می‌شود.

دولت روسیه خود اعتراف می‌کند که دارای تشکیلات گسترده و برنامه‌ای منظم برای مقابله با مسئله خشونت خانگی نیست و خود این شونده. خدمات به شدت کند که تعداد اندکی برنامه و فعالیت که در حال انجام هستند از سوی جامعه مدنی اداره می‌شود. دولت بیان می‌محدودند و بودجه لازم برای آنان وجود ندارد، از این رو، این پناهگاه‌ها به طور گسترده‌ای بر خدمات داوطلبانه تکیه دارند.

گام‌های آزمایشی برای تغییر

بر خلاف تصویر کلی که بسیار تاریک است، کور سوه‌ای امیدی نیز وجود دارد. در سال‌های اخیر افزایش اندکی در خدمات در سرپناه‌ها، برای قربانیان خشونت خانگی دیده شده است. با این که حدود چهل پناهگاه برای کشوری با 140 میلیون جمعیت بسیار اندک است، همین آمار نسبت به چند سال پیش که تنها 23 سرپناه در سر تا سر روسیه وجود داشت پیشرفت بزرگی است. بزرگترین مرکز بحران برای زنان و کودکان در کشور که دارای 80 تخت خواب است، در مارچ 2014 شروع به کار کرد. همچنین در ماه مارچ وزارتخانه محلی، پایتخت نیژنی ناوگورود اعلام کرد که بودجه لازم برای راه اندازی سرپناهی با سه اتاق خواب در نیژن‌گورودسکی منطقه «سیاست عمومی» این منطقه در نظر گرفته است. این مرکز نخستین پناهگاه برای قربانیان خشونت خانگی در روسیه است که در پنجمین شهر بزرگ روسیه شروع به کار می‌کند.

و نیژنی ناوگورود اند. در زمانی که ما درهای دولتی، توجه بیشتری به این مسئله نشان داده‌ها، از جمله رسانه‌ها در چند وقت اخیر رسانه‌ها مورد مصاحبه قرار گرفتند. بیشتر مقالات خبری و بودیم، همراهان ما و میزبانان روس ما بارها از سوی رسانه دون - نا - روستوف بخش‌های تلویزیونی با نگاهی مثبت تولید شده‌اند و تلاش دارند که افکار عمومی را نسبت به این مسئله جدی آگاه کنند. این افزایش توجه مدیون کار مداوم فعالان اجتماعی برای آموزش و خدمات است، که با موانع بزرگ همراه بوده است. مانند آمریکا، قتل در میان زوج‌های معروف نیز توجه زیادی را به خود جلب کرده است.

گرد هم آمد تا ماری داوتیان و الکسی پارشین مهمترین گام شاید در طول سال 2013 برداشته شد که کارگروهی با مدیریت حقوقدانان، پیش نویسی برای قانونی فدرال در مورد خشونت خانگی را تهیه کند. علاوه بر این دو وکیل و وکلایی که تجربه زیادی در دادرسی‌های خصوصی و فعالیت‌های داوطلبانه در مورد مسائل خانواده داشتند، کار گروه شامل سایر وکلا، وکلای منطقه‌ای در مجلس دوما روسیه، نمایندگان وزارت کار و پلیس می‌شد.

این پیش نویس تمرکز بیشتری بر روی پیشگیری دارد تا مجازات، و بیشتر به دنبال راه حل‌های مدنی است تا دادرسی جزایی. در صورت تصویب برای نخستین بار احکام محافظت برای قربانیان، تا 18 ماه وجود خواهد داشت و قضات می‌توانند حکم دهند که ضارب اجازه ارتباط برقرار کردن با قربانی را نداشته باشد، مجوز داشتن اسلحه ضارب را لغو کنند، به ضارب دستور دهند که تمامی دارایی‌های قربانی را بازگرداند و از ضارب بخواهند که هزینه‌های زن، مثلاً زمانی که زن مجبور به ترک خانه مشترک می‌شود، را پرداخت کند. آزاردهندگان و ضارب‌ان تشویق خواهند شد که به صورت داوطلبانه در برنامه‌های بازپروری شرکت کنند. اگر ضارب از این کار سر باز بزند و همچنان به ها باید در سر تا سر بازپروری برای ضارب‌ان وجود ندارد و این برنامه‌ها اجباری خواهند شد. هم اکنون برنامه‌آزار قربانی ادامه دهد، این دوره کشور شروع شوند. هر منطقه‌ای موظف خواهد شد که سرپناهی برای این زنان داشته باشد. در صورت تصویب این پیش نویس، پی‌گیری قانون شخصی خشونت خانگی که بر اساس بندهای 115 و 116 قانون جزایی روسیه وجود داشت، کنار گذاشته شده و دادستان اختیار شورای «دادرسی این موارد را خواهد داشت. این پیش نویس در اوایل سال 2014 به وزارت کار ارائه شد. در جولای سال 2014، ها مسائل مختلف مربوط به پاسخ قانونی و اجتماعی به خشونت‌ای برگزار کرد که در آن جلسات ویژه «حقوق بشر ریاست جمهوری پیش نویس قانون را برای گفتگو ارائه کردند. پس از آن جلسه، شورا پیشنهاد کرد که دوما ایالتی داوتیان و پارشین خانگی مطرح شدند. این قانون را تصویب کند. این شورا همچنین به وزارت کار پیشنهاد کرد که عملکرد خدمات اجتماعی برای خشونت خانگی را بهبود بخشد و مراکز بحران بیشتری را بسازد. با این وجود، دوما روسیه هنوز در این زمینه فعالیتی نکرده است.

، به خصوص «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» این پیش نویس پیشرفتی خواهد بود برای اجرای تعهدات روسیه در برابر کافی نخواهد «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» بندهای 2 و 3. البته تصویب یک قانون برای هماهنگ کردن روسیه با تبعیض آمیزی که به مردان در صورت ارتکاب خشونت (روسیه باید سن و الگوهای فرهنگی و اجتماعی (a) و 5 (b) بود. تحت بند 2)

خانگی امنیت از مجازات یا بدنامی را می‌دهند از میان بردارد یا تغییر دهد.

در سال 2010، روسیه «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» در هنگام بیانات آخر روسیه در برابر کمیته چهل و ششمین گیری در برای کافی نبودن پاسخش به خشونت علیه زنان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و از آن کشور جدا خواسته شد که قانونی فرا مرکز جنسیت، «مرکز آنا برای پیشگیری از خشونت» های غیر دولتی زیادی مانند مورد خشونت خانگی تصویب کند. سازمان های غیر دولتی زنان نیز گزارشی به این کمیته ارائه کردند. قرار بود امسال کنسرسیوم سازمان» و «شبکه دگرباشان جنسی»، «نوگورود ارائه دهد. پس از نوشتن پیش نویس، این پیش نویس بین «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» روسیه گزارش جدیدی به دولت و سازمان‌های غیر دولتی مورد گفتگو قرار گرفت و در آگوست 2014 به کمیته ارائه شد. این گزارش شامل یک پاراگراف است که دارد. بر اساس این پاراگراف، این پیش نویس از سوی قوه مجریه مورد بررسی و در دوما به صورت خلاصه به پیش نویس قانونی اشاره نویسد که این پیش‌نیز به آن پرداخته شده است. این پاراگراف می «شورای حقوق بشر» مورد گفتگو قرار گرفته است و در جلسه ویژه نویس در حال حاضر در حال تصحیح بیشتر با توجه به نظرات و بازخوردهای ارائه شده است. علاوه بر گزارش سال 2010، در فوریه برای نخستین بار به صورت مستقیم با دولت فدراسیون روسیه تماس «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» 2014، کمیته گرفت و از کمبودها در پاسخ گویی به این مشکل ابراز نگرانی کرد. این تماس شاید به تسریع فعالیت‌های این دولت بیانجامد. این برقراری را نیز امضا کرده «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» ارتباط از آن سو بسیار قابل توجه است که روسیه پروتکل داوطلبانه است و این پروتکل به افراد اجازه می‌دهد که در مورد نقض حقوق زنان، از کشورها به کنوانسیون شکایت کنند. بر اساس ماده 6.2 این «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» پروتکل روسیه شش ماه زمان دارد که به این اتهامات پاسخ دهد. در صورتی که کمیته به این نتیجه برسد که کشور امضا کننده‌ای حقوق زنان را نقض کرده است، رای خود و پیشنهادات خود را به هر دو طرف (شاکلی و کشور) ارائه خواهد کرد. پس از آن بر اساس ماده 7.4، روسیه شش ماه دیگر زمان دارد که به صورت کتبی پاسخ دهد و این پاسخ باید باشد. این کمیته ممکن است تحت بند 18 این کنوانسیون «شامل اطلاعات در مورد هر گونه فعالیت در سایه نظرات و پیشنهادات کمیته» روسیه را دعوت کند تا در جلسه اجباری اطلاعات بیشتری را در اختیار کمیته قرار دهد.

زنان، زنان و کودکان، یا فقط کودکان؟

اگرچه نظام پاسخ گویی به خشونت خانگی در روسیه چندان پیشرفته نیست، در زمینه کودکان مدل‌های موثری هم اکنون در آن کشور وجود دارد که شامل شبکه‌ای از ادارات، پناهگاه‌ها، انتقال محل زندگی و روشی همه جانبه برای پاسخ گویی به مشکلات کودکان می‌شود. این نظام بسیار شبیه به نظام پاسخ گویی به خشونت خانگی در ایالات متحده است.

(لبخند) وجود دارد که به عنوان بخشی از خدمات اجتماعی به کودکان زیر نظر «اولیبکا» مرکز کودکانی به نام نیرنی نوگورود مثلا در مقامات شهرداری اداره می‌شود. این پناهگاه برای کودکانی ایجاد شده است که والدینشان در حال بازرسی هستند یا در بحران قرار دارند. در این سرپناه، روانشناس، هنر درمانی، پرستار، وسیله حمل و نقل برای به مدرسه بردن کودکان، اتاق بازی، امکانات زمین بازی، معلم های غیر دولتی فعالیت می‌ها و سازمان خصوصی برای تکالیف مدرسه و غیره وجود دارند. این سرپناه همراه با مقامات، مدارس، دادگاه کند. با وجود این تنها سازمان غیر دولتی شهر است که به قربانیان خشونت خانگی خدمات ارائه می «یژگرووسکی» کند. مرکز بحران زنان که بیشتر کارکنان این مرکز معتقدند که در بیشتر مواردی که به آنان مراجعه می‌شود خشونت خانگی نیز وجود دارد، این کارکنان در مورد خشونت خانگی با والدین یا با کودکان حرفی به میان نمی‌آورند. در واقع این مرکز منابع یا معرفی نامه‌های چندانی به والدین کودکان (قربانی و ضارب) ارائه نمی‌کند.

با آن که برنامه خوب روسیه برای کودکانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند یا شاهد آن هستند موجب دلگرمی است، چارچوب محدود، «ما برنامه تبادل تجربیات در زمینه خشونت علیه زنان» کننده است. مثلا در این اختصاص داده شده به اصل مسئله خشونت خانگی نگران مرکز منابع محلی پیش «بیشتر با متخصصان خشونت علیه کودک برخورد کردیم تا متخصصان خشونت علیه زنان. همانگونه که بنیانگذار به وضوح اشاره کرد، گرفتن کمک مالی دولتی تنها با سخن گفتن در مورد زنان غیر ممکن بود، دون-نا - روستوف در «گیری از خشونت پس او مجبور شد که به صورت غیر مستقیم با سخن گفتن از کودکان و تاثیرات خشونت خانگی بر آنان درخواست کمک کند. این کار به عنوان راه حلی کوتاه مدت منطقی است و بهتر از آن است که هیچ کمکی دریافت نشود، اما مادر بودن یا نبودن یک زن نباید در گرفتن یا ننگرفتن کمک برای نجات او از خشونت تاثیری داشته باشد.

نتیجه

برای این که پیشرفت واقعی حاصل شود، مسئله خشونت خانگی باید به صورت مستقیم و به عنوان مسئله‌ای مربوط به زنان مورد بحث قرار گیرد، نه به عنوان مسئله‌ای که غیر مستقیم بر سلامت کودکان تاثیر می‌گذارد. با آن که فعالان خشونت علیه زنان در روسیه تلاش زیادی کرده اند که این مسئله را به عنوان مسئله‌ای فمینیستی مطرح نکنند، تجربه ثابت کرده است که بهترین راه طولانی مدت برای مبارزه با این مشکل، به حرکت در آوردن و توانمندی زنان در چارچوب جنبشی فمینیستی در جامعه مدنی است. با قرار گرفتن پیش نویس قانون در ، به دلیل توافق «کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» برابر دوما روسیه و باز شدن نخستین پرونده علیه روسیه در کمیته روسیه با پروتکل داوطلبانه، فشار روز افزونی بر روسیه وارد می‌آید که روش پاسخگویی خود به خشونت خانگی را تغییر دهد و خشونت

علیه زنان را جدی تر بگیرد.

داستان مالی



marie-ll عکس:

کند. چون شوهر من هرگز نپذیرفته است که پسرمان دچار ناتوانی جسمی است. خود من دچار یک ناتوانی ذهنی هستم، ولی او باور نمی‌کند. «تواند آن را ببیند. نمی‌تواند»

ترجمه: فرخ نیک‌مرام

...شوهر من همیشه قلدری کرده است

من و پسر من هم اکنون در یک پناهگاه زنان زندگی می‌کنیم. من به این دلیل به اینجا آمدم که شوهرم برای پسر من قلدری در می‌آورد و من شده‌ام. شوهرم دائماً یا به من گیر نهایت خسته‌کردم. من از این که از پسر من در برابر پدرش دفاع کنم بی‌باید دائماً از پسر من مراقبت می‌کنم. من چرا باید عذرخواهی کنم؟! گوید کند. باید مجبورش کنی که عذرخواهی کند و تازه می‌دهد یا به پسر من و هرگز هم عذرخواهی نمی‌کند. نشیند. یا این که ساکت یک گوشه می‌آید. من که کاری نکرده

یکی از دوستانمان به شوهرم زنگ زد و به او گفت که در اشتباه است و بی‌ادبی می‌کند. شوهرم از این ماجرا خوشش نیامد و می‌خواست شر به پا کند. من هم با خودم گفتم که اگر او می‌خواهد بیاید اینجا و شر راه بیاندازد، من اینجا نخواهم ماند. وقتی که رفت پسرمان را (از دیگر بس است. من به «گفتم: جایی) بردارد، من یک ساعته دور تا دور خانه را گشتم و وسایل مورد نیازم را جمع کردم. با خودم می‌اندازه کافی کشیده‌ام. دائم سردرد دارم و جانم به لبم رسیده است و دلم می‌خواهد گردنش را بشکنم. من که حریفش نمی‌شوم انگار داری با یک دیوار آجری حرف می‌زنی. اول موافقت می‌کند که کاری را انجام دهد، بعد آن کار را انجام نمی‌دهد و بعد می‌گوید که آن کار را هرگز انجام نخواهد داد. از یخ زدن در زمستان خسته شده‌ام، چون بخاری یا روشن نیست، یا اگر باشد اینقدر کم است که بهتر است «!شود با او حرف زد از راه شکم است، گور پدرش روشن نباشد. هیچ چیز برای او خوب نیست بجز شام. خوب، اگر تنها راهی که می‌

زمانی که با شوهرم آشنا شدم

من از 25 سالگی کار می‌کردم و در 32 سالگی با شوهرم آشنا شدم. در یک مراسم در تالار شهر او را دیدم. من روی یک صندلی نشسته بودم و یکی من را برای رقص «بودم که او آمد و از من خواست که با هم برقصیم. او قد بلند، تیره و خوشتیپ بود و من با خودم گفتم پوشم. پیش از ازدواج، ما دوسالی با هم دوست بودیم و با هم آمد. من خیلی زنانه لباس می‌پوشیدم خوشش می‌«انتخاب کرده؟ زندگی می‌کردیم.

خانواده شوهر من خیلی شیک و مد روز هستند. شیک ولی پررو. همیشه دماغشان را بالا گرفته‌اند. خانواده‌اش هرگز من را نپذیرفتند. شوهرم با خانواده‌اش زیاد رفت و آمد نمی‌کند. بیشتر با دوستانش می‌گردد. دوستانش همه از دانشگاه مدرک گرفته‌اند و حتی به من ها بچه داشتند کلی اگر فقط دانشگاه رفته! چه چرندیاتی! گفتم: دار شوم. من هم می‌ام اجازه ندارم بچه گفتند که چون من دانشگاه نرفته‌ام می‌ها را خالی کند، مردم چکار باید می‌کردند؟ آمد. اگر یک لوله کش نبود یا کسی نبود که زباله‌بچه کمتر از این به دنیا می‌

رفتار شوهرم با من و پسر

شوهرم هرگز معلولیت پسرمان را نپذیرفته است. من هم یک ناتوانی ذهنی دارم که او آن را هم نمی‌پذیرد چون به چشمش نمی‌آید. مشکل من را می‌بیند، بعد می‌گوید که من نباید آنگونه رفتار کنم. انگار من اجازه ندارم خودم باشم. به نظر او من باید با دوستانش قاطی شوم. اگر او می‌خواست که من قاطی شوم، من باید قاطی می‌شدم. اگر او می‌خواست من قاطی نشوم، من نباید قاطی می‌شدم. آخرش گفتم گور توانم دوستی کنم وخواست انتخاب کند که من با چه کسانی می‌شوهرم می‌ها در نخواهم آوردام و از این بازی پدرت. من دیگر سیر شده با چه کسانی نمی‌توانم. وقتی تازه ازدواج کرده بودیم تمام پول‌ها دست او بود. بعد شروع کرد چهل دلار چهل دلار برای گوشت و سبزی به من پول دادن، و من باید بقیه‌اش را برای خودم جمع می‌کردم، ولی بقیه‌ای نمی‌ماند.

شوهرم با سگمان خشونت می‌کرد که این من را آزار می‌دهد. به خاطر این که من حیوان‌ها را از خیلی آدم‌ها بیشتر دوست دارم.

من نمی‌دانم که رابطه جنسی می‌خواست یا نه. من هیچ وقت نفهمیدم چه می‌خواهد. تنها روز واقعا خوب زندگی مشترک ما در ماه عسل چی؟ اینجا چه. من گفتم: «اشکالی ندارد که من با تو رابطه جنسی نداشته باشم؟» اتفاق افتاد. بعد سوار هواپیما که شدیم از من پرسید: زد. قبل از ازدواجمان او یک مرد خوب و جالب بود که وقتی حرف می‌«خبر است؟» پس اگر تو شوهر من نیستی، شوهر من کجا رفت؟ من از خنده پهلوهایم درد می‌گرفت. بعد، آن مرد ناگهان ناپدید شد. ماه عسل از اول تا آخرش جهنم شد. یک مایل جلوتر از من راه کرده بودیم و رابطه جنسی داشتیم پس این که نشست. ما قبلا با هم زندگی رفت و پشت میز دیگری می‌رفت و برای صبحانه، زودتر می‌می دیگر دلش نمی‌خواست با من رابطه‌ای داشته باشد من را متعجب کرد.

در طول ازدواجمان، وقتی با هم زندگی می‌کردیم، گاهی با هم رابطه جنسی داشتیم ولی انگار من روسپی شخصی، کلفت یا آشپزش بودم. از من انتظار داشت که مادر باشم و برای پسرمان همه کار انجام دهم. اگر پسرمان مریض می‌شد من از او نگهداری می‌کردم. کلا تمام کارهای پسرمان با من است. او فقط زمان‌هایی که مجبور می‌شد برایش کارهایی انجام می‌داد. فقط در طول سال 3 بار پسرمان را با از اینجا که بیایی» برد. یک بار که من برای یک بیماری وخیم ریوی بیمارستانی شده بودم، به دیدن من آمد و گفت: خودش بیرون می‌من «ممنونم عشق من. خیلی حرف قشنگی زدی.» من هم با خودم گفتم: «ای خوب هست که کارها را انجام دهی؟ برون حالت به اندازه حال تو خوب است؟ شوهرت» کشیدم. یکی از دخترهای کلیسا را دیدم و از من پرسید: را می‌فرستاد خرید. من به زور چرخ دستی را می‌. این اتفاق زمانی افتاد که «خواست خانه بماند من هم تحمل دعوا نداشتم دلش می‌من هم گفتم که «کجاست؟ چرا با تو نیامد خرید؟» من تازه یک هفته بود که از بیمارستان مرخص شده بودم.

اولین باری که شوهرم را ترک کردم

پسر من مشکل دارم. با «خانه کمسیون» من یک بار قبلا شوهرم را ترک کرده بودم. تنها به این دلیل برگشتم که دیدم برای زندگی در مدام توی سرم می‌کوبید. من هم فکر کردم که پسر من پدر می‌خواهد. اعضای کلیسا هم من را تشویق کردند که به خانه برگردم چون آنها معتقدند که یک بار و تنها یک بار باید ازدواج کرد و ساخت. من هم با این حرف موافقم ولی نه زمانی که طرف دارد سوء استفاده می‌کند. هیچ کس نباید مورد سوء استفاده قرار بگیرد. یکی از دوستانم در کلیسا که خیلی مسیحی خوبی است بر این باور است که شما وقتی ازدواج می‌کنید برای تمام عمر است، ولی فکر نمی‌کنم می‌دانست که شوهر من چقدر بد است. من به او گفته‌ام که اشتباه می‌کند و فکر می‌کنم او هم فهمیده است که اشتباه می‌کند ولی بر این باور بود که اگر شوهری زنش را آزار دهد، تقصیر خود زن است، چرا که خودش در ابتدا این شوهر را انتخاب کرده است. من می‌گفتم که بعضی وقت‌ها مرد هنرپیشه خوبی است و تو نمی‌دانی که واقعا چه کسی است تا زمانی که دیگر دیر شده است. شوهر من کلاه‌بردار است، کلاه من را برداشت و کلاه هر کس دیگری را هم که بخواهد بر می‌دارد. آن زمانی که نزد شوهرم باز گشتم، از مردانی که خودشان را لوله‌کش و غیره معرفی می‌کردند و بعد خانه را تعمیر نمی‌کردند هم خسته شده بودم.

کند.ها دیدند که شوهرم چگونه با من رفتار می‌نیز دخالت داشت. آن «اداره خدمات خانواده» اولین باری که شوهرم را ترک کردم، آمده بود، چرا که شوهرم به اداره «حمایت از کودکان» شوهرم زد توی سر پسر. به نظر من او بود که به مغز بچه صدمه زد. اداره «حمایت از کودکان» توانم از بچه نگهداری کنم. آنها هم به اداره‌زن من مریض است و من نمی‌«زنگ زده بود که «خدمات خانواده» خبر داده بودند. من در بیمارستان بودم، از ریه‌ام نمونه برداری کرده بودند. یک دستگاهی کنارم بود که کمک کند که ریه‌ام کار کند و در ات پیش ماست. برای من خیلی طول کشید که بفهمم این که پسرم رابالای سر من آمده بودند که بچه «حمایت از کودکان» همان حال برده بودند چقدر هم خوب بوده. توی کله‌ام فرو نمی‌رفت که این بهترین کار است، ولی این بهترین کار بود، چون شوهرم از پشش بر نمی‌آمد.

پسرم را به سرپرستی موقت داده بودند و به من اجازه دیدنش را نمی‌دادند. من این را به مددکار گفتم و او هم گفت که عادلانه نیست و توانستند من را ازگفت که من در بیمارستان بودم و من که بچه را زده بودم، پس نمی‌آنها دعوا کرد. به «حمایت از کودکان» رفت و با باید بجنگی. خودت خانه ببرم. برای نگه داشتن بچه ولی نمی‌توانستم به دیدن پسرم محروم کنند. بعد به من اجازه دادند که او را ببینم پسرم سه تا چهار ماه در سرپرستی دیگری بود. شوهرم گفت که برای گرفتن پسرمان مبارزه می‌کند ولی ممکن است که خانه را از دست بدهیم. من هم گفتم برایم مهم نیست. او پسر من بود و اگر من مجبور می‌شدم خودم به تنهایی برای نگه داشتنش مبارزه می‌کردم. به من خندید و گفت که برای این کار پولی ندارم و من هم گفتم که اهمیتی ندارد.

کند. بعد به من اجازه دادند که توانست از او نگهداری‌اولش من خیلی بیمار بودم و نمی‌توانستم پسرم را به خانه بیاورم چون شوهرم نمی‌پسرم را به خانه بیاورم ولی شوهرم می‌گفت که باید او را به کودکان بفرستیم. اگر نمی‌بردمش کودکان شوهرم بیچاره‌ام می‌کرد. توانم از پسرمان مراقبت کنم پس کودکان لازم است. همه چیز را طوری گفتم که من نمی‌می‌کودکستان فقط نظر او بود. تمام مدت آیم. به‌که خودش را خوب نشان دهد. او بود که به پسرمان صدمه زد، ولی بعد داستان را برگرداند و گفت که من کنار نمی‌عوض می‌کرد نظر من هر کس کارهایی را که او انجام داد بکند انسان بدی است.

زمانی که پسرمان 18 ماه سن داشت از شوهرم جدا در ابتدا خانه کمی‌سونی. من و پسرم یک آپارتمان اجاره کردیم و بعد رفتیم به یک شدم. ما ده سال از هم جدا بودیم. در طول این دوران، پسرم، پدرش را در آخر هفته‌ها می‌دید. او تلاش کرد که از مسئولیت نگه داشتن چه بخواهی چه نخواهی، زنت بیمار» بچه، زمانی که من در بیمارستان بودم، شانه خالی کند. ولی مددکار اجتماعی به او گفته بود که کرد از مسئولیت شانه خالی کند. همیشه هم یک‌رسید تلاش می‌می‌او همیشه به پسرمان که می‌«است و تو باید از این پسر نگهداری کنی. زندی یا دارد روزنامه‌ها را دید می‌. الان هم که تمام روز یا بر روی اینترنت دارد خانم «سرم شلوغ است» یا «کار دارم» ای دارد؛ بهانه های سگسی بینی؟ این دیوانه‌خواهی فیلم‌یعنی این از ما مهم تر است. تو برای پسر وقت نداری چون می‌» خواند. من فکر کردم: می‌«کننده است».

وقتی برگشتم خانه

من با این قرار بار دیگر به خانه برگشتم که اگر این بار من مریض یا رو به موت بودم، او یا آشپزی کند یا برود و از بیرون غذا بگیرد. برایم هم مهم نبود که چه غذایی. وقتی او آشپزی می‌کرد انگار هر دوی ما را به قتل می‌رساند و تا 8:30 شب هم شامی به ما دست نمی‌داد، که این برای پسرم که به شدت گرسنه می‌شد عادلانه نبود. شوهرم دلم قبل از آشپزی کار برای انجام دادن داشت و پسرمان که گرسنه بود اهمیتی نداشت.

شوهر من خانه خودش را دارد که تنها به نام خودش است. این کار را می‌کرد که قدرت دست خودش باشد. وقتی صحبت از بازگشتن من باشد و او در ابتدا پذیرفت. ولی بعد از ورود من به خانه بهانه آورد که چنین کاری به به خانه شد، من شرط کردم که خانه باید به نام هر دو نبود، مسئله «سنتر لینک» ها چرند است. مسئله عملی نیست. من متوجه شدم که همه این حرف «سنتر لیتک» های شرکت دلیل سیاست کنترل او بر من و پسرمان بود. بدون اسم من بر روی سند، من احساس می‌کردم که سربارم و پسرمان نیز همینطور.

ما نمی‌توانستیم کاری که دلمان می‌خواهد را بکنیم. مثلا نمی‌توانستیم بالش روی کاناپه بگذاریم. برای تمام این کارها باید اجازه می‌گرفتیم. من می‌خواستم خانه را با پستی‌ها و پرده‌های زیبا، زیباتر کنم ولی به من اجازه نمی‌داد. ابزاری که من به اندازه 2000 دلار توانستم بخورم و گاهی من را کرد که هیچ چیز نمی‌پول داده بودم را وسط خیابان ریخت. گاهی من را چنان خوار و خفیف می‌برایشان چنان خوار و خفیف می‌کرد که هر چه بود می‌خوردم. مشکل اینجاست که من وقتی شروع به هله هوله خوردن می‌کنم دیگر کسی نمی‌تواند جلویم را بگیرد. ما اجازه نداشتیم که مهمان داشته باشیم به این دلیل که او می‌گفت خانه ریخته و پاشیده است، در حالی که اینطور نبود و مثلا دو سید روی زمین بود. مردم برای وقت گذراندن با تو به خانه‌ات می‌آیند، نه به خاطر دیدن خانه ات. من عاشق این هستم که دیگران را سرگرم کنم ولی او اجازه نمی‌داد. او می‌گفت که برای بازی کردن با پسرمان دیگر پیر شده است، برای کباب بازی و رفت و آمد دیگر پیر شده است. سر کارش هم به خاطر اخلاق بدش دچار مشکل است. همه را درسته قورت می‌دهد و انتظار دارد که کسی چیزی نگوید.

من به او اعتماد ندارم. فکر می‌کنم ممکن است چیزی را منفجر کند یا به کسی آسیب برساند، فقط برای این که حرف خودش را به کرسی بنشانند.

شوهرم می‌خواست که من برگردم چون به یک کلفت نیاز داشت. وقتی هم که برگشتم، من در اتاق مهمان می‌خوابیدم و او در اتاق خواب، چیه؟ من تو یک اتاق دیگر بخوابم و» بر روی تخت دو نفره. وقتی که این بار ترکش کردم به من وعده داد که برایم تخت بخرد. گفتم: «تو در اتاق خواب؟ فراموشش کن».

آنچه به من کمک کرد که کنار بیایم

و به فهمیدم که کج خلق است من فقط به خاطر هوشیاری توانستم با شوهرم زندگی کنم. همیشه سه قدم جلوتر از او را خوانده بودم. می پسرمان می گفتم، کارهایی که می گفت را انجام می دادیم، خانه را تمیز نگه می داشتیم، سر پسر را به چیزی گرم می کردم. من تلاش می کردم که پسرمان را خوشحال نگه دارم. این نیم یا سه چهارم نبرد است. اگر می توانستم پسرمان را خوشحال و سرگرم نگه دارم، خلق شوهرم هم بهتر بود. باید بگویم که من هم برای حقوق خودم ایستادگی می کردم ولی کو گوش شنوا؟ همسر دو باره همان کارهای قبلیش را ادامه می داد. پیدا کردن اسم مستعار برای همه چیز در خانه هم کاری بود که پسر را سرگرم نگه می داشت. پسر می توانست قسمت شاد زندگی را نیز ببیند و این به من کمک زیادی می کرد. خلاقیت به خرج می دادم، بیرون می رفتم، کاپوچینو می خوردیم. و چقدر هم من از خامه خیلی خوب بود. اگر من وسط یک روز بد گیر کرده باشم، تنها چیزی که لازم دارم کیک و! خدای من. آید کاپوچینو خوشم می است. ولی بعد وزنم بالا می رفت و شوهرم می گفت که هیچ وقت نمی توانم این وزن را دوباره کم کنم. کسی که در کافی شاپ کار نگران نباش، هر چه که هست درست» گفت: زدم، می آمد و به من می شناخت، مطمئنم که اگر ناگهان زیر گریه می کردم من را می می شود.

اگر در خانه گریه می کردم، شوهرم به روی خودش هم نمی آورد. فکر می کرد که این مشکل من است و به او ربطی ندارد. وقتی پسر با ذوق و شوق وارد خانه می شد که برای پدر و مادرش چیزی را تعریف کند، شوهرم بلند می شد و می رفت. من به پسر می گفتم که منتظر نگران نباش، یک روز ما از اینجا» گفتم که: باشد تا پدرش پس از ورود به خانه کمی استراحت کند، بعد با ما حرف بزند. به او می «رویم می».

آنچه به رفتن کمک کرد

چیزی که به من کمک کرد که بتوانم بروم و زندگی تازه ای را شروع کنم داشتن دوستی بود که بتوانم با او حرف بزنم. دوستی که حمایت کند. من کله شق بودم و از این کله شقی برای مراقبت از خودم و پسر استفاده می کردم. شرایط من بد نیست و پسر هم آنچه که ممکن است را دارد. او فرق بین درست و غلط را می داند و با خودش فکر می کند که این راه را انتخاب کند یا راه دیگری را.

گفتن به دوستان، مدرسه و تماس با خدمات دهندگان

من با دوستانم، مددکار اجتماعی پسر و مدرسه پسر در مورد این مشکلات حرف زدم. افسرده شده بودم. احساس می کردم که می شود حمایت از» برای پسر کمکی گرفت ولی نه برای خودم. بعد از این که شوهرم به پسرمان حمله کرد، مدرسه وارد عمل شد و با اداره از من پرسید که برنامه من برای این برخورد شوهرم با پسر چیست و من «حمایت از کودکان» تماس گرفتم. مسئول اداره «کودکان گفتم که در حال تلاش برای رفتن هستم. آنها هم موافق بودند. پس گفتند که اگر من از شوهرم جدا بشوم، کودک را از من نخواهند دانم چه خواهد من به او اعتماد ندارم، نمی» گرفت. وقتی مدرسه این کار را کرد، من از آنان خواستم که با شوهرم حرفی نزنند. گفتم: خواهم ها گفتم که من می. به آن» کند کرد. من در حال تلاش برای بیرون آمدن هستم، صحبت با او کار را برای من و پسر سخت تر می آنجا را ترک کنم ولی خانه ای وجود ندارد و من پنج یا شش خانه اجاره ای را از دست داده ام.

است. در زمانی که تلاش داشتم خانه را ترک کنم متوجه یک سازمان اسکان در نزدیکی فروشگاه محلی شدم. ساختمانش خیلی مشخص به آنجا رفتم و درخواست کمک کردم. با توجه به وجود خشونت در داستان من، آن ها نمی توانستند، کاری برای من انجام دهند، پس من را به یک مرکز مربوط به خشونت خانگی فرستادند. سازمان خشونت خانگی من را در نوبت قرار داد. اگر آنجا مانده بودم، هنوز منتظر آماده شدن برنامه های آنان بودم. وضعشان خیلی خراب است. سپس مددکار اجتماعی پسر به خدمات خشونت خانگی تلفن زد. یک بار نتوانست با کسی حرف بزند و در تلاش دوم شماره ای را گرفت، برای سرپناه زنانی که از خانه بیرون انداخته شده اند. پس در روز جمعه، پیش از آن که حرکت کنم به آنان زنگ زدم. به من گفتند که به اداره پلیس بروم و خودشان مسئله را از آنجا اداره خواهند کرد.

زندگی در یک سرپناه

ای که از آن کنیم پسر نمی تواند به مدرسه خاص خودش برود و ما نمیتوانیم به مرکز رفتار درمانی زمانی که ما در سرپناه زندگی می کمک می گرفتیم برویم. این موضوع او را کمی مضطرب کرده. من تلاش می کنم خیلی از چیزهایی که بلد بوده است را برایش یادآوری کنم، شاید رابطه اش با شدت کمتری با گذشته قطع شود. دوست ندارد که از ابتدا شروع کند و این برایش کمی زیاد است. من نمی دانم زمانی که ما دوباره منتقل شویم چه واکنشی خواهد داشت. اضطراب این که امور خودش را چگونه باید به انجام برساند نیز وجود دارد. من نمی خواهم به خودم بیش از همین که هست فشار بیاورم. دلم می خواهد به مدرسه خودش برود، چون آن ها او را می شناسند، می دانند که چه چیزهایی او را به حرکت در می آورند و چه چیزهایی او را از کار می اندازند. آن ها می دانند که چطور با او رفتار کنند. در این لحظه من خدماتی که پسر و خودم از آن ها کمک می گیریم را کم آورده ام؛ همان خدماتی که به من کمک کردند که از پسر مراقبت کنم. من بخصوص وقتی رفتار پیچیده می شود به کمک آنان نیاز دارم.

پسر مطمئن نبودم. در واقع این تجربه کردم، بر این باور بودم که خودم با آن کنار خواهم آمد ولی درباره فکر می وقتی به رفتن به پناهگاه بسیار خوبی بود. کاش زودتر این کار را انجام داده بودم. من شوهرم را پیش از این ترک نکردم چون نمی دانستم پسر با آن چطور کنار

خواهد آمد. من نمی‌دانستم که این‌ها یک خانه معلولین دارند. نگران بودم چون کودکان معلول با کودکان دیگر بهتر ارتباط برقرار می‌کنند تا با کودکان سالم. خطر این که کودکان سالم آنان را مسخره کنند زیاد است.

گاهی وقتی معلولیتی داری که همه می‌بینند، زیاد برایشان ترسناک نیست، چون می‌توانند جلوی چشم خودشان معلولیت را ببینند و درک کنند. مثلاً دیده‌اید که مردم با نابینایان یا افرادی که پا ندارند ملایم‌تر رفتار می‌کنند. دلیل آن این است که ذهن آن افراد معلول سالم است. ولی وقتی که ذهن دچار مشکل شود و خارج از دید مردم است، همه می‌ترسند که نکنند همین الان عصبی شوی. با خودشان فکر می‌کنند که آیا این فرد قرار است دیوانه شود، به کسی حمله کند، آیا این فرد ممکن است کاملاً از کنترل خارج شود؟ من فکر می‌کنم کودکان سالم هم دلشان می‌خواهد از کودکان معلول جلو بزنند. کودکان سالم این کار را برای مراقبت از خود انجام می‌دهند، اما کودکان معلول معمولاً آرام‌تر هم هستند. کودکانی که معلولیت روانی دارند بچه‌های خیلی خوبی هستند. فقط باید با آن‌ها صبور باشید و آن‌ها را بفهمید.

مسئله اینجاست که معمولاً موقعی شما را در یک خانه امن می‌گذارند، بچه‌های معلول ممکن است بچه‌های سالم را دیوانه کنند. بزرگترها را هم می‌توانند عصبانی کنند. پس شنیدن این که من می‌توانم به پناهگاهی بروم که فقط خودم و پسر من در آن هستیم بسیار برای من خبر کرد که کودکان پسر من با سایر کودکان بودم، می‌دانستم که پسر من به دامن من خواهد چسبید و کارهایی می‌خوبی بود. من نگران ارتباط که ذهنش را از این منحرف کنم و به چیز هستم های پای من است. من در تلاش گفتند دیوانه است. مثلاً پسر من عاشق انگشت دیگر می‌دیگری جلب کنم چرا این رفتار، رفتار یک بچه دوساله است. بعضی اوقات پسر من مانند بچه‌های خیلی کوچک رفتار می‌کند و گاهی بسیار بالغ است. دیگر دارد 13 سالش می‌شود و من باید با تغییرات کنار بیایم.

دهند. من با 33 دلاری که العاده است. مثلاً اگر غذا نداشته باشی به تو غذا می‌ام فوق‌گرفته کمکی که من از کارکنان این پناهگاه «سنترلینک» باقیمانده حساب بانکی ام بیرون آمدم چون شوهرم حسابم را خالی کرده بود. قرار است در این هفته در مورد مشکلی که با کند. است. مددکار کودکانشان با پسر من بسیار خوب کار می‌خیلی خراب کاری کرده «سنترلینک» دارم به من کمک کنند، چون حکم» در دادگاه از من برای گرفتن برد که بسکتبال بازی کنند، تا من کمی استراحت کنم. این پناهگاه آید و او را با خود بیرون می‌می‌خواست پسرمان را ول کند. من با خودم مانده بودم که چرا الان تلاش علیه شوهرم حمایت کرد. خیلی سخت بود. شوهرم نمی‌«مداخله دارد که او را بگیرد در حالی که اصلاً او را نمی‌خواست. یک بار به من گفته بود که پسر ما هرگز نباید به وجود می‌آمد که با این معلولیت دست و پنجه نرم کند. اگر این نشان نمی‌دهد که او این پسر را نمی‌خواهد، چه مدرکی باید آورد؟ سرنیاه در دادگاه به من کمک کرد. تواند من را پیدا کند و من هم گفتم نه، چون باید اول که به دادگاه رفتیم نتوانستیم حکمی بگیریم چون قاضی از من پرسید که او می‌دفعه حقیقت را می‌گفتم. دفعه دوم قاضی زن بود و بهتر می‌فهمید که من چه می‌گویم و چه احساسی دارم.

در یک جا، تنها با پسر من بودن خیلی به من کمک کرده است. کمک گرفتن و مورد حمایت بودن، زمانی برای این که فکر کنم بعد باید چه کرد و همه چیز را آرام آرام به جلو بردن بدون آن که من را خسته کند و از پا در بیاورد. به دلیل ناتوانی ذهنی من، زمانی که اطلاعات را با سرعت به من بدهند، من نمی‌توانم اطلاعات را در ذهنم نگهداری کنم و همه را فراموش می‌کنم. داشتن جای خوب و گرمی که وقتی هوا سرد است بتوانی واردش شوی، این که بدانی اگر غذا خواستی و نداشتی، کسی هست که برایت غذا بگیرد. قبل از آمدن به این پناهگاه، ما در خانه امن دیگری بودیم. رفتن از اداره پلیس به آنجا مثل کارتونها بود، از این کوچه به آن پس کوچه که من فکر کردم این کار را می‌کنند که مبادا کسی ما را تعقیب کند. وقتی بالاخره به آنجا رسیدیم شام آماده بود. من گفتم که مسواک پسر من و چند وسیله دیگر یک کیف وسایل از ما ام، چون با عجله همه چیز را جمع کرده بودم. مدکار به ما گفت که مشکلی نیست و به هر کدام را فراموش کرده بهداشتی داد.

من را آزار داده و عشقی که لازم بود کشیش کلیسای به من گفت که شوهرم در کلیسا جلوی همه به خودش بد و بیراه گفته به خاطر اینکه را به من نداده است و در مورد پسرش هم کوتاهی کرده است. کشیشمان خیلی از این کار متعجب شده بود ولی چون هنرپیشه خوبی است، تعجب خود را نشان نداده بود. حالا کشیش را هم گول زده است. کشیش به من گفت که نمی‌تواند بفهمد که حرف کدامان درست است. همه این‌ها به خاطر این است که شوهر من خوب بلد است نقش بازی کند. به نظر من باید بروم آمریکا و اسکار بگیرم، شک نکنید که طلا می‌گیرم.

آینده

این بار من طلاق خواهم گرفت. این باید تمام شود. من به هیچ عنوان پیش او باز نخواهم گشت. حتی نمی‌توانم توی صورتش نگاه کنم. من که فکر می‌کنم او با همه همینطور رفتار خواهد کرد.

رود و چاقو بر به راه انداخته است و هر بار می‌من الان نگران خشونت پسر من هستم. از زمانی که ما از خانه بیرون آمده ایم سه بار جنجال می‌دارد. من باید همه چاقوها را پنهان کنم. وقتی با پدرش زندگی می‌کردیم از ترس پدرش چنین رفتارهایی نداشت. شوهر من می‌گفت که پسرمان زیادی ترسوست و باید برایش قلدری کرد تا دیگر ترسو نباشد. واحد رفتار درمانی که من از آن کمک می‌گیرم به من آموزش می‌دهد که چگونه شرایط را آرام کنم.

من می‌خواهم طلاق بگیرم و با سهم خودم از پول خانواده خانه‌ای بخرم. البته نمی‌دانم که پولم به خرید جایی می‌رسد یا نه. ولی همین که بتوانم از حیوان خانگی در آنجا نگهداری کنم کافی است. من بدون حیوان دیوانه می‌شوم. من دلم یک تکه زمین روستایی می‌خواهد با یک خانه کوچک در میانش و جایی برای حیوانات. البته تا پسر من به 18 سالگی نرسد به روستا نخواهم رفت. من دلم می‌خواهد که او مستقل باشد و خانه‌ای برای خودش اجاره کند و زندگی کند، چون من تا همیشه زنده نیستم و بدنم هم چندان سالم نیست؛ پس باید او را آماده کرد. او را باید با خدماتی که به او کمک می‌کنند در ارتباط قرار داد و سپس برایش جایی را اجاره کرد.

آزار در پیشینه خانوادگی خود من

دوستم می‌گفت که نمی‌تواند با کسی مانند شوهرم زندگی کند. بسیاری سریع تر از این رها می‌کردند ولی من چون خانه‌ای نداشتم که به آن پناه ببرم دیرتر جدا شدم. رابطه من و مادرم همیشه پیچیده و سخت بوده است. من یکی از چهار فرزند هستم و تنها دختر خانواده. مادرم آمد و هم کلامی نبودند ولی من نبودم. مادرم از این مسئله خوشش نمی‌«پسرهای خوب مامان» از استقلال من متفرد بود. برادرهای همه هم فیزیکی به من ظلم می‌کرد. مثلاً به من اجازه نمی‌داد موهای خودم را بشویم. او خودش استخوان انگشتانش را چنان در سرم فشار می‌حرکت نکن و گرنه بدتر» خوردم می‌گفت: شد. اگر تکان می‌رسید انگار سر من داشت از وسط باز می‌داد که وقتی کار به پایان می‌هایم را می‌شستم و او خیلی عصبانی می‌شد. او ازدواج من را نیز تایید. وقتی 18 ساله شدم دیگر خسته شده بودم و خودم مو«شودمی نکرد. هیچ کس اجازه ازدواج کردن نداشت، حتی پسرهای ما باید فقط بچه‌های او بودیم که بنشینیم و از او نگهداری کنیم.

کردم تا برادرم تلاش کرد که به من تجاوز کند. هی وارد در سن 20 سالگی از خانه بیرون انداخته شدم و در کاروان برادرم زندگی می‌کردم بفروشدند. قدرت گشت. بعد او و مادرم تصمیم گرفتند که کاروانی را که من در آن زندگی می‌می به خانه بر شد و دوباره کاروان می‌گردم. ولی کرد که اگر کاروان را بفروشد من به خانه برمی‌مادرم چنان زیاد بود که انگار او صاحب کاروان بود نه برادرم. مادرم فکر می‌نقشه اش عملی نشد. من به دنبال یک آپارتمان گشتم. حتی بلد نبودم که دنبال آپارتمان بگردم. رفتم پیش یک معاملات ملکی. او گفت که من به معرف نیاز دارم. من یکی از دوستان خانوادگی و یکی از همکارانم را به عنوان معرف بردم. من به خانه برگشتم و کلید کاروان خواهی بکن دانم؟ می‌خواستی بفروشی. هر کاری می‌چه می‌«من هم گفتم: «من با یک کاروان باید چه کنم؟» را به مادرم دادم. گفت: «کندهایت کار نمی‌چون نقشه و دور و بر من نیا

من تهاجم جنسی برادرم را به پلیس گزارش کردم و حکمی گرفتم که تا 200 متری من نتواند بیاید. بعد پدر و مادرم برای آزار من و من گفت می‌توانست. من که در را باز کردم مادرم سعی کرد خودش را به زور وارد کند. به من بد و بیراه آمدند چون برادرم نمی‌می وجود پایش بین گیری بود و بسیار عصبانی. من درب را کوبیدم با این زد. او زن سخت‌توانست من را کتک هم می‌دانستم که اگر می‌می در بود و فریاد زد که اگر نرود به پلیس تلفن خواهم زد. آنها هم رفتند چون از پلیس می‌ترسیدند.

چه چیزهایی به زنان کمک می‌کند؟

یک مددکار اجتماعی خوب، مشکل را از چشمان زن می‌خواند. همه چیز سر راست نیست و مددکاران باید این را بدانند. این مددکاران می‌دانند که وقتی با بعضی افراد حرف می‌زنی انگار داری با دیوار حرف می‌زنی.

بعضی از کارهایی که مددکاران می‌توانند انجام دهند

- برای کمک کردن تلاش کنند ولی زیادی جلو نروند. بهتر است اول از زن بپرسی تا خودش را همان اول وسط بیاندازی. بعضی ترسانند. شاید کمی است و زن را می‌از حد جدی روند و این کار اشتباه است، چرا که این تصور بیش‌مددکاران انگار دارند به جنگ می‌توضیح دهند که همه چیز می‌تواند خوب باشد و شماره بدهند و بگویند که برای کمک آماده‌اند.
- کودکان را برای مدتی کنار بگذارید تا کمی آزادی حرکت داشته باشید.
- به زنان کمک مالی کنید، چون ممکن است پول نداشته باشند، من با 33 دلار از خانه بیرون آمدم.
- درک کنید که همه متفاوتند و به داستان آن زن با دقت گوش دهید.
- به چشمان زنان نگاه کنید و بدانید که سال‌ها با این مشکل کنار آمده‌اند. چطور می‌توان این کار را انجام داد؟ باید خسته باشند، انرژی‌شان باید تمام شده باشد و باید درمانده باشند. خیلی مهم است که کودکان این را نبینند. باید فرد خوشحالی باشید تا بتوانید بچه‌ها را خوشحال نگه دارید. باید احساسات واقعیت را از کودکان پنهان کنید و این خیلی سخت است. فرد باید زندگی را ادامه دهد، حالا ممکن است فرزندش یا خودش دچار ناتوانی‌هایی باشند، این کار را سخت تر می‌کند.
- آزار روانی را درک کنید. گاهی فکر می‌کنم برای مددکاران آسان است که آسیب‌های فیزیکی را ببینند ولی بسیار دشوار است که آسیب‌های روحی را درک کنند. کبودی این ضربه‌ها در سر شماس و همه این را نمی‌فهمند. فرد کتک می‌خورد ولی تا آن نقطه که آماده ترک کردن شود زمان زیادی لازم است.
- برای زنان جیغ و هوار کردن گاهی خوب است که بتوانند فشار را از روی خودشان بردارند. بعضی مددکاران فکر می‌کنند دیوانه شده‌اید ولی این درست نیست.

پیام من به زنان دیگر

نور امیدی وجود دارد. گاهی چون بچه دارید فکر می‌کنید که کار خوبی می‌نماید که در رابطه می‌مانید ولی اگر هر روزتان جهنم است، این زندگی برای کودکان نیز عادلانه نیست. وقتی بیرون می‌آید می‌بینید که بهشتی وجود دارد. اگر شما آرامش داشته باشید کودکان هم آرامش خواهند داشت چون مادر خود را در آرامش می‌بینند و دیگر به این فکر نمی‌کنند که چطور باید از مادر مراقبت کرد. شما فکر می‌کنید که همیشه از آنها مراقبت کرده‌اید ولی آنها هم همیشه تلاش کرده‌اند که از شما مراقبت کنند. همه چیز کنار هم جمع می‌شود و انگار در یک هارمونی زندگی می‌کنید.

خانه امن: در استرالیا خانه کمیسونی به خانه های کوچکی گفته می شود که به طور موقت در اختیار کسانی که با خشونت خانگی مواجه هستند گذاشته می شود.

منبع: [DVRCV](#)

خشونت جنسی و اچ آی وی



عکس: The Factionist - ethical appa

[راهنمایی تخصصی برای سازمان‌های خدمات دهنده به قربانیان](#)

مترجم: فرخ نیک‌مرام

رابطه میان خشونت جنسی و ویروس اچ آی وی

خشونت جنسی و ویروس اچ آی وی که غالباً با یکدیگر ارتباط نیز دارند، دو مورد جدی از خطرات متوجه عموم در سراسر جهان هستند و هیچ منطقه، نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی، گرایش جنسی، سن، مذهب و میزان ناتوانی یا توانایی از این دو در امان نیست. خشونت جنسی احتمال این که قربانی دچار بیماری‌های مقاربتی، از جمله اچ آی وی شود را افزایش می‌دهد. تأثیرات کوتاه مدت و بلند مدت هر دو مورد می‌تواند برای قربانی فلج کننده باشد. لکه ننگی که از سوی اجتماع بر هر دو زده می‌شود می‌تواند فرد را گوشه‌گیر کرده، از گرفتن کمک‌های لازم باز دارد. با توجه به وجود تبعیض، گوشه‌گیر شدن و عدم وجود خدماتی که از نظر اجتماعی حساسیت لازم را دارا هستند، موانع را برای بسیاری از گروه‌ها بزرگتر می‌کند. از آن جمله؛ اقلیت‌های نژادی، همجنس‌گرایان و دگرباشان جنسی، کارگران جنسی، فقرا، معلولین و قربانیان قاچاق جنسی و تجاوز از سوی همسر یا زوج عاطفی.

ایدز در سرکوب اجتماعی ریشه دارند. نابرابری جنسیتی، فقر، مردسالاری و پدرسالاری، در غیاب / هم خشونت جنسی و هم اچ آی وی های مناسب قانونی، خدمات و ثبات اجتماعی عوامل مشترک در هر دو مشکل هستند. (جوکس و سن گارسیا در سال 2002 و حمایت در سال 2004). «برنامه ایدز سازمان ملل متحد»

زنان، اقلیت‌های نژادی و ساکنان مناطق فقیر و در حال توسعه به شکل بیشتری با این مشکل رو به رو هستند. از دلایل این امر می‌توان به

«برنامه ایدز سازمان ملل متحد» برند اشاره نمود. (های جنسیتی، نژادی، اجتماعی و اقتصادی که تمامی مناطق دنیا از آن رنج می‌نابرایی در سال 2004). این راهنما اطلاعات زیر را ارائه می‌کند؛ میزان شیوع خشونت جنسی و اچ آی وی، روش‌های آزمایش و درمان گوناگون برای اچ آی وی، ترس‌های مبتلایان به اچ آی وی، آزمایش مهاجمان جنسی و گام‌های لازم برای متخصصان در این رشته‌ها برای بر آوردن بهتر نیازهای قربانیان خشونت جنسی.

تعریف خشونت جنسی

های ایالات متحده، (2006). (مرکز کنترل بیماری «شود. بر خلاف ارده فرد مقابل را شامل می‌خشونت جنسی، هر گونه عمل جنسی» خشونت جنسی ممکن است کلامی، فیزیکی یا روانی باشد. چنین خشونتی ممکن است شامل عمل کامل جنسی یا اقدام به آن باشد. آزار» جنسی با تماس بدنی و بدون آن، که ممکن است شامل دید زدن، نشان دادن بدن، تصاویر جنسی، آزار جنسی یا تهدید به خشونت جنسی باشند نیز انجام می‌گیرد. (مرکز کنترل بیماری‌ها (ایالات متحده)، 2006).

شیوع خشونت جنسی

با توجه به این که میزان زیادی از خشونت جنسی هرگز گزارش نمی‌شود و مطالعات موجود دارای محدودیت‌های زیادی هستند، آمار موجود درباره میزان شیوع خشونت جنسی با یکدیگر تفاوت دارند. با این وجود، بر اساس مطالعات موجود، خشونت جنسی میلیون‌ها نفر را همه ساله در سر تا سر دنیا قربانی خود می‌کند. در سطح جهانی حدود 20 درصد از زنان گونه‌ای از آزار جنسی در دوران کودکی خود را گزارش می‌دهند (رویان، 2002). در ایالات متحده از هر چهار دختر یک نفر و از هر شش پسر یک نفر تا تولد 18 سالگی خود مورد آزار قرار می‌گیرند (فینکلهور، 1990). در سطح جهانی یک چهارم زنان ممکن است از سوی زوج عاطفی خود دچار خشونت جنسی شوند (جوکس، سن و گارسیا مورنو، ص 157، سال 2002).

تعریف اچ آی وی

اچ آی وی یک عفونت ویروسی است که احتمال دارد از راه ارتباط جنسی یا ردو بدل کردن سوزن و سرنگ (معمولاً برای مصرف مواد مخدر) با فرد آلوده منتقل شود (مرکز کنترل بیماری‌های ایالات متحده، 2007). زنان باردار آلوده به این ویروس ممکن است در دوران بارداری، تولد و شیردهی کودک خود را نیز آلوده کنند (مرکز کنترل بیماری‌های ایالات متحده، 2007). اچ آی وی از طریق این مایعات در بدن انسان منتقل می‌شود؛ خون، ترشحات آلت تناسلی در زنان و مردان و شیر مادر (مرکز کنترل بیماری‌های ایالات متحده، 2007). بعضی از افراد ناقل ویروس اچ آی وی به بیماری ایدز مبتلا می‌شوند. ایدز تضعیف سیستم دفاعی فرد از طریق کاهش گلبول‌های سفید خون است (سازمان ملی بهداشت، 2005). کاهش این گلبول‌ها توان بدن برای مبارزه با عفونت‌ها را پایین می‌آورد و هر نوع عفونت را کشنده یا سرطان زا می‌کند (سازمان ملی بهداشت، 2005). اگرچه راه‌هایی برای کنترل این بیماری و ویروس وجود دارد، هنوز واکسن یا درمانی برای آنان یافت نشده است (سازمان ملی بهداشت، 2005).

ایدز در ایالات متحده/شیوع اچ آی وی

در ایالات متحده، در سال 2003 بین 1039000 تا 1185000 نفر آلوده به اچ آی وی یا «هامرکز کنترل بیماری» بر اساس آمارهای بیماری ایدز در آمریکا زندگی می‌کردند (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006). بر اساس آمارهای سال 2005 این مرکز، افراد 40 تا 44 ساله 17 درصد سفید، 34 سیاه‌پوست، (47%) اکثریت افراد آلوده (2005). ها، بیشترین آمار را در میان افراد آلوده دارند (مرکز کنترل بیماری درصد افراد با ریشه اسپانیایی (آمریکای لاتین) و کمتر از 1 درصد را سرخپوستان، ساکنان آلاسکا و هاوایی و افراد با ریشه در خاور دور تشکیل می‌دهند. (مرکز کنترل بیماری، 2005). 73 درصد افراد آلوده را مردان تشکیل می‌دهند که از طریق رابطه جنسی با سایر مردان و رابطه با سایر مردان به همراه استفاده وریدی از مواد مخدر (13%)، رابطه جنسی با زنان (18%)، استعمال وریدی مواد مخدر (61%) دهند که 72 درصدشان از طریق رابطه‌ها، (2005). 37 درصد افراد آلوده را زنان تشکیل می‌آلوده شده اند. (مرکز کنترل بیماری (7%) جنسی با مردان و 26 درصد از طریق استعمال وریدی مواد مخدر آلوده می‌شوند. (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2005).

37 درصد افراد آلوده را زنان تشکیل می‌دهند که 72 درصد آنها از طریق رابطه جنسی با مردان و 26 درصد از طریق استعمال وریدی مواد مخدر آلوده می‌شوند.

(مرکز کنترل بیماری‌ها، 2005)

اچ آی وی در میان کارگران جنسی و قربانیان قاچاق انسان

با وجود این که اندازه گیری و مستندسازی تاثیرات اچ آی وی و ایدز بر روی کارگران جنسی و قربانیان قاچاق انسان برای سوء استفاده جنسی بسیار دشوار است، تحقیقات موجود نشان می‌دهد که این گروه از افراد شدیداً مورد خشونت جنسی قرار دارند. این گروه از افراد همچنین به دلیل عدم دسترسی به کاندوم و ناتوانی در مقابل مشتریانشان توان مراقبت از خود را از بیماری‌های مقاربتی، از جمله ایدز را از

دست می دهند.

- ای بر روی 50 زن که به جرایم مربوط به روسپیگری در بوستون زندانی بودند نشان از رواج زیاد خشونت جنسی داشت. (نورتون مطالعه هاوک، 2002)

46 درصد از این زنان مورد خشونت فیزیکی و 42 درصد مورد خشونت جنسی قرار گرفته بودند. خشونت جنسی و فیزیکی موجود که از سوی مشتریان و فروشندگان این زنان بر آنها وارد می شود و مصرف ویریدی مواد مخدر (56 درصد از این زنان از مواد مخدر ویریدی هاوک، 2002) - دهد. (نورتون استفاده کرده بودند) این زنان را در خطر بسیار شدید آلوده شدن به اچ آی وی قرار می

هفتاد درصد از این زنان عنوان کردند که به شدت از آلوده شدن به بیماری های مقاربتی مانند اچ آی وی ترس دارند. کارگران جنسی گاه ها هیچ راهی برای مراقبت از خود در برابر بیماری های مقاربتی ندارند. از میان زنانی که در بوستون مورد تحقیق قرار گرفتند 16 درصد آلوده هاوک، 2002) - دادند. (نورتون به ایدز بودند و 48 درصد هر شش ماه یک بار آزمایش می

قربانیان قاچاق انسان برای بازار جنسی به صورت روزانه با میزان بسیار زیادی از خشونت جنسی و فیزیکی رو به رو هستند. این مسئله آنان را مستعد آلوده شدن به بیماری های مقاربتی و ویروس اچ آی وی می کند.

ایدز در میان مردانی که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند / اچ آی وی

در آمریکا اچ آی وی به صورت بسیار گسترده تری مردانی که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند را آلوده می کند. بر اساس آمار مرکز کنترل بیماری ها، در سال 2003، دو سوم موارد آلودگی به ویروس ایدز در میان این دسته بوده است. البته قابل توجه است که تنها 5 تا 7 درصد مردان در ایالات متحده خود را این گونه معرفی می کنند (مرکز کنترل بیماری ها، 2006). با این که شیوع اچ آی وی در میان این مردان در دهه های 80 و 90 میلادی کاهش داشت، تحقیقات جدید نشان از افزایش این آمار دارد. (مرکز کنترل بیماری ها، 2006)

ایدز در میان زنانی که با زنان دیگر رابطه جنسی دارند / اچ آی وی

تحقیقات مربوط به این ویروس بر روی زنانی که با زنان دیگر رابطه جنسی دارند بسیار محدود بوده است. با این که احتمال آلوده شدن در این روابط کمتر است، اچ آی وی همچنان ممکن است از راه ترشحات واژنی و گردنی و همچنین خونریزی در هنگام قاعدگی انتقال یابد. علاوه بر این، این دسته از زنان در صورت مصرف ویریدی مواد مخدر، ایجاد رابطه جنسی با مردان دو جنس گرا و مردان دو جنس گرایی که مواد مخدر ویریدی استفاده می کنند یا ایجاد رابطه جنسی مقعدی می توانند با خطر آلودگی رو به رو باشند. (شورای مسائل علمی، 1996)

اچ آی وی در میان زنان و دختران

در ایالات متحده آلودگی به اچ آی وی و بیماری ایدز یکی از بحران های رو به رشد در زمینه سلامت زنان و دختران به حساب می آیند. بین سال های 1999 و 2003 آمار ایدز در میان زنان 15 درصد و در میان مردان تنها 1 درصد افزایش داشته است (مرکز کنترل بیماری ها، 2003). زنان بخش بزرگی از موارد جدید اچ آی وی و ایدز را تشکیل می دهند. 50 درصد موارد جدید اچ آی وی و ایدز در سال 2003 در میان دختران 13 تا 19 ساله گزارش شده است (بنیاد خانواده هنری کیسر، 2006). رابطه جنسی دگرجنس گرایانه (با مردان) و تزریق مواد مخدر به ترتیب نخستین و دومین دلایل آلودگی در میان زنان هستند (مرکز کنترل بیماری ها، 2006).

این بیماری به صورت غیرمتناسبی، زنان رنگین پوست را آلوده می کند. در سال 2002، در ایالات متحده، آلودگی اچ آی وی مهمترین عامل مرگ در میان زنان سیاهپوست بین 25 تا 34 سال بود (مرکز کنترل بیماری ها، 2006). در سال 2004 زنان سیاهپوست در حالی که تنها 13 درصد جمعیت زنان در ایالات متحده را تشکیل می دهند، 67 درصد مبتلایان زن در این کشور را تشکیل دادند (بنیاد خانواده هنری کیسر).

در سال 2002، در ایالات متحده، آلودگی اچ آی وی مهمترین عامل مرگ در میان زنان سیاهپوست بین 25 تا 34 سال بود.

(مرکز کنترل بیماری ها، 2006)

ایدز در میان رنگین پوستان در ایالات متحده / اچ آی وی

اگر چه این آلودگی کلیه جمعیت را تهدید می کند، افراد رنگین پوست (غیر سفیدپوست) بیشتر در معرض آن قرار دارند. در مقایسه با سایر گروه های نژادی و قومی، سیاهپوستان بیشترین میزان اچ آی وی و ایدز را در میان خود دارند (مرکز کنترل بیماری ها، 2006). تنها 12.3 درصد از جمعیت ایالات متحده سیاهپوست هستند اما این گروه نیمی از کل موارد آلودگی به اچ آی وی را تشکیل می دهند. در

سال 2002 این آلودگی یکی از چهار عامل اصلی مرگ در میان مردان و زنان سیاهپوست بین 25 تا 54 بود. این عامل، عامل شماره یک مرگ در میان زنان سیاهپوست بین 25 تا 34 سال بود (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006).

جمعیت اسپانیایی تبار (آمریکای لاتین) در درجه دوم در میان اقوام و نژادها قرار دارند. این گروه حدوداً 14 درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند، اما از ابتدای این اپیدمی، همواره 18 درصد از آمار آلودگی در میان این گروه بوده است. امروزه، این گروه 20 درصد از مبتلایان جدید به این بیماری را تشکیل می‌دهند (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006).

اگر چه این آلودگی کلیه جمعیت را تهدید می‌کند، افراد رنگین پوست (غیر سفیدپوست) بیشتر در معرض آن قرار دارند.

(مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006)

ایدز در سرنا سر جهان / شیوع اچ آی وی

اکثریت مبتلایان و افراد آلوده در جهان مردان هستند. با این وجود خطر روز به روز بیشتر زنان و دختران را تهدید می‌کند. شمار مبتلایان مونث این بیماری از 16.5 میلیون در سال 2003 به 17.5 میلیون در سال 2005 افزایش یافت (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معمولاً زنان کم درآمد و بی درآمد در خطر آلودگی قرار دارند. نابرابری «بهداشت جهانی، 2005»). (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).

در سر تا سر جهان زنان و دختران از طریق روابط جنسی با مردان در خطر آلودگی به این ویروس قرار دارند (برنامه ایدز سازمان ملل، های عاطفی و افراد ناآشنا احتمال آلوده شدن دهند که آزارهای گوناگون، من جمله آزار جنسی از سوی زوج‌شواهد نشان می‌دهد). (2004). زنان و دختران را بالا می‌برد (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).

در سر تا سر جهان زنان اختیار بدن و رفتار جنسی خود را ندارند و به همین دلیل قادر به مراقبت از خود در برابر بیماری‌های این چنینی نیستند (سازمان بهداشت جهانی، 2000). زوج‌های آنان معمولاً سنین بالاتری دارند و آلوده به ویروس هستند، این احتمال آلوده شدن زنان و دختران را افزایش می‌دهد. زنان و دختران معمولاً از دسترسی به اطلاعات و وسایل بهداشت جنسی مانند کاندوم دور نگه داشته می‌شوند. حتی زمانی که دسترسی به کاندوم وجود دارد این زنان و دختران به دلیل نابرابری قدرت در این جوامع پدرسالار و خشونت جنسی توان متقاعد کردن مردان به استفاده از آن را ندارند.

ایدز در جهان / تصویر کلی اچ آی وی

- در سال 2005، چهل میلیون نفر آلوده به اچ آی وی و مبتلا به ایدز در جهان وجود داشت (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).
- 50 درصد این افراد مرد، 45 درصد زن و 5 درصد کودک بوده‌اند (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).
- در سال 2005 پنج میلیون مورد جدید آلودگی به اچ آی وی شناسایی شدند (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).
- از 3.1 میلیون مرگ مربوط به ایدز، 570000 مورد کودک بودند (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).
- در میان سال‌های 2003 تا 2005، تمامی مناطق دنیا بجز مناطق کارائیب شاهد افزایش آمار آلودگی بودند (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).
- با وجود عدم افزایش در آمار، مناطق کارائیب پس از بخش جنوبی سحرای بزرگ آفریقا مقام دوم را در شیوع این آلودگی داشت (برنامه ایدز سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، 2005).

عوامل خطر در مورد آلودگی به اچ آی وی در صورت تجاوز جنسی

عوامل آلودگی به صورت فردی و در سطح خانواده و اجتماع بروز می‌کنند. عوامل خطر شامل این مواردند: فقر، بی‌ثباتی اجتماعی، از هم پاشیدگی خانواده، آلودگی به سایر عفونت‌های مقاربتی، پایین بودن مقام اجتماعی و سیاسی زنان، خشونت جنسی، عدم تعهد به کاهش خشونت جنسی و اچ آی وی در میان بزرگان و رهبران و نقل و انتقال افراد، به خصوص به عنوان کارگران مهاجر (برنامه ایدز سازمان ملل، این موارد در سطح فردی موجب کاهش موفقیت در جلوگیری از آلوده شدن زنان سیاهپوست «هامرکز کنترل بیماری» 2004). به گفته می‌شود؛ سن پایین، عدم شناسایی خطر در زوج، نابرابری جنسیتی در ارتباط با مردان، ضربه پذیرتر بودن زنان از طریق رابطه از طریق واژن، قلمروی، اتحاد ملی مدیران ایدز دولتی و (اقتصادی پایین در میان این افراد - مقام اجتماعی های مقاربتی، اعتیاد به مواد مخدر و بیماری 2006).

مدارک نشان می‌دهند که اچ آی وی نیز مانند سایر بیماری‌های مقاربتی از طریق تجاوز جنسی انتقال پیدا می‌کند. با این وجود، باور بر این است که آلودگی از طریق تجاوز کمتر اتفاق می‌افتد (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006). مرکز کنترل بیماری‌ها احتمال آلودگی در رابطه

جنسی با توافق طرفین از طریق واژن را 0.1 تا 0.2 درصد می‌داند، رابطه مقعدی از این گونه احتمال آلودگی را به 0.5 تا 3 درصد می‌رساند. ممکن است احتمال آلودگی در تجاوز جنسی، با توجه به جراحاتی که قربانی متحمل می‌شود بیشتر باشد. این موضوع به خصوص درباره کودکان صدق می‌کند که ممکن است بارها مورد تجاوز قرار گیرند و حتی دچار جراحاتی در واژن یا مقعد شوند (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006).

این موارد در هنگام تجاوز از سوی فرد ناقل ویروس، احتمال انتقال آن به قربانی را افزایش می‌دهد (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2005):

- گاز گرفتن
- تعدد متجاوزان
- دخول واژینال یا مقعدی
- ضربه یا جراحت در مقعد یا واژن
- وجود اسپرم یا مایعات جنسی در اطراف واژن یا مقعد
- استفاده متجاوز از مواد مخدر وریدی

آزمایش اچ آی وی

پیشنهاد «هامرکز کنترل بیماری» آزمایش موثر برای تشخیص اچ آی وی نیازمند یک سری آزمایش خون در یک دوره زمانی است. دهند) احتمال آلوده بودن خود به اچ آی وی را می‌آی (مانند پزشکان و کند که افرادی که در زندگی عادی خود و نه در زندگی حرفه‌ای نخست مورد آزمایش قرار گیرند و آزمایش بین 4 تا 6 ماه بعد و سپس بعد از شش ماه دوباره تکرار شود (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2005). این مرکز همچنین پیشنهاد می‌کند (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006):

- آزمایش تمامی بیماران در این مورد، من جمله زنان باردار، مگر در مواردی که خود فرد اجازه آن را ندهد.
- آزمایش دست کم سالانه افرادی که در خطر آلودگی قرار دارند.
- عدم لزوم اجازه نامه مجزا برای تست اچ آی وی. ارائه مجوز کلی برای درمان از سوی بیمار خود به خود شامل تست اچ آی وی نیز می‌شود.
- مشاوره اجباری برای جلوگیری از آلودگی نباید بخشی از آزمایش باشد.

این مرکز پیشنهاد می‌کند که قربانیان حملات جنسی در همان مرحله اول مورد آزمایش اچ آی وی قرار گیرند و این آزمایش 6 هفته، 3 ماه و 6 ماه بعد نیز تکرار شود؛ بخصوص در مواردی که در آزمایش نخست، پس از تجاوز، ویروس در آزمایش یافته نشود ولی احتمال وجود آن همچنان وجود داشته باشد (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006).

این مرکز همچنین پیشنهاد می‌کند که درمانگران در مورد فواید و محدودیت‌های داروهای پیش‌گیری از ایدز با قربانیان گفتگو کنند و در صورت امکان برای مصرف 3 تا 7 روز به آنها این داروها را بدهند و وقت مجددی برای گفتگو مشخص کنند. علاوه بر این مرکز کنترل بیماری‌ها پیشنهاد می‌کند که تصمیم‌گیری در مورد آزمایش این قربانیان به صورت مورد به مورد انجام گیرد و درمانگران با تجربه تلاش نمایند که ضربه روحی بیشتری به قربانی وارد نشود. (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2006).

آزمایش پادتن اچ آی وی چیست؟

ها در ایالات متحده؛ زمانی که یکی از سازمان‌های زیر شاخه مرکز کنترل بیماری «منابع ملی آزمایش اچ آی وی» بر اساس اطلاعات «های سی دی 4 سلول» یا «های لنفوسیت تی چهارسلول» های سفید به نام‌شود، به گروه خاصی از گلبول‌ویروس اچ آی وی وارد بدن می‌شود (سلول‌های کمک کننده) حمله می‌کنند. سیستم دفاعی بدن در آن زمان برای مقابله با این عفونت پادتن‌هایی را تولید می‌کند. با این که های تشخیصی وجود اچ آی وی در بدن است. آزمایش‌ها توان مبارزه با اچ آی وی را ندارند، وجودشان در خون نشان دهنده این پادتن برای اچ آی وی به دنبال این پادتن‌ها می‌گردند، نه خود ویروس (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006).

معمولاً برای تشخیص آلودگی به اچ آی وی استفاده «الیزا (روش متصل به آنزیم)» و تست «ای آی آی (روش آنزیم ایمنی)» تست می‌شوند (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006). اگر در هر یک از این دو آزمایش، واکنشی دیده شد، همان خون گرفته شده دوباره آزمایشی «بلات غربی» شود. نتیجه تایید می‌شود «بلات غربی» آزمایش خواهند شد. اگر برای دومین بار نیز واکنشی دیده شد، از طریق یک دقیق تر است که می‌تواند پادتن‌های مختلف را از پادتن‌های مخصوص اچ آی وی تفکیک کند و نتایج مثبت غلط را شناسایی کند. در دانسته خواهد شد (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006). «اچ آی وی مثبت» صورتی که نتیجه هر سه آزمایش مثبت بود، فرد

زودترین زمانی که فرد می‌تواند آزمایش بدهد چه زمانی است؟

پادتن‌ها معمولاً 3 ماه پس از آلودگی در مدت 20 روز قابل ردیابی هستند، اما در موارد نادر ممکن است شش تا دوازده ماه طول بکشد. (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006).

بسیار مهم است که فعالان و درمانگران قربانیان خشونت جنسی را از تمامی انواع تست آگاه کنند.

انواع آزمایش اچ آی وی

آزمایش ناشناس (بدون ارائه هویت)، محرمانه، خانگی اشکال مختلفی از آزمایش تشخیص اچ آی وی از طریق پادتن وجود دارد. از جمله و فوری. درمانگران باید تمامی این آزمایش‌ها را برای قربانیان توضیح دهند. علاوه بر این، فعالان اجتماعی باید با درمانگران از نزدیک همکاری کنند تا قربانیان پیش از آزمایش، در ضمن آن و پس از آن از حمایت، مشاوره و منابع آموزشی برخوردار باشند. برای اطلاعات (یا بخش www.hivtest.org) «منابع ملی آزمایش اچ آی وی» های بهداشتی ایالتی، بیشتر در زمینه آزمایش اچ آی وی با سازمان اطلاعات مرکز کنترل بیماری‌ها تماس بگیرید که خط تلفنی آن در طول 24 ساعت 365 روز سال پاسخگویی سوالات است. تلفن‌ها: خانه امن: لازم به ذکر است این شماره تلفن های تماس برای کسانی که در ایالات (1-888-232-6348 و 1-800-CDC-INFO) متحده آمریکا هستند قابل استفاده خواهد بود.

کنند. از این رو پس از انجام برای انجام تست از مراجعان درخواست ارائه نام یا اطلاعات شخصی نمی‌آزمایش ناشناس اچ آی وی آزمایش، شخص اختیار کامل دارد که به خواست خود اطلاعات را با سازمان‌ها (مانند ادارات بهداشت ایالتی) یا افراد (مانند متخصصان یا زوج‌های کنونی و پیشین) در میان بگذارد یا خیر.

برای کسانی که انتظار دارند اطلاعاتشان محرمانه بماند وجود دارد. اما لازم به ذکر است که در این گونه آزمایش محرمانه اچ آی وی آزمایش، نتایج زیر نام فرد نگهداری می‌شوند و ممکن است در موارد بخصوص در اختیار درمانگران یا ادارات بهداشت قرار بگیرد. نتیجه این آزمایش‌ها ممکن است ضمیمه پیشینه پزشکی فرد شود.

«دسترسی خانگی» تنها یک گونه از این نوع آزمایش به نام «اداره خوراک و داروی فدرال» تا به حال آزمایش اچ آی وی خانگی؛ ها موجود است (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006). را تایید کرده است. این جعبه آزمایش در بیشتر داروخانه‌ها (Home Access) فرد لازم است که قطرات خون خود را بر روی یک برگه بریزد و آن را به آزمایشگاه دارای پروانه «Home Access» برای استفاده از بفرستد (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006). به هر فرد، برای پیگیری شماره شناسایی داده می‌شود و برای استفاده کنندگان این محصول در طول آزمایش مشاوره نیز ارائه می‌گردد.

های دیگر بین یک تا دو هفته زمان لازم‌تواند ظرف 20 دقیقه نتیجه آزمایش را مشخص کند. آزمایش می‌آزمایش فوری اچ آی وی اکنون چهار مرکز آزمایش فوری اچ آی وی مجاز در ایالات متحده در حال فعالیت دارند. دقت این آزمایش کمتر از سایرین نیست. هم هستند. دسترسی به این خدمات ممکن است در بخش‌هایی از کشور آسان تر باشد تا سایر نقاط (منابع ملی آزمایش اچ آی وی، 2006).

معالجات پیشگیرانه

. این یک دوره «ای است معالجه پیشگیرانه تماس غیر حرفه» نام دارد که مخفف «ان پی ای پی» یکی از معالجات پیشگیرانه اچ آی وی هاکنند از جذب ویروس پس از تماس احتمالی جلوگیری کند. مرکز کنترل بیماری‌ها است که تلاش می‌کند «گردهای پس‌ضد ویروس» معالجه ای با خون، ترشحات آلت تناسلی یا محصولات خونی فرد آلوده به کسانی که ظرف 72 ساعت از تماس غیر حرفه» این معالجه را برای ها، (2005). کند (مرکز کنترل بیماری‌ها پیشنهاد می‌کند «ویروس، زمانی که احتمال آلودگی برای فرد ثالث بالاست

این معالجه معمولاً ترکیب دو یا سه داروی ضد ویروس است که بلافاصله پس از تماس تجویز و مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای افرادی که اچ آی وی مثبت هستند معالجات دیگری نیز وجود دارد. (برای اطلاعات بیشتر با مرکز کنترل بیماری‌های ایالات متحده تماس حاصل کنید.)

ظرف 72 ساعت پس از تماس با فردی که «ان پی ای پی» ها هیچ‌گونه پیشنهادی، موافق یا مخالف، برای معالجه‌مرکز کنترل بیماری معلوم نیست آلوده به اچ آی وی باشد یا خیر ندارد (مرکز کنترل بیماری‌ها، 2005). در این موارد پیشنهاد می‌شود که درمانگران به را پس از 72 ساعت از زمان «ان پی ای پی» صورت فرد به فرد نیاز به معالجه یا آزمایش را مورد بررسی قرار دهند. این مرکز معالجه تماس یا برای افرادی که به صورت مداوم با خطر آلودگی سر و کار دارند، مانند معاندان تزریقی یا افرادی که بدون محافظت با بیماران شناخته شده رابطه جنسی برقرار می‌کنند، پیشنهاد نمی‌کند.

فواید آزمایش و معالجات پیشگیرانه برای قربانیان خشونت جنسی

آزمایش اچ آی وی قدم بسیار مهمی برای معالجه یا پیشگیری عفونت اچ آی وی است. پاره‌ای تحقیقات آزمایشگاهی بر روی انسان‌ها و

تواند از آلودگی‌ای با ویروس می‌72 ساعت پس از تماس غیر حرفه در بازه زمانی «ان پی ای پی» حیوانات نشان داده است که معالجه جلوگیری نماید. در همان بازه زمانی 72 ساعت، هر چه زودتر این معالجه صورت گیرد شانس فرد برای جلوگیری از عفونت اچ آی وی بیشتر خواهد بود.

قربانیان خشونت جنسی لازم است بلافاصله به دنبال آزمایش و معالجه باشند، اگر چه پاسخ مثبت در این مقطع به این معناست که آلودگی به اچ آی وی پیشتر از این ایجاد شده است. مراکزی برای آزمایش ناشناس یا محرمانه در سر تا سر کشور وجود دارد که فعالان اجتماعی مراجعه کنید). **های اچ آی وی انواع آزمایش** باید آنان را به قربانیان معرفی کنند. (برای اطلاعات بیشتر در مورد این منابع به بخش

معالجه و آزمایش برای قربانیان خشونت جنسی های احتمالی در زمینه نگرانی

برای بعضی از قربانیان انجام دادن آزمایش اچ آی وی در هنگام بررسی‌های پزشکی قانونی در مورد تجاوز ممکن است ضربه روحی وارده را تشدید کند. خبر آلوده شدن به اچ آی وی در کنار فشار روانی حاصل از تجاوز، ممکن است برای فرد غیر قابل تحمل باشد. به همین دلیل فرد باید از مشاوره، اطلاعات و حمایت لازم در هنگام تصمیم‌گیری برای انجام آزمایش اچ آی وی برخوردار باشد. نظر به این که آزمایش تشخیص اچ آی وی پادتن‌هایی را می‌یابد که تا سه هفته تولیدشان طول می‌کشد، نتیجه مثبت آزمایش تنها به این دلیل است که فرد پیش از تجاوز اخیر آلوده به اچ آی وی بوده است.

برخی قربانیان ممکن است بخواهند آزمایش را پس از 24 ساعت یا 48 ساعت انجام دهند تا بتوانند در این بازه زمانی تصمیم مناسب و رسد، تصمیمی است که قربانی پس از دریافت مشاوره و اطلاعات کامل به آن می‌«صحیح» آگاهانه بگیرند. در نهایت تنها تصمیم

برای بعضی از قربانیان انجام دادن آزمایش اچ آی وی در هنگام بررسی‌های پزشکی قانونی در مورد تجاوز ممکن است ضربه روحی وارده را تشدید کند.

دلایل عقب انداختن یا نپذیرفتن آزمایش اچ آی وی از سوی قربانیان خشونت جنسی

- آزمایش بلافاصله پس از تجاوز می‌تواند فشار روحی را افزایش دهد
- ممکن است در اورژانس، مشاوره و اطلاعات کافی برای قربانی موجود نباشد. در نتیجه ممکن است قربانی اطلاعات و حمایت لازم برای دادن اجازه آزمایش را نداشته باشد.
- قربانیان تجاوز که قربانی خشونت خانگی یا قاچاق انسان نیز هستند ممکن است از آزمایش سر باز بزنند، مبادا از سوی متجاوزان مورد حمله قرار بگیرند.
- مهاجران غیرقانونی ممکن است از ترس فرستاده شدن به کشورشان و یا به دلیل عدم اعتماد به بنیادهای اجتماعی اجازه آزمایش را ندهند.
- ممکن است مشاوره به اندازه کافی با فرهنگ قربانی نزدیکی نداشته باشد و قربانی نتواند نگرانی‌های خود را با مشاور در میان بگذارد.
- مگر در مورد آزمایش‌های ناشناس، آزمایش اچ آی وی 100 درصد محرمانه نیست. نتایج مثبت قربانیان را در طول مدت طولانی دنبال خواهند کرد. نتایج معمولاً بین درمانگران پخش می‌شود. ممکن است به دلیل قانونی نتایج آزمایش به ادارات بهداشت ارائه شوند. نتایج آزمایش‌ها وارد پیشینه پزشکی قربانی شده و در نتیجه این اطلاعات ممکن است در دادگاه استفاده شود.
- برای قربانی به همراه داشته باشد و در نتیجه هزینه بیمه وی «پر خطر» استفاده از بیمه برای آزمایش اچ آی وی ممکن است برچسب بالا برود. این همچنین می‌تواند روند گرفتن بیمه جدید را نیز پیچیده کند. اگر اچ آی وی به عنوان بیماری پیش از خرید بیمه شناخته شود، بیمه آنها به شدت محدود خواهد شد و خدمات زیادی را زیر پوشش نخواهد گرفت.
- هزینه معالجات پیشگیرانه بسیار زیاد است. حتی اگر ایالات برنامه‌ای برای پس دادن هزینه داشته باشند، فرد باید نخست از جیب خود هزینه را بپردازد و بعد ایالت مبلغ هزینه را به او باز خواهد گرداند. پرداخت فوری 1000 دلار برای بسیاری از قربانیان غیر ممکن است.
- کارکنان تمامی اورژانس‌ها تعلیمات مناسب برای مشاوره اچ آی وی را ندیده‌اند.
- برای کسانی که در محل کار، آلوده شده‌اند نیز موثر است، تحقیقات «ان پی ای پی» دهد که با این که شماری از تحقیقات نشان می‌دهد که برای میزان بازده آن همچنان در حال انجام است.

ترس قربانی از آلودگی به اچ آی وی

اگر چه احتمال انتقال اچ آی وی در یک مورد تجاوز کم است، احتمال همچنان وجود دارد. به همین دلیل قربانی تجاوز ممکن است در هنگام تجاوز یا پس از آن نگران آلودگی باشد. خشونت جنسی نه تنها افراد را در خطر عفونت اچ آی وی قرار می‌دهد، که می‌تواند عفونت موجود به اچ آی وی را نیز شدت بخشد. قربانی که خود اچ آی وی مثبت باشد ممکن است در معرض عفونت‌های متعدد مانند انواع مختلف خود اچ آی وی قرار بگیرد. چنین وقایعی ممکن است به شدت بر روی معالجه بیمار و نتیجه آن تاثیر گذار باشد.

میزان ترس از آلودگی معمولاً به ارتباط قربانی با فرد متجاوز برمی‌گردد. بر اساس یک مطالعه، ترس زنان از آلودگی به اچ آی وی از

متجاوز ناشناخته بیشتر است تا متجاوزی که آنان با وی آشنایی دارند. (رزنیك، 2002). اگرچه این مطالعه مربوط به زنان می‌شد، مردان مورد تجاوز قرار گرفته نیز از چنین ترس‌هایی رنج می‌برند.

آزمایش افراد متجاوز

قوانین ایالات مختلف در مورد آزمایش گرفتن از متجاوزان جنسی متفاوت است و گفتگو در این مورد همچنان ادامه دارد. این گفتگو شامل حقوق محفوظ متجاوز از سوی قانون اساسی، اشکالات غیر قابل پیش بینی آزمایش متجاوز بر قربانی، سلامت عمومی و حقوق بشر می‌شود.

منابع زیر اطلاعات بیشتری را در مورد آزمایش اچ آی وی برای متجاوزین و حقوق قربانیان جرایم جنسی ارائه می‌دهند:

تست اچ آی وی و جرایم جنسی: خلاصه‌ای از قوانین ایالتی، 2005

این جدول حقوق قربانیان در مورد آزمایش اچ آی وی بر روی متجاوزین و قربانیان در ایالات متحده و منطقه واشنگتن (پایتخت آمریکا) تهیه نمود. «مرکز ملی منابع خشونت جنسی» توان ازدهد. این جدول را می‌و قلمروهای ایالات متحده توضیح می‌دهد.

کتاب منبع حقوق قربانی، چاپ 1996

این کتاب مرجع اطلاعاتی مربوط به حقوق قربانی، من جمله جدولی از قوانین مربوط به قربانیان (تا سال 1995) از تمامی ایالات ارائه دریافت کرد. «مرکز ملی قربانیان جرم» توان ازکند. این منبع را می‌می

چگونه خدمات دهندگان می‌توانند به قربانیان یاری برسانند

خدمات دهندگان به قربانیان می‌توانند با کاهش ترس قربانی از آلودگی به اچ آی وی و تصمیمات آگاهانه برای آزمایش و معالجه به قربانیان کمک‌های فراوانی کنند. توجه به نکات زیر به خدمات دهندگان کمک می‌کند که نیازهای قربانیان خشونت جنسی را بهتر برآورده کنند:

- در مورد اچ آی وی، تجاوز جنسی و منابع موجود مطلع باشید.
- ارتباط میان تجاوز و اچ آی وی و سرکوب‌های اجتماعی را به صورت روز به روز درک کنید.
- انواع مختلف آزمایش موجود در جامعه خود را بشناسید. به قربانیان اطلاعات دقیق بدهید و به آنان در تصمیم‌گیری یاری دهید.
- بدون قضاوت گوش کنید و هیچ چیزی را فرض نکنید.
- قربانیان را شناسایی کرده، به سازمان‌های شناخته شده و معتبر مراجعه دهید. آنها را به سوی منابعی راهنمایی کنید که بتوانند به آنان اطلاعات بیشتر و حمایت در زمینه خشونت جنسی و اچ آی وی بدهند.
- آگاهی و درک بهتری از مسئولیت‌های اخلاقی و قانونی خود در زمینه رازداری در موارد خشونت جنسی و اچ آی وی به دست بیاورید.
- راه‌هایی را بیابید تا هرچه بهتر مسائل مربوط به اچ آی وی و خشونت جنسی را، بخصوص در جوامع کوچک، خصوصی نگهدارید.
- در زمان‌های مناسب با قربانی در مورد آلودگی به اچ آی وی، خطرات اچ آی وی، کاهش خطرات، آزمایش اچ آی وی و معالجه آن صحبت کنید.
- فراموش نکنید که آزمایش اچ آی وی فقط قطعه‌ای از زنجیره خدمات و حمایت‌های لازم برای قربانیان است.
- با درمانگران حرفه‌ای گفتگو کنید تا سیاست‌ها و منابعی بسازید که نسبت به قربانی حساس تر باشند، مثلاً سیاست‌ها و منابع بهتر برای مشاوره پیش از آزمایش.
- با متخصصان پزشکی و سایر متخصصان آموزش‌های متقابل انجام دهید تا اطلاعات و مهارت‌های اجتماع در مورد خشونت جنسی و اچ آی وی افزایش یابد.
- پای تغییر سیاست‌های ایالت در مورد آزمایش اچ آی وی و گزینه‌های معالجه آن حرکت کنید و ببینید که این سیاست‌ها چه تاثیری بر روی قربانیان می‌گذارند.

ابتکار عمل برای رسیدن حقوق زنان



عکس: Patrick Rasenberg

ترجمه: فرخ نیک مرام

(ماموریتی است «The Lawyers Collective Women's Rights Initiative "LCWRI" » «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» برای قدرت بخشیدن به زنان از طریق قانون. برنامه فوق بر این باور استوار شده است که می‌توان از قانون به عنوان ابزاری برای پیشبرد نظام حقوق اجتماعی زنان و حقوق مندرج در قانون اساسی استفاده کرد. این برنامه از زمان شروع در سال 1998، به شکل فعال با کلیه مدنی، تا رسیدن به های غیر دولتی و جامعه‌های پیگیر سازمان حقوقی در زمینه رسیدگی به حقوق زنان در ارتباط بوده است. با وجود تلاش شرایط ایده‌آل حقوقی زنان همچنان راه زیادی مانده است. حتی امروز زنان در اجتماع، دارای مقامی کم ارزش تر هستند. این مشکل خود را در انواع جدی نقض حقوق بشر مانند خشونت جنسی و خانگی، آزار جنسی در محل کار، خشونت جنسی بر اساس جنسیت و سقط جنین به دلیل دختر بودن کودک نشان می‌دهد. این موارد نقض حقوق بشر با اصل برابری زنان و مردان در تناقض هستند. این تبعیض همچنین در تمامی ابعاد و فضاها، اجتماعی، مانند بازار کار نیز دیده می‌شود. در غیاب یک شبکه حمایت اجتماعی دولتی و تضمین‌های کاری، زنان برای حمایت به مردان خانواده خود نیاز پیدا می‌کنند که خود این مسئله آنان را بیش از پیش در دام خشونت می‌اندازد. این در ارائه خدمات حقوقی به قربانیان «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» دهد. تجربه برنامه به جنبش زنان بازخورد های حقوقی می‌خسنت، آزار، تبعیض یا جرایم مبتنی بر جنسیت، به این برنامه نشان می‌دهد که بررسی عملکرد قوانین و شرایط اعمال آن قوانین را نیز باید مورد بررسی قرار داد. در این برنامه کار ما همواره تلاش برای یافتن اثر بخشی و ارتباط قوانین و نظام حقوقی، با هدف ارائه پیشنهادات مناسب برای استفاده بهتر از قوانین موجود، یا ابتکاراتی برای ایجاد قوانین جدید بوده است. تجربیات واقعی در زندگی زنان باید برای ارائه پیشنهادات تغییر قوانین در ذهن باشند. پیشنهادات این برنامه نه تنها برای حفظ برابری، که برای ایجاد فضایی صورت رسانی برای آگاهی «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های گیرد که در آن زنان توانمند شوند و قوانین قابل اجرا باشند. تلاش می‌حقوقی در مسیر کلی توانمندسازی زنان صورت می‌گیرد. فعالیت این برنامه در سال‌های اخیر بر موارد گوناگونی مانند خشونت خانگی، آزار جنسی در محل کار، تجاوز، آزادی‌های زنان برای تصمیم‌گیری در مورد زندگی جنسی خود، قاچاق زنان، خشونت از سوی بود که در سال 2005 «قانون حمایت زنان از خشونت خانگی» ترین فعالیت ما اجرای تمرکز داشته است. موفق ... بنیادگرایان مذهبی و به وقوع پیوست. این موفقیت نوید این را می‌دهد که در دوران جدیدی از قانون‌گذاری، درخواست قوانین و مفاد آن می‌توانند از سوی برنامه حقوق زنان وکلای» مدنی تبیین شوند و در روندی مشورتی برای رسیدن به اجماع به نتیجه برسد. این تجربه موفق برای جامعه دهد که روند نوشتن قانون دیگر تنها در دست دولت نیست و جامعه مدنی در آن نقش دارد. نشان می «اجتماعی

«برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» منطق به کار گرفته شده از سوی:

با هدف توانمند سازی زنان از طریق قوانین به وجود آمد. این برنامه بر این باور است که قانون «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» در قانون اساسی توان از آن برای پیشبرد حقوق اجتماعی زنان و حقوق پیش بینی شده‌تواند ابزاری برای تغییر اجتماعی باشد و می‌می استفاده کرد.

شناسایی مناطق تمرکز:

هایی برای پیگیری قضایی‌های سر تا سر کشور درخواست در ابتدای کار خود از سازمان «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» پرونده‌های مربوط به قاچاق زنان و کودکان، دادرسی در پرونده‌های تجاوز علیه سیاستمداران قدرتمند و ایجاد قوانینی برای ممنوع کردن انتخاب جنسیت کودک پیش از تولد دریافت کرد. هر یک از این مسائل نمونه‌ای هستند از نقض شدید حقوق بشر. پس تصمیم بر آن شد که فعالیت این برنامه در دو شاخه رسیدگی به پرونده‌های عمومی برای دستیابی به برابری زنان و پیگیری موارد معمولی، مورد توجه قرار

گیرد. در همان ابتدا، خشونت علیه زنان به عنوان یکی از بزرگترین موانع در برابر توانمندسازی زنان شناسایی شد. پس تصمیم بر آن شد که در کنار دنبال کردن مسائل معمول مورد توجه، تمرکز بر مبارزه با خشونت علیه زنان، بخصوص خشونت خانگی قرار گیرد. برخورد با پرونده‌های خشونت خانگی از دو سو اهمیت داشت. اول این که خشونت در خلوت خانه انجام می‌گیرد و مقامات توان شناسایی و پیگیری آن را ندارند. این مسئله خود را به عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع بر سر توانمندسازی زنان در اجتماع نشان داد. دوم این که این کار، وکلای جوان را در دادگاه ورزیده‌تر می‌نمود و به آنان توان شناسایی الگوهای خشونت علیه زنان و نوع تصمیم‌گیری زنان در این موارد را های فعالیت خود بوده است. عزم‌تمامی پیشنهادات این برنامه در تمامی سال داد. اطلاعات دست اول جمع‌آوری شده در این موارد پایه‌می‌ما برای به راه اندازی کمپین‌های موفق برای تغییر قوانین مدنی در این زمینه از طریق همین پرونده‌ها و خدمات به زنان در پرونده‌های خشونت خانگی قوت گرفت.

نگاه به مسائل از لنز برابری حقیقی:

توانیم مشکلات زنان را نگریم. از این رو ما می‌به تمامی موضوعات از لنز برابری و عدم تبعیض می‌«برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» در زمینه واقعی آن بینیم و راه‌حل‌های کلی ارائه دهیم.

خشونت خانگی نماد نابرابری در خانواده است. در نتیجه تنها جرم انگاری و پیگیری قضایی برای مبارزه با آن کافی **خشونت خانگی:** نیست. لازم است محیطی شکل گیرد که در آن زن بتواند قدرت یافته، حقوق خود را بگیرد و در صورت لزوم گام‌های حقوقی بردارد. پس باید به مسئله نابرابری در خانه و موانع رو در روی زنان برای برداشتن گام‌های حقوقی رسیدگی شود. با توجه به حمایت اندکی که زنان دریافت می‌نمایند احتمال این که زنی به دادگاه شکایت کند بسیار کم است، مگر این که تضمین‌های حداقلی مانند امکان زندگی در خانه خود در طول دادرسی به او داده شود. این مسئله بسیار متوجه جوامع مذهبی مختلف و زنانی است که اکنون در چارچوب قوانین مختلف مذهبی مربوط به ملک و حقوق زنشویی زندگی می‌کنند. حق ماندن زن در منزل که با کمپین حقوق مدنی ما درباره خشونت خانگی به تصویب رسید، تنها شامل مواردی می‌شود که در آن خشونت به کار گرفته شده باشد. برای رسیدن به برابری کامل میان زن و مرد، باید قوانین فردی مانند قوانین ازدواج و قوانین مالکیت مورد بررسی قرار گیرند.

قوانین فردی:

هایی برشناسد. این حق مطلق نیست و شامل محدودیت‌ای حق داشتن مذهب را به رسمیت می‌قانون اساسی هندوستان به شکل جداگانه اساس اخلاق عمومی و حقوق دیگران نیز می‌شود. بر اساس همین قانون حمایت از مذهب است که دادگاه عالی قوانین فردی تبعیض آمیز را لغو کرده است. از آنجایی که زندگی زنان بیشتر محدود به خانه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند، وجود چنین قوانین تبعیض آمیزی به صورت «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» مانع بزرگی در راه رسیدن به برابری واقعی است. برای رساندن زنان به برابری واقعی های اجتماعی به چالش گرفته است. موضع در این زمینه این‌دعای قضایی و ابتکارات در فعالیت مداوم نظام قوانین فردی را به وسیله است که اگرچه مذاهب جوامع باید مورد احترام قرار داشته باشند، این احترام نباید به قیمت نابرابری علیه زنان تمام شود.

آزار جنسی در محل کار:

برابری جنسیتی نه تنها در خانه، که در روابط زنان با دنیای بیرون نیز باید مورد حمایت قرار گیرد. حق داشتن محل کاری امن، پیش نیاز به «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های خارج از خانه است. به همین دلیل برقراری ارتباط از سوی زنان در اقتصاد و در فعالیت زنانی که با آزار جنسی در محل کار رو به رو هستند کمک حقوقی می‌کند. تجربیات ما در این کار منجر به جمع‌آوری مواد آموزشی حقوقی و پیش نویس قانون جامعی در مورد آزار جنسی شده است.

انتخاب جنسیت نوزاد و سقط جنین بر اساس جنسیت:

های مونث است. انتخاب جنسیت و سقط جنین با مثال دیگری در چارچوب ما برای مبارزه با تبعیض زنان، موضع ما در مورد سقط جنین هدف مشخص کردن جنس فرزند یکی از اصلی‌ترین دلایل بر هم خوردن توازن آماری میان زنان و مردان است. این قانون تلاش دارد ضمن غیر قانونی کردن سقط جنین بر اساس جنسیت، در میان گذاشتن جنسیت کودک با والدین در آزمایش‌های اولیه دوران بارداری را نیز ممنوع کند. روند اجرای قانون به این دلیل که زنان می‌توانند در چارچوب قوانین فعلی تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند پیچیده است. قوانین هندوستان حق زن برای سقط جنین را به رسمیت نمی‌شناسند، اما مکان‌های آزادتری وجود دارند که زنان بتوانند در آنجا سقط جنین کنند. پیچیدگی کار در آن است که حق سقط جنین برای زنان محفوظ بماند، اما در عین حال از سقط جنین بر اساس جنسیت کودک جلوگیری از این جلوگیری شود. آزادی زنان برای دسترسی به خدمات سقط جنین بر اساس حق داشتن حریم خصوصی برای زنان، اجازه نوع سقط جنین را می‌گیرد. در عمل اگر سقط جنین مسئله‌ای در حریم خصوصی زن تعریف شود، محدودیتی بر این حق نمی‌توان گذاشت. اما اگر حق دسترسی به سقط جنین در چارچوب برابری و با توجه به بار سنگینی که در دوران بارداری و بزرگ کردن کودک بر شانه زنان است تعریف شود، در آن صورت می‌توان برای این عمل محدودیت‌هایی قائل شد. بنابر این موضع ما این است که زن حق سقط جنین را برای برنامه ریزی زندگی خود، مثلاً این که در چه زمانی باید بچه دار شود و چند بچه می‌خواهد، داراست اما چنین حقی برای

رسیدن به هدف داشتن پسر و نه دختر صادق نیست. در نتیجه به نفع جامعه بزرگ تر، می‌توان موانعی بر سر حق سقط جنین قرار داد. کاهش تعداد زنان در اجتماع بر روی زنان به عنوان یک طبقه اجتماعی تاثیر خواهد داشت. این مسئله زاویه‌ای از منافع عمومی است که همواره با پیگرد «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» در محدود کردن حق دسترسی به سقط جنین باید مورد نظر قرار گیرد. با این وجود حقوقی زنانی که دست به این نوع از سقط جنین می‌زنند، در چارچوب قوانین فعلی و در اجرای قوانین فعلی مخالف بوده است. این واقعیت باید در نظر گرفته شود که تصمیماتی که زنان می‌گیرند در چارچوب جامعه‌ای مردسالار گرفته شده‌اند. تجربیات ما نشان می‌دهد که در مواردی خشونت علیه زنان، به دلیل به دنیا نیاوردن فرزند پسر شدت گرفته است. در مورد این گونه از سقط جنین کار قانون باید تنها ایجاد مقرراتی برای متخصصان و پزشکانی که در انجام چنین جرمی دخیل هستند باشد.

چارچوب برابری برای مسائل جنسی و حقوق مربوط به بچه دار شدن:

تمرکز ویژه ای بر مسائل جنسیتی و حقوق مربوط به بارداری دارد. «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» چارچوب پذیرفته شده از سوی این، لزوم بررسی مفهوم برابری و فعل و انفعال آن با مفهوم حقوق مربوط به بارداری را به وجود می‌آورد. مردان و زنان با توجه به به این معنا خواهد بود که زنان برای رسیدن به «شرایط مشابه» های بدنی با یکدیگر هم شکل نیستند؛ در نتیجه تبعیت از اصل تفاوت برابری با مردان باید شکل مردان را بگیرند. در نتیجه این اصل با تجربیات زندگی واقعی زنان به خصوص در مسائل مربوط به بچه‌دار شدن که به صورت بیولوژیکی تعریف شده است و نقش آنان در بزرگ کردن کودکان که به صورت اجتماعی تعریف شده است منطبق نخواهد بود. تولید مثل و نقش زنان در آن یکی از مهمترین دلایلی است که زنان را در موقعیت پایین تر در اجتماع قرار می‌دهد. دادن حق کنترل این بخش از زندگی به خود زن و ایجاد فضایی که زن در آن بتواند این کنترل را اعمال کند در تلاش زنان برای توانمندسازی و دسترسی به موقعیت‌های برابر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این موقعیت موجب می‌شود که حق تصمیم‌گیری در این موارد به دو دلیل به زن داده شود، نخست این که این مسئله زندگی زنان را تغییر می‌دهد و دوم این که در غیر این صورت مرد به کسی تبدیل می‌شود که زن باید از آن تقلید کند. برای رسیدن به هدف توانمندسازی زنان، چارچوب قانونی مشخص و قابل‌اجرای در این موارد باید وجود داشته باشد. مقدار زیادی از تجربه نابرابری که زنان به آن دچارند به این تفاوت جنسیتی و به نقش‌هایی بر می‌گردد که جامعه برای هر یک از دو های. تعریف نقش «جنسیت در فمینیسم همان نقشی را دارد که کار در مارکسیزم دارد» کاترین مکینون جنس مشخص کرده است. به قول جنسیتی با استاندارد قرار دادن مردان روابطی را به وجود می‌آورد که در آن مردان غالب و زنان مغلوبند. کار کردن در این چارچوب تنها هدف از این کار ایجاد نوعی طبقه بندی نیست که کاترین مکینون اند. باز به قول پاسخ دادن به استانداردهایی است که مردان معین کرده شرایط فعلی را به دام بیاندازد، هدف ایجاد قوانینی است برای مبارزه با نابرابری، با هدف تغییر دادن شرایط. شرایط زنان بر اساس واقعیات شکل می‌گیرند. تجربه کمبودهای اقتصادی، سنن، نقش‌های اجتماعی، خشونت جنسی و این که چه کسی حامل هویت در مورد توجه قرار گیرند. «از نظر جنسی بی طرف» خانواده است باید در بررسی و شکل دادن به قوانین مخصوص جنسیتی و اجرای قوانین گیرند. مثلاً مسئله خشونت در متن تجربیات واقعی زنان قرار می‌گیرد «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» موضوعات مورد توجه نباید به شکل مجزا مورد بررسی قرار گیرد بلکه باید در کنار وضعیت کلی زنان در اجتماع، مالکیت و تاثیرات سنتی، فرهنگی و دینی بر روی طبیعت حمایت‌های موجود و تصمیم‌گیری‌ها دیده شوند. به همین شکل، مسئله برابری در محیط کار نیز باید با در نظر گرفتن گزینه‌های کاری موجود، امنیت محیط کار، قدرت چانه زنی در چارچوب‌های معمول، گزینه‌های امنیت اجتماعی و وجود محل‌های کاری شوند. با این وجود ما نیاز به سایر قوانین محدود می‌«برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» حمایت‌کننده بررسی شود. فعالیت‌های انواع فعالیت‌های اجتماعی را احساس می‌کنیم و می‌دانیم که برای تبدیل برابری قانونی به برابری اجتماعی نیاز به همکاری با سایر گروه‌های اجتماعی داریم.

قدرت‌های ثابت شده:

بر قدرت اثبات شده خود در موارد زیر استوار است: «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی»

- سابقه ثابت شده در وکالت متعهدانه دو دهه اخیر
- وجود دانش حقوقی و در دسترس داشتن پرسنل حقوقی تعلیم دیده
- برخورد با قوه قضاییه، پلیس و مقامات پلیس، جامعه حقوقی، مقامات قانونی و دولت
- شبکه سازی با سازمان‌های غیر دولتی همکار و تجربه در تشکیل اتحادهای ملی و تبدیل مسائل، به مسائلی که کلیه جامعه به آن توجه دارند
- در دسترس بودن برای افراد و جوامع که به شکل مستقیم و غیر مستقیم می‌توانند به صورت فردی یا گروهی با ما ارتباط برقرار کنند

و به عنوان «وکلای اجتماعی» ها و با فعالیت در کنار در طول سال «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های اثبات شده این توانمندی «وکلای اجتماعی» اندازد به تاریخچه‌یکی از واحدهای آن به دست آمده است. بخش پایین نگاه کوتاهی می

سه بخش اصلی برنامه زنان از این قرارند:

کند. این بخش همچنین با این بخش خدمات حقوقی وسیع از جمله مشاوره و نظر کارشناسی ارائه می‌های حقوقی: بخش کمک 1.

هدف ایجاد تغییرات رو به جلو در قانون، گروه‌های مختلف را در دادگاه‌ها نمایندگی می‌کند. این بخش پیش نویس شکایت نامه‌ها را به در سایر موارد موکلان را برای ایراد B و 367 و A 304 نویسد و بر اساس بخش 498 های مدنی می‌نماید از موکلان در پرونده توضیحات در اداره پلیس یا در موارد جزایی در دادگاه آماده می‌کند. این بخش همچنین با هدف ایجاد سوابقی که به پیشبرد برابری زنان کمک کند برای شکایت در دادگاه‌های بالاتر پیش قدم می‌شود. این بخش برای دسترسی راحت‌تر موکلان به خدمات، به صورت تنگاتنگ با سازمان‌های غیر دولتی، موسسات خدماتی و ادارات دولتی مانند کمیسیون ملی زنان همکاری دارد.

اهداف:

1. رساندن خدمات به زنان قربانی خشونت خانگی یا آزار جنسی در محل کار، قربانیان تجاوز، کودک آزاری و تبعیض در موارد مربوط به ازدواج

2. ایراد شکایت در زمینه‌های پرونده‌های منافع عمومی برای بالا بردن استانداردهای اجرای حقوق بشر

3. ایجاد و شرکت در مکانیزم های قانونی با سازمان «های مردمی دادگاه» های منازعه جایگزین مانند 3.

4. مستندسازی تجربیات به دست آمده در طول دوران ارائه خدمات حقوقی

5. تسهیل گروه‌های حمایتی زنان برای زنان درگیر در یک دادرسی در هنگام تعقیب راه حل‌های حقوقی، تولید گزینه‌هایی برای گذران زندگی و ایجاد حمایت برای کمپین‌ها

از سال 1978 تعداد کثیری پرونده با منافع عمومی برای زنان، کودکان و نیروی مداخله فعال اجتماعی:ها با منافع عمومی پرونده های عمده این یکی از روش «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» ها از زمان آغاز به کار کار تضمین شده باز شده است. این نوع پرونده گیتا» توان به اند می‌های مدنی که از سوی این بخش انجام گرفته‌ها و دادخواهی‌اند. از میان این پرونده‌برنامه برای تغییر قوانین بوده سیهات، ماسوم و دکتر سابو جرج علیه اتهدادیه»، «دانیل لتیفی علیه اتهدادیه هندوستان»، «هارپهاران علیه بانک ذخیره هندوستان (اشاره کرد. Bar Girls) «بار گرلز» های و پرونده «مرکز مشاوره زنان انوشی علیه ایالت کرالا، هواپیمایی هندوستان»، «هندوستان

آل توان درک یکدیگر را دارند، با توجه به این که قربانیان و نجات یافتگان از خشونت خانگی به شکل ایده گروه نجات یافتگان: در بمبئی تشکیل گروهی برای این افراد را تسهیل کرد. هدف از تشکیل این گروه این است که این «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های اجتماعی حقوقی خود را اداره کند و در فعالیت «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» گروه بتواند به تنهایی و با کمک اندکی از آینده نیز فعال باشد.

و «کمیسیون زنان دهلی» تا امروز با همکاری «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های منازعه جایگزین: شرکت در مکانیزم (زده است. نتیجه این Lok Adalats) «های مردمی دادگاه» مقامات خدمات حقوقی ایالت دهلی دو بار با موفقیت دست به تشکیل ها توانسته اند توافق و آرامش را به شکلی عاجل برای پرداخت نقدی توافقی بسیار چشم گیر بوده است. این دادگاه 50% ها با دادگاه طرفین دعوا به بار آورند.

شناسد. بند 15 همین بندهای 25 و 26 قانون اساسی هندوستان حق بنیادی آزادی مذهبی را به رسمیت می‌قربانیان تعصبات مذهبی: قانون اساسی تبعیض بر پایه دین، نژاد، طبقه، جنسیت و محل تولد را ممنوع می‌کند. با وجود این تضمین‌ها، گاه‌ها بافت سکولار این کشور از هم گسسته می‌شود. شورش‌های ضد سیک سال 1984 و قتل‌های ضد مسلمان 2002 نمونه‌های بارز خشونت گروهی هستند که رفتار دولت در قالب پذیرفتن و نپذیرفتن گروه‌ها به آن دامن می‌زند. زنان بار سنگین تر این خشونت‌ها را چه در زمان ارتکاب و چه در پیامدهای آن تحمل می‌کنند. تجاوزها به زنان مسلمان در گوجرات نشان می‌دهد که زنان چگونه به عنوان حامل کننده هویت و غیرت گروه‌ها مورد هدف قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که این گونه خشونت مضاف بر خشونت‌های بر اساس جنسیت مخصوص مجامع مذهبی و قومی خود زنان رخ می‌دهد. کشتارهای سال 2002 در گوجرات سازمان‌های مختلف را بر آن داشت تا در زمینه حقوق بشر به صورت هایی از وکلای خودتیم «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های سال 2002 هماهنگ به قربانیان کمک کنند. بلافاصله پس از شورش به صورت «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» را به گوجرات فرستاد تا از قربانیان حمایت حقوقی به عمل آورند. از آن زمان تا کنون برنامه حقوق زنان» های آنان به عدالت دست یابد. مداوم تلاش کرده است که با نشان دادن مسئولیت مقامات ایالت گوجرات و کم کاری های زیر نیز پرداخته است: در این زمینه به فعالیت «وکلای اجتماعی

- نظارت بر دادرسی‌ها در دادگاه‌های مختلف
- تسهیل تشکیل شبکه‌های وکلا و دادیاران برای حمایت مناسب تر از زنان در دادگاه.
- آموزش دادیاران برای فعالیت‌هایی که در بالا به آن اشاره شد
- تهیه پایگاه نگهداری اسناد و مواد مربوط به کشتار گوجرات و دادرسی‌های پس از آن

های اجتماعی رابط بین تحقیقات دانشگاهی و فعالیت «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» 2. بخش تحقیق و مستندسازی موارد: بر این باور استوار شده است که جستجوی دانش باید فعالیتی مربوط به «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» است. بخش تحقیق فعالیت‌های اجتماعی باشد. این بخش از دعاوی حقوقی و مهارت سازی حمایت می‌کند و فعالیت‌های اجتماعی را با تحقیقات بر پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها تغذیه می‌کند. این بخش در کنار مستندسازی، قوانین و اعمال ملی در مورد حقوق بشر و زنان را با قوانین و اعمال بین‌المللی تطبیق می‌دهد. این بخش با سازمان‌هایی که فعالیت‌های مشابه دارند همکاری نزدیک دارد و اطلاعات حقوقی را به کند. این بخش دارای مرکز مستندسازی ظرفیت سازی درون سازمانی است که مطالب خود را منتشر می‌کند شکلی قابل درک منتشر می‌ و دستورکارهایی حقوقی را در مورد قوانین مربوط به جنسیت که در فعالیت‌های مختلف مخصوص حقوق بشر و زنان قابل استفاده باشد تولید می‌کند. پروژه‌های تحقیقی و نظرسنجی‌های ما به دلیل دقت علمی، پیشنهادات در سطح سیاست‌گذاری و دیدگاه عملی خود مورد توجه قرار گرفته‌اند.

اهداف:

1. اجرای تحقیقات عمل‌گرا در زمینه حقوق بشر و تلاش برای قدرتمند کردن قوانین مناسب فعلی و پیشنهاد وضع قوانین بیشتر با هدف رسیدن به برابری بر اساس قانون اساسی
2. ترویج روش‌های چند رشته‌ای در تحقیقات مربوط به حقوق بشر و به خصوص حقوق زنان
3. انجام تحقیقات حقوقی و مستند سازی در کنار مطابقت دادن قوانین و اعمال ملی با قوانین و اعمال بین‌المللی در مورد زنان و حقوق بشر
4. مستندسازی و مطابقت دادن متون، از جمله تحقیقات، روند کار پارلمانی و گزارشات کمیسیون حقوقی در مورد قوانین مربوط به زنان و سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده
5. انجام تحقیقات تجربی در مورد چگونگی اعمال قوانین و تاثیر آن بر زندگی زنان
6. اجرای ماموریت‌های تحقیقاتی و حقیقت‌یابی برای استفاده در دادرسی
7. آماده سازی مقالات حاوی نظر سازمان، لیست‌های اطلاعات واقعی و پیش زمینه جنبه‌های مختلف قوانین در مورد تبعیض علیه زنان
8. نگهداری مرکز اسناد حاوی قوانین، مطالعات، گزارشات و پرونده‌های حقوق بشری، حقوق زنان، قانون اساسی، حقوق کارگری، حقوق مربوط به محیط زیست، قوانین بین‌المللی و تمامی مواردی که به عدالت اجتماعی مربوط می‌شوند
9. برنامه حقوق زنان وکلای» های برای تشخیص روند خشونت و مستندسازی فعالیت «بخش حمایت حقوقی» 9. بررسی تجربیات به صورت منظم «اجتماعی
10. هاهای در حال پیگیری در دادگاه‌ها با تحقیق بر روی پرونده «بخش حمایت حقوقی» 10. حمایت از فعالیت
11. حمایت از فعالیت فعالان اجتماعی و ظرفیت سازی از طریق تهیه منابع مورد نیاز
12. تهیه یک پایگاه تحقیقاتی که بتواند در راه رسیدن به هدف برابری بر اساس قانون اساسی چانه زنی کند
13. تشویق نگاهی همه جانبه به مسائل زنان با در نظر گرفتن تاثیرات اجتماع، توسعه، قوانین، اقتصاد و غیره
14. به روز رسانی دائم در مورد مسائل روز و انتشار بیانیه‌های مطبوعاتی

ها، ادارات پلیس، جمع‌های متعدد آموزش حقوقی در مدارس، دانشگاه‌این سازمان کارگاه 3. بخش فعالیت حقوق بشری و آموزش: کند. برای آگاهی رسانی درباره نیاز به تغییر قوانین قانون‌گذاران و در سطح اجتماع برای حساس کردن زنان نسبت به حقوقشان برگزار می‌ یا وضع قوانین جدید برای حمایت از حقوق زنان به طور کلی ابداعاتی صورت گرفته است. این فعالیت با مشاوره با سازمان‌های غیر دولتی متعدد که در این زمینه فعال هستند انجام می‌گیرد. در طول سالیان، این بخش کارگاه‌های مشورتی برگزار کرده و در کمیته‌های کارشناسی توانمندسازی زنان شرکت کرده است. این بخش همچنان کارگاه‌ها و سمینارهایی را در زمینه آگاهی رسانی در مورد جنسیت و قوانین برگزار کرده است.

اهداف:

1. اجماع سازی در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی

2. تشکیل شبکه‌ای از افراد و سازمان‌ها در سطح بین‌المللی برای پیشرفت دادن حقوق بشر در هندوستان و حمایت از این گونه وکالت در دادگاه‌ها

3. رهبری کمپین‌های ملی برای ترویج و اجرای قوانین حقوق بشری

4. ارتباط با دولت‌های ایالتی برای پیشنهاد قوانین جدید

5. ایجاد یک جامعه با سایر اعضای جامعه مدنی برای تقویت دسترسی به عدالت

، پیش نویس قانون حمایت از زنان در برابر «حمایت زنان از خشونت خانگی» 6. نظارت بر تحولات حقوقی و اجرای قوانین ویژه مانند آزار در محل کار، پیشنهادات ارائه شده برای افزودن به قوانین مربوط به تهاجم جنسی، حقوق زنان در موارد بارداری و بیجه دار شدن، قاچاق و غیره

7. فعالیت برای ایجاد زاویه دید جنسی در اعمال قوانین

8. ارائه خدمات تکنیکی به سایر جنبش‌های حقوق بشری و کمپین‌ها

9. تشویق افراد برای استفاده از قانون به عنوان ابزاری برای قدرتمندسازی

10. آموزش حقوقی به ادارات پلیس، سازمان‌های غیر دولتی، سیاست‌گذاران و سایرین برای استفاده از قانون با نگاهی حقوق بشری

11. فعالیت برای افزودن حقوق بشر به سایر رشته‌های تحصیلی مانند پزشکی و اقتصاد

بر بررسی «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» برای رسیدن به هدف کلی قدرتمندسازی زنان و برابری حقیقی، تمرکز 1. **روش کار:** ها در در مورد تجربیات دادرسی «وکلای اجتماعی» تاثیرگذاری قوانین و پیشنهاد استفاده بهتر از آنان است. برای رسیدن به این هدف بیشتر با هدف آگاهی «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» های حمایتی کند. فعالیت‌سایه تحقیقات عمل گرا اطلاعات دریافت می برنامه» گیرد.ها برای رسیدن به روشی چند ابزاری برای اجرای قانون صورت می‌رسانی حقوقی، ایجاد توافق و ارتباط با سایر سازمان های حقوقی دهد. مداخله در سطح خرد شامل حمایت‌مسائل را در سطوح خرد و کلان مورد توجه قرار می «حقوق زنان وکلای اجتماعی از قربانیان خشونت با مشاوره حقوقی، وکالت و تسهیل دسترسی به سایر سازمان‌ها می‌شود. در سطح کلان تلاش‌ها به سوی ایجاد توافقات، پیگیری پرونده‌های فعالیت مدنی با هدف ایجاد سابقه، ارتباط با دولت و تشویق دولت به اجرای قوانین با استانداردهای تلاش ندارد «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» هاهای خرد در سایر کشورها متوجه است. در تمامی این فعالیت‌المللی و فعالیت‌بین که سازمان‌های دولتی را از اعمال قانون باز دارد. تلاش ما برای مسئول نگه داشتن مقامات ایالتی و پیشنهاد استراتژی‌هایی که برای رسیدن شود. این اجزاء به‌به سه جزء تقسیم می «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» به هدف عدالت جنسیتی کاربرد دارند است. بنابر این کار شکل هم زمان و متحد کار می‌کنند، به شکلی که کار هر جزء مکمل کار سایرین است. سه جزء بر این قرارند؛ مداخله حقوقی، فعالیت در دفاع از زنان در «حمایت حقوقی» بخش ای که در پایین تشریح شده است. تجربه حقوق بشری و ظرفیت سازی، و مستندسازی به گونه دادگاه‌ها پایه‌ای می‌سازد که این برنامه بر پایه آن می‌تواند به فعالیت، تحقیق و شناسایی اهداف و راهکارها بپردازد. در سطوح دادگاه‌های بالاتر و دادگاه عالی، این سازمان دست به فعالیت حقوق بشری از موضع قضات می‌زند تا بتواند تغییرات لازم را در قانون به وجود آورد. به تحقیقات و اطلاعات حاصل از بخش تحقیق و مستندسازی تکیه دارد. این «حمایت حقوقی» برای انجام درست این کار، بخش مطالعات شامل تحقیقات تجربی، تحلیل پرونده‌ها، مستندسازی کامل قوانین، گزارشات و انتشارات می‌شود. دو جزء فعالیت حقوق بشری و ظرفیت سازی با تمرکز بر تغییر قوانین و انتشار اطلاعات مرتبط از طریق آموزش و کارگاه‌های آگاهی‌رسانی حقوقی، به بخش حمایت حقوقی کمک می‌رسانند. هدف کلی ایجاد فضایی است که در آن فعالیت حقوق بشری، تحقیق، مددکاری و تئوری به یکدیگر برای بر پایه این باور «برنامه حقوق زنان وکلای اجتماعی» ای عادل تر یاری برسانند. مدل کاری مورد استفاده رسیدن به هدف رسیدن به جامعه شکل گرفته است که برای موثر بودن، جنبش زنان باید هم زمان در سطوح متعدد فعالیت کند و مسائل و افراد ذی نفع بیشتری را هدف قرار دهد.

«وکلای اجتماعی» منبع: سایت

آیا قتل‌های ناموسی تنها نوعی از خشونت خانگی هستند؟



عکس: Middle east Forum

فیلیس چسلر نوشته:

ترجمه: فرخ نیک‌مرام

به پلیس اطلاع داد که سرزنش را بریده است. حسن 30 سال پیش به ایالات متحده مهاجرت «موزامی حسن» در روز 12 فوریه 2009 (ها) را تاسیس نمود. این شبکه بر اساس آنچه در (پل «بریجز» کرده بود و پس از دوره کاری موفق در صنعت بانکداری، شبکه تلویزیونی فرانک سدیتای «ها و جوامع مختلف ارائه دهد. دادستانی محلی شهر اری، سایت خود نوشته است تلاش دارد درک بیشتری از فرهنگ شورای روابط عمومی مسلمانان غرب» رئیس «خلید قاضی» گفته بود که این بدترین نوع خشونت خانگی است. «بوفالو نیوز» به «سوم گویند که‌های حمایت از مسلمانان می‌داند. گروه‌گفت که اسلام خشونت خانگی این چنین را مجاز نمی «نیویورک پست» به «نیویورک ها موارد خشونت خانگی هستند، دهد در حالی که این‌اساسا واژه اشتباهی است که مسلمانان را هدف قرار می «قتل ناموسی» اصطلاح که اخیرا 50 مورد قتل ناموسی در آمریکای شمالی را مورد بررسی قرار داده «فیلیس چسلر» مشکلی که هیچ ارتباطی با دین ندارد. اما (ویرایشگران) است با این حرف مخالف است.

تگزاس به وسیله پدرشان یاسر به «اروینگ» در شهر خود در سال 2008 در خانه «سارا» 18 ساله و خواهر 17 ساله «امینه سعید» دخترانش ناراضی بود و در ارتکاب قتل از همسرش، مادر دختران نیز کمک دریافت «غربی شدن» ضرب گلوله به قتل رسیدند. سعید از کرده بود. قربانیان قتل‌های ناموسی معمولا دختران نوجوان یا زنان جوان هستند. به عکس خشونت خانگی، تعدادی از اعضای خانواده در ارتکاب قتل ناموسی همکاری دارند.

وقتی شوهری زن خود یا دخترانش را در آمریکای شمالی به قتل می‌رساند، پلیس معمولا این حرکت را به خشونت خانگی نسبت می‌دهد. قتل، قتل است، ربطی به دین ندارد. با این وجود قتل‌های ناموسی با ضرب و شتم همسر یا آزار کودکان متفاوت است. مطالعه 50 مورد قتل ناموسی» های هواداران مسلمانان که‌های جدی دارد. ادعای گروه‌دهد که این مسئله با خشونت خانگی تفاوت گزارش شده نشان می‌درست نیست. «هیچ ارتباطی به اسلام ندارد و متفاوت دانستن این مسئله با خشونت خانگی، تبعیض علیه مسلمانان است

پیش زمینه و انکار

سر، صورت یا کنند:زند در صورتی که دخترانشان این کارها را انجام دهند آنان را تهدید می‌هایی که دست به قتل ناموسی می‌خانواده بدنشان را نپوشانند یا مانند خدمتکاران خانه آرایش کنند یا لباس‌های غربی بپوشند، دوستانی از دین‌های دیگر بیابند یا دوست پسر پیدا ای را نپذیرند، بخواهند از شوهر خشن خود طلاق بگیرند، بدون تاییدشده کنند، بخواهند در مدارج بالا تحصیل کنند، ازدواج تعیین یا آید، که ممکن است از رانندگی گرفته تا وقت گذراندن‌والدین ازدواج کنند یا رفتارهایی کنند که بیش از اندازه مستقل به نظر می‌زندگی کردن دور از خانواده باشد. بنیادگرایان ممکن است از زنانشان انتظار داشته باشند که از پاره‌ای، نه تمامی این موارد خودداری کنند. وقتی دختری بر خلاف اعتقاد خانواده رفتار کرد، یهودیان، مسیحیان یا بودایی‌ها آنان را از خود می‌رانند، ولی نمی‌کشند. با این وجود مسلمانان، و تا حد کمتری هندوها و سیک‌ها، برای ناموس دست به قتل می‌زنند.

خانواده خود هستند. این زند که سالانه 5000 زن در جهان قربانی قتل ناموسی توسط تخمین می «صندوق جمعیت سازمان ملل متحد»

نویسد، که در این مورد زیاد می «اسلام آنلاین» خبرنگار وبسایت اسلامی «آمیر لطیف» رقم ممکن است پایین تر از رقم واقعی باشد. که «اورات» گزارش داده است که در سال 2007 ایالت پنجاب پاکستان به تنهایی شاهد 1261 مورد قتل ناموسی بوده است. سازمان یک سازمان غیر دولتی پاکستانی با هدف توانمندسازی زنان است تخمین می‌زند که با این روند رشد، تا سال 2008 صدها مورد قتل به تاریخ مقاله توجه فرمائید.» ناموسی در این کشور صورت می‌گیرد. (خانه امن: لطفاً

مطالعات بر روی قتل‌های ناموسی بسیار اندک هستند، با این وجود چون هدف از این قتل‌ها پاک کردن لکه ننگ از دامان خانواده است و افراد خانواده نمی‌خواهند توجه بیشتری به این ننگ بشود، با محققان همکاری نمی‌کنند. در بسیاری از موارد قتل ناموسی را به کلی ها را به‌توجه رسانه گویند که فرد گم شده یا دست به خودکشی زده است. با این حال جرائم ناموسی بیشتر و بیشتر شوند و می‌منکر می خود جلب کرده است. پلیس، سیاست مداران و فعالان فمینیست در اروپا و پاره‌ای کشورهای اسلامی شروع به جدی گرفتن این مشکل، به اند. کرده اجتماعی عنوان یک معضل

با این وجود، تمایل برای بررسی قتل‌های ناموسی در بسیاری از سازمان‌های هوادار مسلمانان در آمریکای شمالی به چشم نمی‌خورد. با توجه به گفتگویی که در خاورمیانه به راه افتاده است، انکار این گروه‌ها در آمریکا، که به خوبی نیز منتشر شده است جالب به نظر می‌رسد. سازمان‌های مذهبی اردن بیان کرده‌اند که قتل‌های ناموسی یکی از سنن باز مانده از دوران پیش از اسلام در فرهنگ اعراب بوده است، اما مخالفند و بر حفظ ناموس خانواده تاکید دارند. عقیده در اردن با این «المسلمین‌اخوان» های وابسته به‌سازمان

گوید که به گفته روانشناسی در غزه، فرهنگ قتل ناموسی به گونه ای می «موسسه تحقیقات خاورمیانه» یکی از محققان «یوتام فلدنر» . در نتیجه نرمش «شرم را با خون نشوید، یک بزدل است و لیاقت زنده بودن ندارد و کمتر از سایر مردان است» است که اگر مرد نظام قضایی اردن در مورد قتل‌های ناموسی نباید موجب تعجب کسی شود. اگرچه قتل ناموسی ممکن است یک سنت دوران بت پرستی ای از مفتیان اردنی حتی تا جایی پاره: «فلدنر» پیش از اسلام باشد، تعریف اسلام گرایان از دین اسلام بر ساین برتری دارد. به گفته «داند.های یک مرد در اسلام می‌پیش رفته اند که جرایم ناموسی را واجب شرعی بر خاسته از ارزش

با همه این‌ها سازمان‌های فعال حقوق مسلمانان در آمریکای شمالی ادعا می‌کنند که قتل‌های ناموسی هیچ ارتباطی با اسلام یا مسلمین کند. با وجود آن که رفتار مسلمانان را علامت دار می «قتل ناموسی» ندارند و خشونت خانگی در میان تمامی ادیان وجود دارد و واژه که SoundVision.com ها پوشش یافت، سایت مسلمانان با ساین متفاوت نیست. مثلاً در پاسخ به یک مورد قتل ناموسی که در رسانه یک سایت اطلاعات اسلامی است مقاله‌ای نوشت که در آن گفته شده بود در همان ماه سه زن در شیکاگو کشته شده بودند. این زن‌ها اسلام مسئول کشته شدن زنان مسلمان نیست، همانگونه که مسیحیت مسئول کشته» سفید، سیاه، اسپانیایی تبار و از خاور دور بوده اند. «شدن سایر زنان نیست.

«مسلمان آمریکایی» در «شیلا موساجی» به دست پدرش در تورنتو، به جرم بی حجابی، «اقصی پرویز» قتل در سال 2007 پس از های به اصطلاح ناموسی فقط یک مشکل اگرچه این حتما یک مورد خشونت خانگی است، قتل» (نوشت: American Muslim) «اسلامی نیستند و ناموس نیز اینجا در کار نیست.

خواهم کسی فکر کند که این مسئله من نمی» نیز این مسئله را کوچک انگاشت و گفت: «کنگره اسلامی کانادا» از «محمد المصری» «نوجوانان است. مسلمانان و مهاجران است، این مسئله

به دست پدرش در آتلانتا به دلیل این که «کندیلا صندل» به واقع انکار این مسئله بسیار شایع است. در سال 2008 پس از کشته شدن بیشتر جوامع آسیای جنوبی در» ها گفت: نایب رئیس مسائل چند فرهنگی دانشگاه کلمبیا به رسانه «ای جی نیر» خواست طلاق بگیرد، می آمریکا روابط بسیار خوبی در خانه دارند. این مسئله در جوامع آسیای جنوبی شایع نیست. مشکل به نظر من خشونت خانگی است که در «تمامی جوامع وجود دارد.

اف بی () با وجود این که CAIR) «شورای روابط آمریکایی اسلامی» ، مدیر اجرایی شعبه دالاس «مصطفی کارول» در اکتبر سال 2008 تا زمانی که» و گفت های اتفاق افتاده در دالاس نفی کرد نامیده بود، هرگونه رابطه با اسلام را در مورد قتل «قتل ناموسی» آن را «آی فرهنگ یا خشونت خانگی ... انگیزه در دادگاه مشخص نشود این تنها یک قتل است. ما مسلمانان شوهران غیرتی و حسود نداریم. «اسلامی نیست.

اما مطالعات موردی چیز دیگری را نشان می‌دهند.

خشونت خانگی در برابر قتل ناموسی

خشونت خانگی در آمریکا مشکلی جدی است. بین 1989 و 2004، تعداد 21124 زن به دست زوج خود کشته شده و 8997 مرد قربانی خشونت خانگی شدند. با توجه به این که وزارت دادگستری آمریکا در این پرونده‌ها سن، دین، قومیت و شرایط مهاجرت افراد را اند.ها ناموسی بوده‌چه تعداد از این قتل توان فهمید کند، نمی‌ثبت نمی

قتل به خواست خانواده» کند: را اینگونه تعریف می «قتل ناموسی» ، یک مردم شناس اجتماعی و استاد دانشگاه اوسلو، «اونی ویکان» برای بازگرداندن ناموس خود، پس از از بین رفتن آن. قاعده این است که همه چیز از شایعه‌ای شروع می‌شود که یکی از اعضای خانواده دهند، های ناموسی در آمریکا و کانادا اقلیت قتل در خشونت خانگی را تشکیل می. اگرچه قتل «دست به رفتاری غیر اخلاقی زده است اگرچه مهاجران 14 درصد» ای در ایالت ماساچوست در سال 2008 یافت که کاملاً متفاوت هستند. (جدول شماره 1) مطالعه یک پدیده «اند. دهند، مسئول 26 درصد از 180 قتل خانگی بین 1997 و 2006 بوده کل جمعیت ایالت را تشکیل می

گیرند موافق است. اوبا این که مهاجران متعصب زنان خود را به شدت زیر نظر می «سندرم زن کتک خورده» نویسنده «نور واکر» تفاوت میان رابطه قربانی و قاتل در قتل ناموسی و «واکر». «شودبا توجه به قوانین سخت، دلیل برای کشتنشان زیاد پیدا می» گوید: می خشونت خانگی را تایید می کند:

در خشونت خانگی که در میان غربیان صورت می‌گیرد زیاد اتفاق نمی‌افتد که برادر خواهرش را بکشد یا پسر عمو دختر عمویش را. و با وجود کودک آزاری و احتمال این که پدر کودک یا نوزادان را به قتل برساند، پدرانی که دختران نوجوان خود را بکشند بسیار کمیاب هستند.

عنوان کرد که احتمال این که مردان غربی پسران کوچک را بکشند بیشتر است تا دختران را. «واکر» های دیگری نیز وجود دارند. تفاوت «سندرم کودک تکان داده شده» کشند و مردان نیز ممکن است از طریق گاهی زنان با افسردگی پس از زایمان کودکانشان را می «آورد که برادر، پسر عمو یا سایر اعضای خانواده در ارتکاب قتل به این افراد کمک رسانده. اما او موردی را به یاد نمی «کودک را بکشند «افتد. گاهی ممکن است کسی از اعضای خانواده در هنگام قتل در خانه باشد ولی به تجربه من، آن هم بسیار کم اتفاق می» باشند.

رسانه‌ها شماری از قتل‌های ناموسی را در ایالات متحده، کانادا و اروپا گزارش کرده‌اند. این گزارشات نشان می‌دهد که این جرم از سوی یک مسلمان بر روی یک مسلمان دیگر اتفاق می‌افتد. (جدول 2 و 3) قربانیان معمولاً دختران نوجوان یا زنان جوانند. همسران نیز قربانی می‌شوند ولی با آماری کمتر. و به عکس اغلب قتل‌ها طی خشونت خانگی در غرب، این قتل‌ها با برنامه ریزی دقیق انجام می‌گیرند. شده یا زیاد از خانواده ممکن است برای مدتی این دختران و زنان را تهدید کنند که اگر با بی حجابی، سر باز زدن از یک ازدواج تعیین حد غربی شدن؛ ناموس خانواده را به خطر بیندازند کشته خواهند شد. مهمترین نکته این است که تنها در قتل‌های ناموسی چندین فرد از خانواده و فامیل دست دارند. پدر، مادر، برادر، پسر عمو یا عمه، دایی و عمو و گاهی حتی پدر بزرگ‌ها دست به قتل می‌زنند، اما مادران و خواهران تنها در قانع کردن آنان نقش دارند. پاره‌ای از مادران ممکن است به صورت فعال در این قتل‌ها مشارکت داشته باشند. مثلاً این مادران ممکن است در به دام انداختن دختر نقش بیافرینند. در بعضی موارد رانندگان تاکسی، همسایه‌ها یا اعضای مسجد از فرار دختر مورد هدف جلوگیری می‌کنند، محل اختفای او را به خانواده گزارش می‌دهند و پس از آن برای ایجاد اشکال در تحقیقات پلیس همکاری کمتر استفاده شود که در صورت دستگیری، مدت زندانی آنها کنند. برای انجام قتل ممکن است از افراد زیر سن قانونی یا افراد مسن ترمی باشد.

شوند.زند طرد می‌را کتک می خود شود، حتی از سوی مرتکبان جرم. در غرب مردانی که زنان خشونت خانگی معمولاً تشویق و تایید نمی یکی از بزرگترین تفاوت‌های خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی در همین جاست. مسلمانانی که قتل ناموسی را انجام می‌دهند یا در آن دست دارند، کار خود را قهرمانانه و یا انجام وظیفه شرعی خود می‌دانند. تحقیقی در زندان‌های ترکیه نشان داده است که از سوی اجتماع کند که هیچ ارتباطی بین ادعا می «اسلامی-شورای روابط آمریکایی» شود. با وجود این که متوجه قاتل ناموسی نمی هیچ گونه بدنامی اسلام و قتل‌های ناموسی وجود ندارد، همچنان روحانیون بسیاری هستند که تنبیه کردن زنی که فرمانبردار نیست را آموزش می‌دهند. روحانیون اندکی قتل‌های ناموسی را به عنوان عملی غیر اسلامی محکوم می‌کنند. قتل ناموسی کسی را بدنام نمی‌کند.

های ناموسی و خشونت خانگی ها میان قتل تفاوت

قتل ناموسی

- معمولاً از سوی مسلمانان علیه زنان جوان یا دختران مسلمان صورت می‌گیرد.
- معمولاً از سوی پدر بر روی دختران و زنان جوان صورت می‌گیرد. همسران و دختران با سنین بالاتر نیز ممکن است قربانی شوند ولی آمار آن پایین تر است.
- با دقت برنامه ریزی شده اند. تهدید به قتل معمولاً به عنوان وسیله کنترل استفاده می‌شود.
- افراد زیادی در خانواده مانند مادر، پدر، برادر، پسر عمو و عمه، دایی، پدر بزرگ یا دیگران در برنامه ریزی و اجرای آن نقش کردند تا او را پیدا کنند و بکشند. اقوام به دنبال او می‌دارند. اگر دختر فرار کند، خانواده شده است. «بی ناموسی» دلیل این قتل این است که آن زن یا دختر موجب دست کم در نیمی از مواقع این قتل‌ها به صورت وحشیانه انجام می‌گیرند. قربانی ممکن است مورد تجاوز قرار بگیرد، زنده به آتش کشیده شود، سنگسار شود یا زیر کتک بمیرد، گلویش بریده شود، اندامش تکه تکه شود، مورد ضربات متعدد چاقو قرار گیرد، به ...آهستگی خفه شود و

- اقوام و جامعه برای قتل ناموسی ارزش قائل می‌شوند. آنان قاتل را در نام اسلام محکوم نمی‌کنند. معمولاً قتل‌های ناموسی به عنوان اعمال قاعده و قانون دیده می‌شوند.
- قاتل یا قاتلان ابراز پشیمانی نمی‌کنند. بر عکس، خود را قربانی می‌دانند که تلاش کرده اند از خود و خانواده در برابر بی ناموسی دختر دفاع کنند.

خشونت خانگی

- مردان با مذاهب مختلف آن را علیه زنان بزرگسال انجام می‌دهند.
- از سوی یک همسر مرد بر روی یک همسر یا زوج عاطفی صورت می‌گیرد.
- قتل معمولاً بدون برنامه و تصادفی صورت می‌گیرد.
- گیرد. از سوی خانواده صورت می‌گیرد. قتل به وسیله یک مرد و بودن هیچ همکاری کند. دلایل از پختن غذای بد گرفته تا خیانت زن به مرد، تلاش زن برای دفاع از خانواده را مطرح نمی‌کنند «ناموس» قاتل مفهومی به عنوان کودکانه در برابر خشونت مرد یا شکایت زن به مقامات می‌توانند متفاوت باشند.
- اگرچه گاهی زنان ممکن است زنی زیر کتک کشته شود، در این نوع قتل، قاتل معمولاً به ضرب گلوله یا ضربه چاقو زن را به قتل می‌رساند.
- قاتل به عنوان یک مجرم دیده می‌شود و هیچ کس از او به عنوان یک قهرمان دفاع نمی‌کند. این مردان به عنوان ضد جامعه، بیمار روانی یا فردی شیطانی دیده می‌شوند.
- گاهی این مردان ابراز ندامت و پشیمانی می‌کنند.

های ناموسی در ایالات متحده، موفق یا ناموفق قتل

نام قربانی و سن، سال و مکان، نام و اصلیت مهاجم، انگیزه و روش:

باختری از کرانه / ، پدر و مادر و با تشویق خواهران ماریا و زین عیسی - 1989 در سن لوئیس ایالت میزوری - ، 16 ساله فلسطینا عیسی به عنوان «ابو ندال» و سر باز زدن از سفر با پدرش که عضو گروه تروریستی فلسطینی «زیاده از حد آمریکایی شده» - مسلمان / رود اردن 13 بار از سوی پدر مورد ضربات چاقو قرار گرفته بود، در حالی که مادر او را روی زمین نگه داشته بود - رد گم کردن.

از - مسلمان / باختری رود اردن از کرانه / ها، پسر عموموسی صالح، یزن دایم - 1999 در کیولند ایالت اوهایو - ، 22 ساله مثال دایم ازدواج با پسر عمومیش سر باز زده بود، به دانشگاه رفته، به دنبال شغل مستقل به عنوان معلم دبستان می‌گشت، با ماشین خودش رانندگی دو پسر عمو به او شلیک کردند و او با ریختن خون خود در گلویش - کرد، زیاده از حد مستقل بود و به فرهنگ خود پشت کرده بود. می‌خفه شد.

تلاش - مسلمان / پاکستان / ، همسر متارکه کرده نواز احمد - 1999 در سنت کلرزویل ایالت اوهایو - 39 ساله لوبانیه باتیه احمد، گلولی بریده؛ علاوه بر آن گلولی پدر، خواهر و کودک خردسال خواهر او نیز بریده شده بود. - داشت طلاق بگیرد

پدر شک کرده - مسلمان / مکان نامعلوم / ، مادر خوانده کنیز فاطمه ، پدر و محمد خان - 1999 در تورنتو، کانادا - ، 5 ساله فرح خان پدر و مادر خوانده گلولی او را بریدند و بدنش را تکه تکه کردند. - بود که کودک از مرد دیگری است

گروهی از مردان استخدام شده توسط مالکیات کاتور، مادر و سورجیت - 2000 در پاکستان - ، 25 ساله کاتور «جاسی» جاویندر ای انسان آن را بر خلاف نظر خانواده ثروتمند خود با یک مرد فقیر که ریکشاو (کالسکه - سیک / پاکستان / کانادا / سینگ بداشا، دایی آدمربایی و بریدن گلو - راند ازدواج کرده بود. کشت) می‌می

انگیزه مشخص نیست، اما برای - سیک / پاکستان / محمد حارون، شوهر - 2000 در شیکاگو، ایالت ایلینوی - ، 33 ساله شهیره سعید زنده به آتش کشیده شد. - اند کرده چندین ماه با یکدیگر دعوا می

همسر از - مسلمان / گویانا (همسر هندو) / علیم حسن، شوهر - 2002 در جرزی سیتی، ایالت نیوجرسی - ، 29 ساله مارلین حسن شوهر که یک مکانیک بود با چاقو زن (و دو قلوهایی که در شکم داشت)، مادر و خواهر زن را زد - گراییدمذهب هندو به اسلام نمی

پدر - سیک / هندوستان شرقی / ، پدر راجیندر سینگ اتوال - ، کانادا «بریتیش کلمبیا» 2003 در - ، 17 ساله آماندپ سینگ اتوال پدر با 11 ضربه چاقو او را از پا در آورد. - پایان دهد. تاد مک آیزرک تلاش داشت رابطه دخترش را با دوست غیر سیک خود،

زن از سوی برادر مرد - مسلمان / ترکیه / ، شوهر اسماعیل پلتک - 2004 در اسکاتس ویل، ایالت نیویورک - ، 39 ساله هتیریس پلتک با چاقو زده شده بود و به همراه دخترانش با چکش به قتل رسید - مورد آزار جنسی قرار گرفته بود

نپذیرفتن حجاب - مسلمان / مکان نامعلوم / محمد پرویز، پدر و وقاص پرویز، برادر - 2007 در تورنتو، کانادا - ، 16 ساله/اقصی پرویز خفه شدگی -

«رفتار غربی» والدین از - مسلمان / مصر / یاسر سعید، پدر به کمک مادر - 2008 در ایروینگ، ایالت تگزاس - ، 17 ساله/امینه سعید کشته شده با گلوله - او ناراحت بودند

«رفتار غربی» والدین از - مسلمان / مصر / ، پدر به کمک مادر یاسر سعید - 2008 در ایروینگ، ایالت تگزاس - ، 18 ساله/سارا سعید کشته شده با گلوله - او ناراحت بودند

زیاده از حد - مسلمان / افغانستان / ، برادر به تشویق مادر وحیدالله محمد - 2009 در هنریتا، ایالت نیویورک - ، 19 ساله/فوزیه محمد ضربات چاقو - غربی شده، بی عفت شده و برنامه داشت که در نیویورک به دانشگاه برود

پس از ازدواج از طرف والدین - مسلمان / پاکستان / ، پدر چادری رشید - ایالت جورجیا / 2008 در آتلانتا - ، 25 ساله/سندیلا کنوال خفه شدگی - تایین شده تلاش داشت که طلاق بگیرد.

ها بادر این موارد میانگین سن قربانیان 21.5 سال بود و 10 نفر از 14 نفر فرزند قاتل بودند. مهمتر از آن، بیش از نیمی از این قتل همکاری بیش از یک عضو خانواده انجام شده بود. بین قتل‌های ناموسی در اروپا و آمریکا تفاوتی وجود ندارد. نه میانگین سن افراد و نه درصد فرزندان دختر که به وسیله‌ی والدین خود به قتل می‌رسند در اروپا با آمریکا تفاوتی ندارد. (جدول 3)

های ناموسی در اروپا قتل

نام قربانی و سن، سال و مکان، نام و اصلیت مهاجم، انگیزه و روش:

باچان اتوال، مادر بزرگ شوهر، یکی از پسرانش و - 1998، با فریب از انگلستان به هندوستان کشیده شد - ، 27 ساله/سورجیت اتوال به بهانه یک جشن عروسی خانوادگی به هندوستان - رابطه خارج از ازدواج و برنامه ریزی برای طلاق - سیک / هند / یک نفر از اقوام کشیده شد و در آنجا خفه‌اش کردند

از ازدواج برنامه ریزی شده از سوی خانواده سر باز زد در - مسلمان / پاکستان / برادر و مادر - 1999 انگلستان - ، 19 ساله/روخسانا ناز ی مادر روی زمین نگه داشته شده بود، بوسیله برادر خفه شد. در حالی که به وسیله - حالی که از دوست پسرش باردار بود.

ازدواج برنامه ریزی شده را نپذیرفت، دوست - مسلمان / از کردهای ترکیه / پدر و برادر - 2002 در سوئد - ، 32 ساله/فدیم سهندال ضرب گلوله - پسر غیر مسلمان داشت و به دنبال تحصیلات عالی و راه حل قانونی برای مشککش با پدر و برادرش بود.

- داشتن دوست پسر مسیحی و زیادی غربی شدن - مسلمان / عراق / ، پدر عبدالله یونس - 2002 در انگلستان - ، 16 ساله/هشو یونس ضربه چاقو و بریدگی گلو

زیاده از حد غربی شده - مسلمان / الجزایر / ، دوست پسر پیشین و همکلاسان جمال درار - 2002 در فرانسه - ، 17 ساله/سحین بن زیان تجاوز، شکنجه و زنده به آتش کشیده شدن -

به حرف شوهرش گوش نمیداد و طلاق - مسلمان / افغانستان / ، شوهر نصرالدین شمس - در نوژ 2002 - ، 22 ساله/انوش صدیق غلام ضرب گلوله - خواست می

به - استفاده از اینترنت برای یافتن دوست پسر - مسلمان / بوسنی / ها و سایرین برادر زاده - 2003 در هلند - ، 16 ساله/ماجا برادریک آتش کشیده شد

سر باز زدن از ازدواج تایین شده خانواده - مسلمان / پاکستان / ، پسر عمورفاقت حسین - 2003 در انگلستان - ، 21 ساله/بی سهجا بی 22 ضربه چاقو -

خفه کردن - ازدواج با فرد غیر سیک - سیک / پاکستان / اقوام مشکوک به قتل هستند - 2003 اسکاتلند - ، 22 ساله/آنیتا گیندها

مخالفت با ازدواج برنامه ریزی شده از سوی - مسلمان / پاکستان / والدین مشکوک به قتل - 2003 انگلستان - ، 16 ساله/شفیلی/احمد خفگی - والدین

ضرب گلوله - خواست طلاق بگیردمی - مسلمان / افغانستان / شوهر - 2004 در هلند - 32 ساله «گول»

ضرب - کرداز ازدواج اجباری فرار کرد و روسری سر نمی - مسلمان / ترکیه / سه برادر - 2005 در آلمان - ، 23 ساله هتین سوروجو گلوله

ضرب گلوله - سوار ماشین مرد غریبه شده بود - مسلمان / آلبانی / پدر - 2005 در آلبانی - ، 16 ساله رودینا قینامی

«رابطه» با کسی - مسلمان / کرد عراقی / ، عموآری محمود ، پدر و محمود محمود - 2006 در انگلستان - ، 20 ساله بناز محمود مورد تجاوز قرار گرفت و خفه شد - داشت

عاشق یک پناهنده افغان شد و از - مسلمان / پاکستان / ، برادر و پسر عموآظهر نظیر - 2006 در انگلستان - ، 25 ساله سمیرا نظیر ضرب چاقو و بریدگی گلو - ازدواج برنامه ریزی شده در پاکستان از سوی خانواده سر باز زد

ضرب چاقو و به - کرد رفتار می «نا نجیب» - مسلمان / عراق / ، شوهر کاظم محمد - 2006 در آلمان - ، 24 ساله سازان بیجاز عبدالله آتش کشیده شد

زیر - خواست طلاق بگیردمی - مسلمان / پاکستان / ، شوهر و خانواده اش شازاد خان - 2006 در انگلستان - ، 19 ساله صبیا رانی کتک کشته شد

خانواده، شوهر او را تایید - مسلمان / پاکستان / برادر، پدر و سایر اعضای خانواده - 2006 در دانمارک - ، 18 ساله غزاله خان ضرب گلوله - کردند نمی

قربانی شدن با آتش - زیاده از حد غربی شده - مسلمان / پاکستان / ، شوهر محمد ریاض - 2006 در انگلستان - ، 39 ساله کنیز ریاض

قربانی با آتش - زیاده از حد غربی شده بود - مسلمان / پاکستان / ، پدر محمد ریاض - 2006 در انگلستان - ، 16 ساله سیره ریاض

قربانی با آتش - زیاده از حد غربی شده بود - مسلمان / پاکستان / ، پدر محمد ریاض - 2006 در انگلستان - ، 15 ساله سوفیا ریاض

قربانی با آتش - زیاده از حد غربی شده بود - مسلمان / پاکستان / ، پدر محمد ریاض - 2006 در انگلستان - ، 10 ساله آلیشا ریاض

قربانی با آتش - زیاده از حد غربی شده بود - مسلمان / پاکستان / ، پدر محمد ریاض - 2006 در انگلستان - ، 3 ساله هانا ریاض

گذاشت، طلاق گرفته بود و به سنن پاکستانی احترام نمی - مسلمان / پاکستان / پدر و برادر شوهر - 2006 ایتالیا - ، 21 ساله حینا سلیم به ضرب چاقو - پوشیدلباس شکم نما می

های ناموسی انگیزه مشخص نیست ولی بازرسان احتمال انگیزه - مسلمان / پاکستان / شوهر - 2007 در انگلستان - 17 ساله صنعا علی به ضرب چاقو - دهندرا می

خواست و بیش از اندازه آزادی می - مسلمان / پاکستان / ، برادر و پسر عمو/احمد عبیدی - 2008 در آلمان - ، 16 ساله مرسل عبیدی به ضرب چاقو - دانست‌های اسلامی را نمی‌قدر ارزش

ترین شکل مانند چندین ضربه چاقو، های ناموسی را به وحشیانه‌بیش از نیمی از موارد، اقوام قتل هم در اروپا و هم در آمریکای شمالی، تجاوز، به آتش کشیدن و زیر پتک خرد کردن انجام می‌دهند. زنان غربی تنها در شرایطی که قاتل چندین نفر را می‌کشد ممکن است با چنین خشونت‌ی رو به رو شوند و در این موارد قاتل عضو خانواده نیست و مقتول غریبه است. با وجود مغالطه گروه‌های اسلامی در آمریکا، تحقیقات کاملاً نشان می‌دهند که قتل ناموسی با خشونت خانگی تفاوت اساسی دارد. تمامی قتل‌های ناموسی به دست مسلمانان صورت نمی‌گیرد اما اکثریت قاطع موارد، مربوط به مسلمانان است. 90 درصد قتل‌های ذکر شده در دو جدول بالا به دست مسلمانان صورت گرفته است. به هر حال در تمامی این موارد قاتل مقتول را مجرم به شکستن قوانین دینی می‌داند و بدون پشیمانی دست به این کار می‌زند.

با وجود کوچک بودن موارد در این تحقیقات، به نظر می‌رسد که میزان قتل‌های ناموسی در آمریکا رو به رشد است و این مربوط به گیرد. اما از مهاجرت از کشورهای دارای جمعیت با اکثریت مسلمان ریشه می‌شود. مشکلات متفاوت هستند. مهاجرین نسل اولی می‌توانند سرزمین‌های فلسطینی، بخش کرد نشین عراق و ترکیه، کشورهای دارای اکثریت مسلمان در منطقه بالکان، بنگلادش، مصر و افغانستان. پاکستانی‌ها بالاترین شمار را در این مورد دارند و نقطه مشترک بین این موارد دین است، نه فرهنگ.

هابر خورد اخلاقیات در فرهنگ

مشکلی که غرب با آن روبروست پیچیده است. مسلمانان، سیک‌ها و هندوها ناموس و اخلاقیات را مسائلی خانوادگی و گروهی می‌دانند.

حقوق مربوط به گروه است، نه فرد. حقوق خانواده، قوم و قبیله بر حقوق بشر فرد برتری دارند.

گفتگوی سیاست گذاران مانع «اسلام هراسی» ها، متفکرین دلیل را حل شدن مهاجران در فرهنگ غربی می دانند. مثلا اتهام در این گروه توانند مشکلات میان مهاجران مسلمان را مورد توجه قرار دهند. با این وجود مداخلات قانونی در اروپا و این سیاست گذاران می شود که دارای 20 تا 30 میلیون مهاجر مسلمان و فرزندانشان هستند در راه است. این رقم در آمریکا و کانادا تنها حدودا 4 میلیون است. در نتیجه قتل ناموسی در اروپا بیشتر به چشم می خورد تا در آمریکای شمالی. در سال 2004 کشور سوئد اجلاسی در مورد قتل های ناموسی و خواستار واکنش جهانی به این موضوع شد. شرکت کنندگان به این نتیجه رسیدند: برگزار کرد

با خشونت زیر پرچم ناموس باید به عنوان مانعی برای حقوق بشر زنان مبارزه شود. ارتباط ناموس و بکارت زنان باید مورد چالش قرار های ناموسی به جملہ قتل گیرد. هرگز نباید پذیرفت که آداب، سنن و مذهب برای سر باز زدن از تغییر برای کاهش خشونت علیه زنان، از های قانون، اشتغال، تحصیل و حقوق مورد بررسی قرار گیرد. در زمینه «حقوق زنان» کار گرفته شوند. خشونت علیه زنان باید از زاویه دید و سلامت جنسی باید گام هایی برداشته شود. احترام به حقوق بشر زنان مستقما با دموکراسی ارتباط دارد. کنوانسیون های بین المللی باید در داخل قوانین کشورها نیز تصویب شوند.

از آن زمان کنفرانس های منطقه ای در فرانسه، انگلستان و آلمان برگزار شده است. پلیس انگلستان شروع به پنهان کردن زن ها کرده است، همان گونه که در آمریکا شاهدان ارتکاب جرم را مخفی نگه می دارند. قوانین جدید وضع شده است که به پلیس انگلستان اختیارات بیشتری برای حمایت از زنان بریتانیایی می دهد. مثلا اگر دختری دزدیده شده و (معمولا در پاکستان) به زور به عقد کسی در آورده شده است، با خواست آن زن پلیس اجازه نجات دادن او و بازگرداندنش به انگلستان را دارد. واحد جدید پلیس برای موارد ازدواج اجباری و اخیرا در بریتانیا برای مخالفت با قوانین شریعت «یک قانون برای همه» برنامه ریزی شده کودکان راه اندازی شده است. جنبش به نام راه اندازی شده است. او این کند که با قتل و سایر جرایم ناموسی مبارزه می مریم نمازی اسلام به راه افتاده است. این جنبش از سوی جنبش را برای توقف استفاده از دادگاه های شریعت به راه انداخت، چرا که دادگاه های شریعت بر علیه زنان تبعیض قائل می شوند. علاوه ای از سوی بر این به مدارس در هلند دستور داده شده است که نسبت به جرایم ناموسی توجه بیشتری نشان دهند. این دستور پس از مطالعه صادر شد. «[مهاجران] وزارت ادغام»

پلیس آمریکا در 40 سال اخیر پیشرفت های بسیار چشمگیری در زمینه خشونت علیه زنان داشته است. با این وجود هنوز پناهگاهی برای زنان و دختران کتک خورده مسلمان، هندو و سیک که احتمال قتل ناموسی را می دهند وجود ندارد. پناهگاه های معمولی در زمینه قتل ناموسی و خانواده هایی که می توانند با سرپرستی از این زنان و دختران در مقابل خانواده شان محافظت کند تخصص ندارند. مخالفان مخالفت کنند، چرا که آن زنان و دختران مجبورند هویت واقعی خود را برای زنده «سرکوب فرهنگی» ممکن است با این امر به عنوان ماندن رها کنند.

شان ارتباطی ندارند. این زنان نزدیک خانواده نجات دادن زنان بالغ مهاجر دشوارتر است چرا که این زنان معمولا با کسی خارج از دایره تنها زمانی که دچار جراحاتی می شوند که نیاز به درمان دارد با غریبه ها تماس می گیرند.

آموزش مذهبی نیز ممکن است لازم باشد. بر اساس این گزارشات در 90 درصد قتل های ناموسی در غرب، قاتل و قربانی هر دو مسلمانند. مسلمانان بردار را قاتلان ممکن است قرآن یا دستورات اسلام را اشتباه تفسیر کنند، یا به عمد و دلایل منفی، یا تنها به دلیل این که عقاید نمی دانند. در بسیاری از موارد نیز ممکن است فرد سنت های منطقه خود را با اسلام پیوند بزند و به این نتیجه برسد.

اینجاست که سازمان های کانادایی و آمریکایی مسلمانان می توانند نقش بزرگی را ایفا کنند؛ در صورتی که دست از مغالطه بکشند و ریشه مذهبی مشکل را بپذیرند. اکنون زمان آن است که روحانیون بدون هیچ ملاحظه ای اعلام کنند که کشتن دختران، زنان، خواهران، دختر گویند که روحانیونی که به خلاف اسلام است. شماری از فعالان فمینیست که با زنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند می ... عموها و حقوق زنان باور دارند به آنان بسیار کمک کرده اند. روحانیون باید به صورت علنی قاتلان ناموسی را شناسایی کرده، به آن ها اشاره کنند و به انجام این کار نیستند باید مورد چالش قرار گیرند. آبروی شان را ببرند. روحانیونی که حاضر

وقتی مسئله تروریسم مطرح است، پلیس و ماموران قانون باید بدانند کدام گروه یا دسته از مسلمانان را برای همکاری مورد بررسی قرار (به سوی CAIR) «شورای روابط اسلامی و آمریکایی» اند ماندهایی که نام حقوق شهروندی بر خود نهاده دهند. بسیاری از سازمان برای «فروم اسلامی آمریکایی برای دموکراسی» و «کنگره اسلامی آمریکا» هایی مانند برداشت های افراطی اسلام گرایش دارند. گروه گذاران را در سایه منفی قرار های آنان عربستان سعودی و سایر سرمایه و با توجه به این که فعالیت کنند برابری و حقوق بشر فعالیت می می دهد، معمولا بودجه اندکی دارند. اگر منابع جایگزین برای سرمایه گذاری در این سازمان ها وجود داشته باشد، این سازمان ها می توانند دست به آموزش مسلمانان علیه قاتلان ناموسی بزنند.

مسئولان مهاجرت آمریکا و کانادا نیز باید به این موضوع توجه کنند. آنان باید مهاجران مسلمان یا شهروندان تازه مسلمان را مطلع سازند که کتک زدن زنان و قتل ناموسی اعمال مجرمانه هستند و هم قاتل و هم شرکایش مورد تعقیب قرار می گیرند. برابری فرهنگی آن گونه که در

انگلستان و هلند برای توجیه استفاده شده است نباید مورد قبول قرار بگیرند. تا زمانی که این گروه‌ها به مغالطه خود ادامه دهند و پلیس و به قتل خواهند رسید. این نوع از قتل «ناموس» ماموران قانون داستان دروغ آنان را باور کنند، هر روز زنان بیشتر و بیشتری در غرب بر سر ممکن است شدت یابد. اگر قوانین غرب مداخله نکنند، خون این زنان روی دستان جامعه خواهد بود.

پنج راه مهم برای مستندسازی خشونت



عکس: katyperrybuzz.blogspot.com

ترجمه: فرخ نیک‌مرام

اگر فردی یک پیامک تهدید کننده دریافت کند، لزوماً به این نتیجه نمی‌رسد که مورد آزار قرار گرفته است، اما پیامک‌های تهدید آمیز های اینترنتی نیز ایمیل، تماس تلفنی، پیام صوتی و پیام اند شکل دیگری دارد. این قاعده شامل متعدد که به یک روند رفتاری تبدیل شده می‌شود. این گونه از خشونت و خشونت کلامی معمولاً پتانسیل آن را دارند که شدت یابند و به خشونت فیزیکی منتهی شوند. مستندسازی این گونه از آزار می‌تواند به پیدا کردن علائم خطر کمک کند. این کار به فرد این امکان را نیز می‌دهد که گام‌های لازم برای جلوگیری از آزار و خشونت در آینده را بردارد و در صورتی که او تصمیم به پیگیری حقوقی مسئله بگیرد به وی کمک زیادی خواهد کرد. در اینجا به پنج راه مهم مستندسازی آزار و خشونت در روابط عاطفی اشاره می‌کنیم:

1. نوشتن خاطرات راهی بسیار مناسب برای یافتن وقایع و روندهاست. همیشه تاریخ و زمان هر واقعه را در جایی یادداشت کنید بنویسید. هر مورد آزار یا خشونت را مستند کنید. اگر کسی شاهد آن خشونت بود، گفته‌های او را یادداشت کنید. آیا چیزی شکسته شده؟ آیا چیزی به طرف شما پرتاب شده یا وسیله‌ای به عنوان سلاح علیه شما به کار گرفته شده؟ آیا جراحی وجود داشته؟ کوچک بودن یا به ظاهر کم اهمیت بودن این جزئیات از اهمیت آنها نمی‌کاهد. همه چیز را بنویسید. کوچکترین چیز می‌تواند در آینده اهمیت بسیار پیدا کند.

2. های تلفنی گاهی برای ادامه دادن به خشونت، جدا از جرایم اینترنتی، پیامک، ایمیل و تماس پیام آزار دیجیتال را مستندسازی کنید. و بحث و خشونت فیزیکی استفاده می‌شوند. یکی از زوجین ممکن است در یکی از همین پیام‌ها به آزار یا خشونت اعتراف کند. با این پیام، پرینت تمامی دهنده‌شوند. پس داشتن تصویری از صفحه نشان وجود مدارک دیجیتال معمولاً یا تصادفاً یا به صورت دیگری پاک می‌شود. پیامک‌ها، ایمیل‌ها و تماس‌های تلفنی و داشتن لیستی مستند از پیام‌ها می‌تواند در آینده کمک زیادی بکند.

3. اگر مورد آزار یا خشونت فیزیکی قرار گرفتید، حتماً به دکتر مراجعه کنید. حتی زمانی که جراحی به چشم به دکتر مراجعه کنید. این مجموعه‌آید ممکن است آسیب دیده باشید. امروزه بیش از هر زمانی، درمانگران برای شناسایی خشونت و آزار تعلیم دیده‌اند. درمانگران و دکترها منبعی ایمن برای دریافت کمک هستند. از آنان بپرسید که چگونه می‌توان آسیب را مستندسازی کرد؛ مثلاً چگونه می‌توان دلیل آسیب را بیان کرد بدون این که نیازی به گزارش دادن به پلیس بوجود آید.

4. تمامی این مستندات باید در مکانی مخفی و امن نگهداری شوند، به صورتی که تنها شما و منابع را در جایی امن نگهداری کنید. یا فرد مورد اعتماد شما به آنها دسترسی داشته باشید. خلاقیت به خرج دهید. به این که چگونه می‌توان تمامی تصاویر، پیام‌ها و مدارک را دور از دسترس فرد آزار دهنده نگهداری کرد فکر کنید. یک ایمیل جدید، تنها برای مستندسازی آزار و خشونت درست کنید. شما می‌توانید تصاویر را از روی تلفن تان به این آدرس ایمیل ارسال کنید. از منابع اینترنتی که دارای رمز عبور باشند برای نوشتن وقایع و

خاطرات استفاده نمایید و رمز را هر چند وقت یک بار تغییر دهید. رمز عبور خود را حفظ کنید و از نوشتن آن در جای دیگر خودداری کنید، چرا که ممکن است آن نوشته به دست فرد آزار دهنده بیافتد.

5. آیا کسی از اعضای خانواده، دوستان، همکاران یا همسایگان در جریان این که شما از افراد مورد اعتماد درخواست کمک کنید. مورد آزار قرار می‌گیرید قرار دارد؟ آیا آمادگی کمک به شما را دارد؟ آنان می‌توانند در اشکال مختلف نقش بسیار پر اهمیتی را ایفا کنند. مثلاً آنان می‌توانند از یادداشت‌های شما نگهداری کنند یا یک نسخه از مستندات شما را نزد خود نگهدارند. با این وجود، از گفتگو در مورد محل اختفای مدارک خود و چیزهای شبیه به آن از طریق ایمیل یا پیامک خودداری کنید، چرا که فرد آزار دهنده می‌تواند تمامی این راه‌ها را زیر نظر گرفته باشد.

توضیح خانه امن: پارگراف زیر برای کسانی که در امریکا زندگی می‌کنند کاربرد دارد، بدیهی است در ایران قوانین کل کشور یکی است.

فراموش نکنید که هر ایالتی قوانین مخصوص خود را در مورد مدارک قابل استفاده در دادگاه دارد، در نتیجه بهتر است با یک وکیل در این موارد مشاوره کنید. مثلاً ممکن است در حالی که یکی از ایالات شهادت فرد را بپذیرد، ایالت دیگر نیاز به گزارش پلیس داشته باشد.

[\(Breaking the Cycle\)](#) «شکستن چرخه» منبع: وبلاگ
